



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قاتون

پروگرام ماستری تفسر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور محصلان

قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – در قرآن کریم

درس ها و اندرز های آن

رساله ماستری

محصله: مژگان " طیب "

استاد رهنما: دکتور عبدالباری " حمیدی "

سال: 1400 هـ ش – 1442 هـ ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

قصه حضرت سلیمان- علیه السلام - در قرآن کریم

درس ها و اندرز های آن

(رساله ماستری)

محصله: مژگان "طیب"

استاد رهنما: دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: 1400 ه ش - 1442 ه ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترمه مرگان بنت محمد یونس ID: SH-MST-95-167 محصله دور دوم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: قصه حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن کریم درس ها و اندرز ها آن به روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د ۹۰ (نمره به عدد) نود پورص (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد شکرالله مخلص	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالرحمن شاه	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورد ماستری

اهدا

این اثر علمی را که به نیت خدمت به دین مقدس اسلام و مسلمانان انجام شده است برای والدین گرامی ام که در پرورش جسمی و تربیه دینی من همه راحتی های خود را قربان نموده و برای سعادت و خوشبختی ام از دوران طفولیت تا دوره های تعلیم سعی و تلاش نموده اند، به برادر عزیزم جمشید جان که در راه آموختن علم بخصوص علم دین همیشه حمایت نموده است، به استاد بزرگوارم که با صبر و تحمل در این مسیر معنوی و علمی رهنمایی ام کرد. اهدا مینمایم و از الله - جل جلاله - میخواهم که اجر آن را در نامه حسنات آنها اضافه نماید.

سپاس و تشکر

ستایش ذات اقدس الهی راست ، که با نازل کردن اولین آیت قرآنکریم ﴿ اَفْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴾¹ انسان را به آموختن علم و دانش امر نموده و درود به روح پاک رسول مهربان حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - که با این فرموده اش « خیرکم من تعلم القرآن و علمه »² بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد، امتش را به آموختن علم و قرآن ترغیب نموده است .

به مقتضای این فرموده خداوند متعال ﴿ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ ﴾³ ذات اقدس و یکتا را که برای من حقیر توفیق تحصیل در امور شرعی را عطا کرد، سپاس گزاری میکنم و از باره گاه الله متعال توفیق خدمت در راه دین مبین اسلام از عمق قلب آرزو مینمایم .

در ابتداء از استاد محترم و مهربانم دکتور " عبدالباری حمیدی " که سمت استاد رهنما در تهیه رساله ام را به عهده دار بودند و از اندوخته های علمی شان در جریان درس خیلی بهره مند گردیدم قلباً اظهار سپاس و امتنان می نمایم و از استادان که عضو هیات مناقشه و عهده دار مجلس دفاع رساله ام میباشند سپاس گزارم سپس از پوهنتون سلام که به مثابه اولین نهاد اکادمیک و علمی و اختصاصی شرایط مناسب را برای تحصیل دختران و زنان در افغانستان تا سطح ماستری در یک فضای اسلامی فراهم نموده سپاس و امتنان داشته باشم . از تمام اساتید بزرگواری که همه علمای فرهیخته این سرزمین اند ، با بهترین کلمات و جملات ابراز سپاس و امتنان مینمایم، آنها واقعا مانند پدران دلسوز و مهربان درحق دختران معنوی خویش از هیچ تلاش دریغ نکرده اند. امید دارم که خداوند متعال این تلاش اندک را به درگاه خویش بپذیرد و آن را مفید قرار دهد.

باعرض حرمت تمام

مزگان " طیب "

¹.سورة العلق / 1.

².صحیح البخاری، فضائل القرآن،باب خیرکم من تعلم القرآن و علمه ، شماره حدیث (4739) ج 4، ص 1919.

³.سورة ص / 35.

چکیده (خلاصه)

موضوع تحقیق که قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم درس ها و اندرز های

آن است از لحاظ محتوی، شامل مطالبی چون معرفی جزئیات موضوع از قبیل قصه، درس ها و اندرز های آن، توضیح داستان سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم و بیان درس ها و اندرزهای گرفته شده از آن میگردد، بدیهی است که بیان درس ها و اندرزها هدف اصلی سوره های قرآن کریم را توضیح مینماید، بناء این موضوع از اهمیت به سزای برخوردار است میتوان اهمیت موضوع و اهداف آنرا به طور مختصر چنین برشمرد:

1- از حیث اینکه تعلق آن به قرآن کریم است .

2- از این طریق درس ها و اندرز های که در سوره های نمل، سبا، ص، انبیاء، در قرآن کریم ذکر گردیده واضح میگردد.

3- از طریق شناخت درس ها و اندرزها سوره های قرآن کریم راه حلی برای مشکلات روز پیدا میشود.

روش تحقیق، استقرایی بوده و از شیوه های موضوعی در علم تفسیر قرار ذیل استفاده شده است:

1- جمع بندی آیاتیکه بر یک مبحث مناسبت داشته باشد و بررسی درس ها و اندرزها به صورت تحلیلی با استفاده از اقوال و نظریات علماء و مفسرین .

2- ذکر اقوال به صورت مفهومی و نقل برخی از متون به صورت موجز و مختصر.

3- نقل ترجمه آیات از دو تفسیر " انوار القرآن " و " ازهرالبیان فی تفسیر الکلام الرحمن ترجمه دری.

موضوع شامل نتایج موهم چون:

1- شناخت علم قصص، درس ، اندرز، سوره ها و اثرگذاری آن در فهم معنای قرآن کریم .

2- بیان قصه سلیمان - علیه السلام- که شامل قضایی میشود که در اصلاح عقیده، عمل و اخلاق اجتماعی موثر میباشد.

3- درک درس ها و اندرزهای تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، که در قصه سلیمان – علیه السلام – ذکر گردیده است .

واژه های کلیدی :

قصص ، درس ، اندرز، اهمیت درس و اندرز، درس ها و اندرز های گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – در قرآن کریم.

خاتمه : که شامل نتایج مهم موضوع و پیشنهادات میباشد.

فهرست مراجع: معرفی ماخذ و مراجع موضوع که در تحقیق از آن استفاده شده است .

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
مقدمه	1.....

فصل اول

کلیات مفاهیم

9.....	مبحث اول: مفهوم قصه:
9.....	مطلب اول: مفهوم لغوی قصه :
10.....	مطلب دوم: مفهوم اصطلاحی قصه:
11.....	مبحث دوم: اهمیت قصه:
11.....	مطلب اول: اهمیت قصه های قرآنی بشکل عام :
13.....	مطلب دوم: اهمیت قصه حضرت سلیمان – علیه السلام-:
16.....	مبحث سوم: مفهوم درس و اندرز و اهمیت آن :
17.....	مطلب اول: مفهوم درس و اندرز:
19.....	مطلب دوم: اهمیت درس و اندرز:

فصل دوم

شخصیت و اسرائیلیات وارد شده به قصه سلیمان – علیه السلام –

22.....	مبحث اول: معرفی حضرت سلیمان – علیه السلام -:
22.....	مطلب اول : شخصیت حضرت سلیمان – علیه السلام - :
24.....	مطلب دوم: نسب حضرت سلیمان – علیه السلام -:
30.....	مطلب سوم: علم و حکمت حضرت سلیمان – علیه السلام -:

- 34.....مطلب چهارم : شکرگزاری حضرت سلیمان – علیه السلام -
- 37.....مبحث دوم: رسالت و ملک حضرت سلیمان – علیه السلام :-
- 37.....مطلب اول:رسالت حضرت سلیمان – علیه السلام-:
- 39.....مطلب دوم: ملک حضرت سلیمان – علیه السلام -:
- 44.....مطلب سوم: قضاء و عدالت حضرت سلیمان – علیه السلام -
- 53.....مطلب چهارم : جاه و جلال حضرت سلیمان – علیه السلام -
- 55.....مبحث سوم: ویژه گی های حضرت سلیمان – علیه السلام -
- 53.....مطلب اول : سلیمان – علیه السلام – و جنیان و دیوان
- 65.....مطلب دوم: اطاعت جنیان از حضرت سلیمان – علیه السلام -
- 67.....مطلب سوم: کار هایکه جنیان به حضرت سلیمان – علیه السلام – انجام میدادند
- 70.....مطلب چهارم: سلیمان – علیه السلام – و باد:
- 74.....مطلب پنجم : سلیمان – علیه السلام – و پرنده گان :
- 78.....مبحث چهارم: اسرائیلیات وارده در داستان حضرت سلیمان – علیه السلام -
- 80.....مطلب اول: حضرت سلیمان درقرآن کریم و عهد قدیم :
- 82.....مطلب دوم: امتحان حضرت سلیمان – علیه السلام – و روایات اسرائیلی
- 88.....مطلب سوم: نقد و بررسی روایات اسرائیلی :
- 91.....مطلب چهارم:روایات اسرائیلی در مورد اسبهای حضرت سلیمان – علیه السلام-
- 96.....مطلب پنجم:نقد و بررسی روایات اسرائیلی

فصل سوم

درس ها و اندرز های گرفته شده از قصه سلیمان – علیه السلام-

- مبحث اول: درس های تربیتی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام -.....99
- مطلب اول : پایداری عقیده در مقابل تطمیع مالی.....99
- مطلب دوم: درسی در تواضع:101
- مطلب سوم: همت بلند در طلب رضای خداوند –جل جلاله-103
- مبحث دوم: درس های اجتماعی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام ... 105
- مطلب اول: حرص حضرت سلیمان – علیه السلام به داخل شدن مردم به دین حق.....105
- مطلب دوم: تعامل بلقیس و قومش در مقابل دعوت سلیمان – علیه السلام :-.....106
- مطلب سوم: پایداری همت بلند حضرت سلیمان – علیه السلام – در برابر دین حق.....108
- مبحث سوم: درس های سیاسی گرفته شده از قصه سلیمان – علیه السلام -.....109
- مطلب اول: تدبیر بهتر در امور دولت110
- مطلب دوم: لشکر نظامی حضرت سلیمان – علیه السلام-.....112
- مطلب سوم: هدهد سفیر سلیمان – علیه السلام – به مملکت سبأ.....113
- مطلب چهارم : ملکه سبأ با قوم خود مشورت کرد.....116
- مطلب پنجم: عمل به نظام شورا.....118
- مبحث چهارم: درس های اقتصادی گرفته شده از قصه سلیمان – علیه السلام -.....120
- مطلب اول: موقف سلیمان – علیه السلام- در برابر هدیه یا رشوه ملکه سبأ120
- نتیجه گیری123

126.....	پیشنهادات
127.....	فهرست آیات
133.....	فهرست احادیث
134.....	فهرست اعلام
136.....	فهرست منابع و ماخذ

مقدمه

ان الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له و اشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله .

از آنجا که قرآن کریم اولین مصدر دین مقدس اسلام است قصه های که در آن ذکر گردیده همه باعث عبرت برای امت ها میگردد، ﴿ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ ﴾¹ قصه های که در قرآن کریم بیان شده است، متضمن عبرت ها، موعظه ها، و حکمت هایی است که در کتاب دیگر وجود ندارد. در این کتاب داستان حال پیامبران، صالحان، و نیز سیرت پادشاهان، و بردگان ، تاجران، مردان ، و زنان، نیرنگ ها و مکر شان آمده است ، - الله متعال رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - را به قصه نمودن قصه های قرآنی به مردم امر نموده. الله متعال در قرآن کریم میفرماید: ﴿ فَأَقْصِصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴾² « پس این داستان ها را برآنان حکایت کن شاید آنان بیندیشند» و در آیه دیگر خداوند متعال میفرماید: ﴿ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ ﴾³ « به راستی در بیان داستانهای پیامبران پند و اندرزهای عظیمی وجود دارد » و قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - هم چنان شامل درس، و اندرزهای تربیتی، اجتماعی، سیاسی ، اقتصادی میباشد، انسان های که پند پذیر است با شنیدن و خواندن این قصه پند و عبرت میگیرد، در این قصه تمام ویژگی های که یک رهبر مسلمان باید داشته باشد بیان شده است، از احساس مسولیت یک رهبر در مقابل تمام رعیتش ، تا پایداری عقیده محکم و ثبات اش در مقابل رساندن دین حق، و بیان اینکه در مقابل تبلیغ دین حق هیچ رشوه یا هدیه نباید دعوت کننده را از راه حق دور کند.

قرآن کریم کتاب معتبر و کامل است که بخاطر تشکیل یک حکومت اسلامی و پایداری آن تمام مراحل آن را به طور واضح بیان کرده است .

¹ .سورة يوسف / 3.

² .سورة الاعراف / 176.

³ .سورة يوسف / 111.

اهمیت موضوع تحقیق:

موضوع تحقیق از چند لحاظ حایز اهمیت میباشد:

1- بیان قصه حضرت سلیمان – علیه السلام - و درس ها و اندرز ها که شامل بخش های تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، میباشد که در آوردن اصلاحات در تمام این بخش ها اثر بسزای دارد.

2- این قصه شامل همه بخش های زنده گی شخصیت بر گزیده الهی (سلیمان – علیه السلام-) بوده و بهترین نظام سیاسی یک حکومت را بیان میکند.

3- تحقیق قصه حضرت سلیمان – علیه السلام- در قرآن کریم سبب اطلاع از سیرت سلیمان – علیه السلام - که الله متعال برایش نعمت های زیادی بخشید و تعامل آن در مقابل این نعمت های خداوند متعال چگونه بود.

4- اطلاع از درس ها و اندرز های گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – که نشان دهنده وحدانیت، عظمت، قدرت الله متعال میباشد.

5- توضیح و تشریح درس ها تربیتی ، اجتماعی ، سیاسی، اقتصادی، از اهداف این داستان است تحقیق کننده و هم مطالعه کننده ها را به فهم دقیق آیات قرآنی کمک میکند.

اسباب اختیار موضوع :

انتخاب یک موضوع برای تحقیق از نظر محقق اولاً حایز اهمیت بوده و سپس برخی از عوامل که باعث انتخاب قصه حضرت سلیمان در قرآن کریم درس ها و اندرز های گرفته شده از آن گردیده قرار ذیل است :

1- نخستین عامل برای تحقیق در موضوع قصه سلیمان – علیه السلام – درس ها و اندرز های گرفته شده از آن خدمت به کتاب الله متعال و طلب رضای خداوند – جل جلاله – میباشد از خداوند متعال خواهانم این خدمت را مورد قبولش گردانیده و در میزان حسنات ام قرار دهد.

2- واضح ساختن قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – درس ها و اندرز های گرفته شده از سوره و آیات قرآن کریم به سبب این که این کتاب هدایت کننده و نجات بشریت است از اهمیت والای برخوردار است .

3- قصه سلیمان - علیه السلام - که در قرآن کریم در سوره های بقره، نمل، سبأ، ص، انبیاء آمده است شامل درس ها و اندرز های متنوع، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، میباشد یکی از اسباب انتخاب موضوع میباشد.

4-علاقه بسیار زیادی به تدبیر و تامل به قصص و داستانهای که در قرآن کریم بیان گردیده است.

5- عدم وجود یک رساله منظم و ترتیب یافته در مورد قصه حضرت سلیمان - علیه السلام- درس ها و اندرز های تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، گرفته شده از آن در کشور بنده را و داشت تا این موضوع را برای تیزس (رساله ماستری) خود برگزیدم .

اهداف تحقیق :

ازاینکه اهداف صحت انجام یک عمل را توجیه میکنند؛ بنا براین داشتن اهداف یکی از نیازهای

علمی در بحث تحقیق میباشد، که اهداف یا موضوع تحقیق را دربر میگیرد، هدفی که به شخص تحقیق کننده بر میگذرد طلب رضای خداوند متعال و اخلاص نیت در انجام مکلفیت تحقیقی میباشد، که یک بخش تحصیلی است، و اهداف که به موضوع بر میگذرد قرار د ذیل است :

1- بیان قصص و اهمیت آن در قرآن کریم .

2- بیان درس ها و اندرز و اهمیت آن در قرآن کریم .

3- بیان قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم .

4- بیان درس ها و اندرز های تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ، گرفته شده از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم .

سوالات تحقیق و فرضیه ها:

سوالات تحقیق عبارت از طرح پرسش ها و فرضیه های مقدماتی است که تحقیق جوابگوی آن میباشد.

سوالات کلی:

- 1- آشنایی با علم درس ها، اندرزهای، که در قصه سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم ذکر گردیده از چی جایگاه برخوردار است؟
- 2- ذکر مکمل قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم در سوره بقره، نمل، سبأ، ص، انبیاء، روی چی اهداف و از چی اهمیت برخوردار است؟

سوالات عمومی و فرضیه ها:

- 1- قصه ها و داستان ها در قرآن کریم بخاطر کدام اهداف ذکر میگردد؟
- 2- قصه سلیمان - علیه السلام - به قصه های دیگر انبیاء در قرآن کریم چه تفاوت دارد؟
- 3- به صورت عام قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - دارای چی ویژه گی های میباشد؟
- 4- درس ها و اندرزهای قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - شامل چند بخش میگردد؟

پیشینه موضوع تحقیق :

این بحث تحقیقی یک بحث تکمیلی در سلسله اباحت قصه سلیمان - علیه السلام - درس و اندرز های گرفته شده از آن است . از گذشته تا حال کتاب های زیادی وجود دارد که به زبان های مختلف به ویژه قصه های قرآنی به رشته تحریر در آمده است، همچنان قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - در کتاب های قصص القرآن مانند سایر داستان های پیامبران ذکر گردیده مانند:

1- کتاب داستان پیامبران در قرآن که توسط " عقیف عبدالفتاح طباره " تالیف گردیده؛ کتاب است که در آن نویسنده مباحث بسیار مهم، چون سلیمان سخن مورچه ها را میفهمد، امتحان سلیمان - علیه السلام- نعمت های که خداوند به حضرت سلیمان - بخشیده است، سلیمان واسپهانش، داستان سلیمان و ملکه سبا، با استفاده از آیات قرآن کریم در مورد موضوعات ذکر شده بحث صورت گرفته است .

4

2- رساله « سلیمان - علیه السلام - فی القرآن کریم » که توسط همام حسن یوسف سلوم، نوشته شده است رساله تحقیقی است به زبان عربی که در آن نویسنده مباحث بسیار مهم، چون نعمت های که خداوند متعال برای حضرت سلیمان - نصیب کرده ، علم وفهم سلیمان - علیه السلام - تسخیر باد ، تسخیر جن و شیاطین، در مورد قصه سلیمان- علیه السلام - با ملکه سبا ، وفات سلیمان - علیه السلام - با استفاده از آیات قرآن کریم در مورد موضوع ذکر شده بحث صورت گرفته است.

3- کتاب « قصص الانبیاء » مولف آن أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر، میباشد که در آن پیرامون قصه حضرت سلیمان و دیگر پیامبران بحث نموده است که در آن روی موضوعات وراثت سلیمان - علیه السلام- قصه پرنده ، بررسی هدد، ملکه سبا، ذکر گردیده است .

4- کتاب «النبوة والانبياء» که مولف آن محمد علی صابونی، میباشد که در آن پیرامون حکومت سلیمان - علیه السلام - و قضاوت ، نعمت های که خداوند به سلیمان - علیه السلام نصیب کرد، با استفاده از آیات قرآن کریم پیرامون آن پرداخته شده است

کتاب های فوق به زبان عربی بوده که قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - را در قرآن کریم بیان میکند، در عین موضوع کدام کتاب یا رساله در مورد قصه سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم درس ها و اندرز های گرفته شده از آن باشد نیافتم از این لحاظ در حد توان کوشیدم که مطابق استطاعتم حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم درس ها و اندرز های گرفته شده از آن را به شیوه ای تحقیقی به معرفی بگیرم .

روش تحقیق :

این تحقیق با استفاده از روش تفسیر موضوعی و جمع آیاتی از قرآن کریم و تفسیر آنان از تفاسیر معتبر با روش کتابخانه ای انجام شده است. قسم که ابتداء برای موضوع هر فصل آیات را جمع آوری نمودم و با ترجیح خودم برای هر یک از آیات عنوان برگزیده ام ، البته گاهی برخی عناوین را از بعضی از کتابها اخذ نمودم ، نقل آیات از قرآن کریم سپس ترجمه فارسی به طور اجمالی از دو تفسیر 1- ازهرالبیان فی تفسیر کلام الرحمن؛ 2- تفسیر انوار القرآن ، پرداخته شده و بعد در مورد موضوع از خلال تفاسیر و کتب های دیگر بحث صورت گرفته است.

5

در مواردی برای تشریح بیشتر آیات به نقل متن احادیث ترجمه و تخریح هر حدیث در حاشیه همان صفحه نگاشته شده است. بعضا معرفی اشخاص که اقوال و نظریات شان نقل شده است، استفاده از مراجع و مصادریکه متعلق به موضوع بحث است .

در بخش فهرست آیات ، واحادیث ، به ترتیب حروف معجم بوده و تکرار صفحات در پیش روی هر شماره درج گردیده ؛ یعنی آیات که در چندین صفحه ذکر شده باشد تنها در یک بخش اشاره شده است منابع و مصادر به ترتیب معجم ترتیب یافته است و جلد و صفحه در حاشیه هر صفحه نگاشته شده و در فهرست منابع نیز معلومات دیگر تحریر یافته است .

مشکلات تحقیق :

در زمان نوشتن این بحث مشکلات که به آن مواجه شده ام به سه بخش تقسیم شده است

بخش اول: عدم دسترسی به کتابخانه های معیاری، بنده با تلاش فراوان همه کتاب ها را به شکل « پی دی اف » در مابایل خویش جمع آوری نمودم .

بخش دوم: عدم موجودیت کتابها در کتابخانه ها که در آن به شکل مکمل در مورد قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – بحث صورت گرفته باشد.

بخش سوم: مشکلات شخصی و تراکم کار و فعالیت های اجتماعی محقق بوده است که بنده را از نوشتن به موقع بحث باز داشته است .

طرح تحقیق با خطه بحث قرار ذیل میباشد:

مقدمه

فصل اول

کلیات مفاهیم

مبحث اول: مفهوم قصه

مبحث دوم: اهمیت قصه

مبحث سوم: مفهوم درس و اندرز و اهمیت آن

فصل دوم

شخصیت و اسرائیلیات وارد شده به قصه سلیمان – علیه السلام – در قرآن کریم

مبحث اول: معرفی سلیمان – علیه السلام –

مبحث دوم: ملک و رسالت حضرت سلیمان – علیه السلام –

مبحث سوم: ویژه گی های حضرت سلیمان – علیه السلام –

مبحث چهارم: اسرائیلیات وارده در داستان حضرت سلیمان – علیه السلام –

فصل سوم

درس ها و اندرز های گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام -

مبحث اول: درس های تربیتی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام –

مبحث دوم: درس های اجتماعی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام -

مبحث سوم : درس ها سیاسی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام –

مبحث چهارم: درس های اقتصادی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه والسلام –

نتیجه گیری

پیشنهادهات

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست اعلام

فهرست منابع وماخذ

8

فصل اول

کلیات مفاهیم

مبحث اول: مفهوم قصه

مبحث دوم: اهمیت قصه

مبحث سوم: مفهوم درس و اندرز و اهمیت آن

فصل اول

کلیات و مفاهیم:

مبحث اول: مفهوم قصه :

قبل از دخول به بحث اصلی که همانا قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - درسها و اندرز های گرفته شده از آن میباشد و یکی از قصه های است که در قرآن تفصیلاً بیان شده است، لازم میدانم تا مفهوم و معنی لغوی و اصطلاحی و یک تعداد مطالب که مربوط به قصه و درس و اندرز است به معرفی بگیرم بعد قصه حضرت - سلیمان علیه السلام - را در روشنی آیات قرآن کریم به معرفی بگیرم. قصه در نفس خود معنی و مفهوم خاص دارد که علماء لغت در کتب خویش از آن به معنی های گوناگون و مختلف تعبیر نموده اند اینک در ذیل به چندی از این مفاهیم و معانی میپردازیم .

مطلب اول : مفهوم لغوی قصه :

صاحب قاموس "المحیط" گفته است قصه از ماده "ق ص ص" گرفته شده است که به معنای پیروی از آثار و نشانه های گذشته گان یعنی کسانی که قبلاً در این راستا وجود داشتند میباشد وی برای وضاحت بیشتر به این آیه استدلال میکند¹: ﴿ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ ۝ ۳ ﴾

1. فیروزآبادی، مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، ج 1، ص 627، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان، الطبعة: الثامنة، 1426 هـ.
2. سورة يوسف /3.

1. ترجمه: « ما بر تو نیکو ترین داستان را حکایت میکنیم ». امام راغب اصفهانی² در کتابش " المفردات فی غریب القرآن " گفته است که کلمه قصه یا قصص از ریشه «ق ص ص» مصدر ثلاثی قص ، یقص ، قصا ، و قصصا، گرفته شده است که در اصل معانی بریدن ، قطع کردن و هم چنان اتباع میباشد، و یا قصه را به معنی اثر و نشانه بیان داشته است که از تاریخ امم گذشته حکایت میکند.³ وی نیز به آیه (64) سوره مبارکه کهف اشاره میکند: ﴿فَارْتَدًّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ۖ﴾⁴ ترجمه: « پس جستجو کنان بر رد پای خود باز گشتند ».

صاحب اثر معروف " مباحث فی علوم القرآن شیخ مناع القطان⁵ لغتاً قصه را به معنای اثر، نشانه ، و حال گذشته گان گفته است .

مطلب دوم : مفهوم اصطلاحی قصه :

3. نام او ابوالقاسم حسین بن محمد بن المفضل معروف به راغب اصفهانی تاریخ تولد او و اینکه از چی کسی علم آموخته دقیقاً مشخص نیست در مورد مذهب اش نقل و اقوال مختلفی به چشم میخورد ، برخی او را از امامان اهل سنت دانسته . نقل عن: الأعلام للزركلي، ج2، ص255.

9

1. راغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج1، ص 671، الناشر: دار القلم . الدار الشامیة . دمشق بیروت. الطبعة: الأولى - 1412 .

2. سورة الكهف /64.

3. شیخ مناع خلیل القطان مدیر کانون تعلیماتی عالی قضایی در عربستان سعودی بود در سال 1345ه تولد گردیده کتابهای زیادی رادر موضوعات مختلف دارد که مصنفات مشهور او (مباحث فی علوم القرآن الکریم وتفسیر آیات الأحکام...) و غیره میباشد در بسیاری از کنفرانس های علمی در داخل و خارج کشور اشتراک کرد روز دوشنبه 6 ربیع اخر سال 1420ه وفات کرد. نقل عن : الموسوعة العالمية <http://www.mawsoah.net> العربیة

4. مناع، بن خلیل القطان، مباحث فی علوم القرآن، ج 1 ص 316، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الطبعة: الثالثة 1421هـ .

5. محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن معروف به ابن عثیمین در نزد عبدالرحمن بن ناصر السعدی تفسیر و اصول و فرائض را آموخت در سال 1370 در دانشگاه اسلامی در عنیزه شروع به تدریس کرد . <http://alhesonnat.com>

6. لعثیمین، محمد بن صالح ، أصول فی التفسیر، ج 1، ص 50 ، الناشر: المكتبة الإسلامية . الطبعة: 1. سنة النشر 1422هـ.

در معنی اصطلاحی قصه جامع ترین تعریف همان تعریفی است که شیخ مناع القطان در کتابش مباحث فی علوم القرآن نموده است و آن عبارت از: «قصه: إخبار عن الأحوال الامم الماضية، والنبوات السابقة، والحوادث الواقعة -»¹

قصه، احوال ملت ها و امت های پیشین، پیامبران گذشته و ماجرای پیش آمده را بیان میکند. یا تعریف محمد بن عثیمین² در کتابش "اصول تفسیر نموده است: قصص و قصه هر دو از یک کلمه و ریشه گرفته شده است و در اصطلاح به معنی بیان رویداد های گفته میشود که به دنبال یکدیگر می آیند.³

با توجه به تعریف لغوی و اصطلاحی که توسط تعدادی از علما در کتاب های مختلف در مورد معنی لغوی و اصطلاحی قصه صورت گرفت که در اینجا بیان گردید میتوان گفت که قصه اثری است و افعه های را بیان میکند که در زنده گی ملت ها و پیامبران در گذشته رخ داده است.

مبحث دوم: اهمیت قصه :

قصه های قرآنی یکی از مباحث علوم قرآن است قصه ها و داستان از دیر زمان در زنده گی انسانها نقش داشته است کتاب های آسمانی بخصوص قرآن کریم به قصه اهمیت زیادی میدهند خداوند -جل جلاله - از قصه ها برای رساندن پیام و گاهی اتمام حجت استفاده کرده، بیش تر مخاطبان پیامبر مردم معمولی بودند و بهترین روش برای رهنمای وقایع کردن آنها استفاده از قصه و حکایت بود.

مطلب اول: اهمیت قصه های قرآنی به شکل عام :

اهمیت قصه های قرآنی از توجه قرآن کریم به آن آشکار میگردد، به همین دلیل آیات زیادی از سوره ها قرآن کریم به هدف اهمیت دادن به قصه های قرآنی را در بر میگیرد. در قرآن کریم نام سوره های بنام پیامبران ذکر گردیده که قصه آن پیامبر در آن سوره ها ذکر گردیده مثلا، سوره یونس، هود، ابراهیم، محمد، نوح و همچنان در قرآن کریم بعضی از سوره ها بنام قصه قرآنی های نام گذاری شده است، مانند: سوره البقره، آل عمران، المائده، الکهف، مریم، لقمان، و غیره... الله تعالی این قصه ها را بدون درس و عبرت ذکر نکرده، قصه های

قرآنی اگر کم و بیش نشود از یک چهارم حصه کتاب خداوند- جل جلاله - کمتر نیست، قرآنکریم سی جز دارد، پس قصه های قرآنی نزدیک به هشت جزاین کتاب جاودان را در بر میگیرد و اگر مصحف که در اختیار دارید به هشت صد صفحه برسد قصه های قرآنی دوصد صفحه آن را در بر میگیرد.¹ هرکس که موضوع داستان نویسی و قصه ها را در قرآنکریم دنبال کند، اوصاف و ویژه گی هایی بلند که خداوند متعال به قصه هایی قرآنی اعطا کرده است، به اهمیت آن قصه ها پی می برد.

1-أَحْسَنَ الْقِصَصِ: ﴿ نَحْنُ نُقْصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقِصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ ۗ ﴾²: «ما از آنچه

در این قرآن برای شما نازل کرده ایم بهترین قصه ها را برای شما باز گو میکنیم». احسن قصه های قرآنی به بیان زیبایی هنری نمایان میشود ، این قصه ها در قرآن به شیوه شگفت انگیز و معجزه آسای و تاثیر گذار ارائه میشود، همانطوریکه اخبار یا اطلاعات مربوط به گذشته و رویداد های آن را برای ما ارائه میدهد. مفسران گفته اند : درسورها که قصه های پیامبران ذکر گردیده بدین سبب « أحسن القصص » :³

- 1- متضمن عبرت ها، موعظه ها، و حکمت هایی است که در غیرآن سوره ها وجود ندارد.
- 2- درآن سوره ها داستان حال پیامبران، صالحان، و فرشته گان، و نیزسیرت پادشاهان، و بردگان، تاجران، مردان و زنان نیرنگ ها و مکر شان آمده است .
- 3- هرپیامبر که قصه اش در قرآن کریم ذکر گردیده، سرانجام کارش نجات و سعادت بوده است.⁴

2- قصه های که در قرآن کریم ذکر گردیده همه قصه های واقعی هستند: ﴿ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۖ ﴾⁵ « هرآینه داستان حق و حقیقت همین است و معبودی جز خدا نیست و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است ». هرآنچه

1. عباس ، د. فضل حسن.القصص القرآنی ابحاوه ونفحاته، ج 1، ص 10، دالفرقان عمان، سال چاپ 1407 هـ 1987 م.

². سورة يوسف/3 .

³. سلوم همام حسن يوسف، سليمان -عليه السلام - في القرآن كريم، ج 1، ص 43 .

⁴. مخلص هروي ، عبدالرؤف ، تفسيرانوارالقرآن ج 2، ص250، تاريخ انتشار: 1437 هـ .

⁵. سورة آل عمران /62.

در قرآن کریم آمده است حق و درست است ، خواه از نظر لفظ باشد یا از لحاظ مفهوم یا از نظر محتوا .

3- الله متعال رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - را به قصه نمودن قصه های قرآنی به مردم امر نموده. الله متعال در قرآن کریم میفرماید: ﴿فَأَقْصِبِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾¹ « پس این داستان را برای آنها حکایت کن شاید آنان بیندیشند». برای دعوت کننده واجب است که از رسول الله تقلید کند و از قصه های قرآنی در دعوت مردم و جذب قلب ها ایشان به دین استفاده کند.

آنچه که برخی از علماء برجسته در مورد اهمیت تاریخ از جمله قصه های قرآنی میگویند از جمله:

امام ابن الجوزی² فرمود : " بدانید که ذکر شرح حال و تاریخ فایده های بسیاری دارد که مهم ترین آنها دو مورد است:

1- اگر زنده گی نامه افراد دور اندیش با عقل و با تدبیر را ذکر گردد و عواقب حالش و وضعیت آنها را شرح داده شود، از استفاده مدیریت صحیح و از قاطعیت آنها آگاه خواهید شد. اگر زنده گینامه افراد که بیش از حد در زنده گی کوتاهی کردند و فرصت ها را از دست داده اند ذکر گردد، و نتیجه حال آنها بیان گردد، با ذکر آن فرد که پند پذیر است نظم میابد.

2- با این کار در مورد شگفتی های امور، ناساز گاری های زمان و هزینه سرنوشت آنها آشنا میشوند و روح با شنیدن این قصه ها آرامش می یابد.³

¹- سورة الاعراف / 176.

1. جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد بن علي القرشي التيمي البكري الحنبلي، ابن الجوزي نسب او تاحضرت ابوبكر صديق ميرسد در بغداد در سال 508ه تولدگريد ، علم را از نزد بسياري از علما اموخت كتاب هاي بسيار زيادي را تصنيف نمود كه مشهور ترين آنها در تفسير (زاد المسير في علم التفسير) در حديث (العلل المتناهية في الأحاديث الواهية) در فقه تاريخ وموعظ وعلم

الرجال كتاب هارا تاليف وتدوين نموده در سال 597 در 12 رمضان در شب جمعه وفات نمود. نقلًا عن اعلام للزركلي، ج 8، ص 238.

2- ابن الجوزي، عبدالرحمن بن علي بن محمد، المنتظم في تاريخ الملوك والامم، ج 1، ص 117، الناشر: دارالكتب العلمية بيروت، الطبعة: الأولى، 1412ه - 1992م . عدد الأجزاء: 19. تحقيق محمدمصطفى عبدالقادر عطا .

با توجه به آیات قرآن کریم در مورد قصه های قرآنی و اقوال علماء بر جسته در مورد تاریخ میتوان گفت : که قصه های قرآنی از اهمیت زیادی برخوردار است ، قصه ها در ظاهر تاریخ گذشته را بیان میکند اما در باطن بررسی ، تحقیق ، و توضیح ، با اصول دقیق که هدف اصلی قصه است را بیان میکند پس لازم است که به آن علم حاصل شود.

مطلب دوم: اهمیت قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - :

یکی از أحسن القصص هایی که الله متعال در قرآن کریم با روش متین و مستحکم عناصر داستانی واقعه ها را بیان میکند، از جمله قصه هایی که در آیات شریفه به تصویر کشیده شده قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - است قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - هم به عنوان یکی از زیبا ترین قصه های قرآن است آنچه در مورد سلیمان - علیه السلام - در قرآن بیان شده مجموعه قصه های کوتا پیرامون مورچه ، اسبان، اطلاع رسانی دهد، ایمان آوردن ملکه سبا، میباشد. این قصه ها به دلیل حضور شخصیت های غیر بشری چون جن، هدهد، مورچه، باد، و نیز تسخیر آنها در خدمت پیامبر پادشاه همچنین دانستن زبان پرنده گان تفاوت بارزی با سایر قصه ها دارد. هر یک از این عناصر آنچنان که مستلزم شیوه قرآن کریم است، آشکار میشود علاوه بر اینکه مانند سایر قصه های قرآنی ارزشمند است از نقطه نظر تحلیل عنصر مکانی نیز از اهمیت و جایگاه شایسته برخوردار است به عبارت دیگر این داستان شامل ویژه گی منحصر به فرد است در این داستان عنصر مکان به رفتار شخصیت ها تاثیر گذاشته و از آنها تاثیر پذیرفته است و اعمال آنها را توجیه و باعث تعامل شخصیتی میان شخصیت های قصه ، با عنصر مکانی آن گردیده است.¹

1- لشکر حضرت سلیمان - علیه السلام - متشکل از انس ، جن، پرنده گان ، بود که همه در صف های منظم حرکت میکردند لشکر بسیار بزرگ که اول آن به آخر آن مربوط میشد آنها در نظم خاص قرار میگرفتند، تا متفرق نشوند و در آن بی نظمی به وجود نیاید صف های شان منظم و قدم های شان با نظم و تعادل برداشته میشد.²

1. صادقی سعید ، احسان ، الزمان والمكان والشخصیه فی ادب غادة السمان القصصي ، مترجم حسن سراج زاهدی، ص 3، اداره کل تحقیقات وازرت ارشاد اسلامی ، سال چاپ 1363.
2. قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج 7 ص 216، الناشر: دار الشروق - بیروت- القاهرة، الطبعة: السابعة عشر - 1412 هـ.

2- قصه حضرت سلیمان در سوره نمل به اساس مکان آن مورد بررسی قرار گرفته است.¹»

وَادِ النَّمْلِ»² مملکت مورچه مانند مملکت زنبور عسل دارای نظم دقیق میباشد. در آن وظایف

مختلف بشکل شگفت انگیزی اجرا میشود که بشر از نظمی آن عاجز است مورچه واقعا از روش عاقلانه والا و ادراك عالي برخوردارند. وقت که حضرت سلیمان – علیه السلام- بالشکر خود به وادی مورچه رسید مورچه ای که در مقابل مجمع مورچگان این سرزمین سرپرستی داشت به همان وسیله ای که امت مورچه گان با یکدیگر تفاهم برقرار می کنند و به زبان شناخته شده بین شان به مجمع مورچه گفت : به خانه های خود داخل شوید تا سلیمان و لشکریان او شما را پایمال نکند ، درحالی که ایشان وجود شما را احساس نمیکنند، سلیمان – علیه السلام- گفته های مورچه را فهمید خوشحال شد به اینکه این سخن را شنید و مفهوم اش را فهمید مشاهده این منظره اوراتکان داد، و قلب اش بسوی پروردگار متوجه گردید، خدایی که این نعمت خارق العاده به او بخشید و پرده از بین او و این جهان پوشیده بر داشته بود.³

سلیمان – علیه السلام – خطاب به پروردگار گفت: ﴿ وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

۱۶ ﴿⁴» وگفت پروردگار! به من الهام کن که چگونه نعمت تو را که بر من انعام دادی ادا

کنم نعمتی که به اساس آن زبان پرنده گان رامی فهمم و نعمتی که به من و پدرم با اسلام و ایمان ارزانی داشتی، به من توفیق دهی که کارشایسته ای کنم که تو از آن خشنود شوی، و مرا در خدمت خویش در زمره ی بنده گان صالحت وارد کن»

¹. صادقی ، میر ، عناصر داستان ، ص 447، نشر: آستان قدس رضوی ، مشهد. ، بنیاد تحقیقات اسلامی ، سال چاپ، 1371.

². سوره نمل / 18.

³. قطب ، سید ، همان مرجع ، ص 217.

1. سورة النمل / 19.

2. ستاری، جلال، تحقیق در قصه سلیمان و بلقیس، ص 137، نشر: مرکز تهران ، سال چاپ : 1381.

3. سورة النمل / 44

4. سورة النمل / 42

5. طالب ، احمد ، السرد القصصی و جمالیات المكان ، مجله الموقف ، ص 13 ، الناشر: اتحاد الكتاب العرب ، دمشق . الطبعة الثاني : 2004، اعداد: 403.

3- انتقال تخت ملکه سبا در مدت زمان بسیار کوتاه، و ورود آن به کاخ بلورین باعث حیرت

ملکه و موجب ایمان آوردن اش میشود تعبیر قرآن کریم از باز تاب این محیط اینگونه است¹

﴿قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤﴾² «گفت پروردگارا!

من به خود ستم کردم و همراه سلیمان برای پروردگار عالمیان منقاد گردیدم». تاثیر ملکه از این صحنه دو مرحله را طی کرده 1- حیرت ملکه از دیدن تختش در پیش حضرت سلیمان- علیه

السلام- ﴿قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ٤٢﴾³ هنگامی که ملکه سبا آمد به او گفته شد: «آیا

تخت سلطنت تو اینگونه است؟ گفت: گویا که خودش است». بنابراین انتقال از یک مکان به

مکان دیگر و منزلی بامنزل دیگر، باعث تحول در روحیه و شخصیت ملکه سبا گردید،⁴ نتیجه

ملاحظه تجدد مکان منظره ای است که شخص در سفر خود با آن رو برو میشود الله متعال در قرآن کریم انسانها را به سفر و گشت گذار در سرزمین های دیگر دعوت میکند. الله متعال

میفرماید: ﴿سِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾⁵ «در روی زمین سفر کنید» از این رو ملکه سبا نیز به

سر زمین دیگر سفر نموده و باعث ایمان آوردن اش شد.

2- ایمان آوردن او به مقام پروردگار ﴿وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤﴾⁶ و همراه

همراه سلیمان برای پروردگار عالمیان منقاد گردیدم». به این ترتیب از شرک و عبادت غیر الله دست کشید.

4- با وجود که خداوند متعال برای حضرت سلیمان - علیه السلام- نعمت های فراوان

نصیب کرده بود، مانند نبوت، پادشاهی که انس، جن، پرنده گان، همه از او اطاعت میکردند و باد را برایش مسخر کرده بود، و منطق پرنده گان را میدانست هیچ وقت مغرور نشد بلکه

همیشه شکر نعمت های خداوند متعال را اداء میکرد و میگفت ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي ۚ﴾¹»

این از فضل پرورد گارم است.»

باتوجه به آیات قرآن کریم میتوان گفت که قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - از نقطه نظر تحلیل عنصر مکانی نیز از اهمیت و جایگاه شایسته برخوردار است چون که مسولیت یک رهبر درمقابل رعیتش و آگاهی از احوال رعیت برای ما واضح میسازد ، حضرت سلیمان - علیه السلام - در برابر نعمت های که خداوند متعال برایش نصیب کرده بود هیچ وقت مغرور نشد.

مبحث سوم: مفهوم درس و اندرز و اهمیت آن :

درس و اندرز دارای معنی و مفهوم خاص میباشد و اهمیت زیادی در جامعه انسانی دارد، آنچه که در مورد درس میتوان گفت : درس شامل يك دوره زمانی منظم میباشد، و اندرز معمولاً شامل دستور العمل ها یا قوانینی است که در مورد دین باشد.

مطلب اول : مفهوم درس و اندرز:

مفهوم درس: پیوسته خواندن .طبرسی² در ذیل آیه 105 انعام فرموده : درس به معنی استمرار تلاوت است . به کهنه شدن اثر « درس الاثر » گویند زیرا که با گذشت زمان کهنه شده است. پس یک بار خواندن درس نیست .³ ﴿وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾⁴ « اینگونه آیات خود را در قالب های مختلف بیان میکنیم برای اغراض اغراض بخصوصی و تا بگویند: آنرا درس خوانده و آموخته ای تا آن را برای اهل دانش

¹.سورة النمل /41.

1.ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی درسال 468 ه در مشهد متولد گردید و در سال 548ه ق در حدود 90 سالگی وفات کرد ادیب جامع مفسر فقیه بود که در محضر بزرگترین علما زمان از جمله شیخ ابوعلی، سید ابو طالب جرجانی و دیگران تربیت یافت.

طبرسی، فضل بن حسن،نقلا عن اعلام للزرکلی، ج 5،ص148.

³.قریشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن ، ج 1،ص ، ناشر: دارالکتب الاسلامیه،تهران . 1352ه .تعداداجزاء 3.

3.سورة الانعام /105.

بیان کنیم «صاحب اثر معروف " المفردات فی غریب القرآن راغب اصفهانی در مورد معنی درس بیان میکند:

درس الدار: آثار خانه باقی مانده است « خانه کهنه شده و تنها چیزی که از آن باقی مانده است آثار آن است » و چون باقی ماندن اثر یک چیزی مقتضی اصل آن چیز است از این رو کلمه « الدُّرُوس » به معنای پاک شدن ، تفسیر شده است . از این رو چون باقی ماندن اثر چیزی در ذهن مقتضی خواندن مداوم آن است از این رو خواندن مداوم را « الدرس » تعبیر کرده اند ¹ ﴿ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ﴾ ² « و خواندن اند آنچه را که در تورات است » گفته شده که این آیه یعنی : عمل به دستورات موجود در تورات را رها کردند.

معنی ومفهوم اندرز :

اندرز دادن . عظة و موعظة اسم از آن است ³ ﴿ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ﴾ ⁴ « آنگاه که لقمان بوقت پند به پسرش گفت : پسر مهربانم بخدا همتا و شریک قرار نده » ﴿ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴾ ⁵ « این تبلیغ و هدایتی است برای مردم و پندی است برای متقین » . موعظة اسم است از « الواعظ » عبارت از پند و اندرز که واعظ گوید . الواعظة: عبارت از بازداشتن و منع کردن مقرون به ترساندن، خلیل ابن احمد ⁶ میگوید:

4. راغب اصفهانی ، أبو القاسم الحسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج 1 ص 311 ،
5.سورة الاعراف / 169.

1. قریشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن ، ج 1، ص ،

2. سورة القمان / 13.

3. سورة آل عمران / 138

4. خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم فراهیدی آزدی در سال 100 ه تولد گردیده از جمله برجسته ترین پژوهشگران فقه اللغه عربی (زبان شناسی عربی) است که به پژوهش های در زمینه تصحیح نظام نوشتاری عربی فرهنگ نویسی و عروض (وزن شعر)

« وعظ » عبارت از تذکر دادن به خیر با سخن و کلامی که دل به آن نرم شود. کلمات العظة و موعظة « اندرز، پند اسم هستند: ¹ ﴿يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۹۰﴾ ² به شما پند داده میشود تا باشد که پندگیرید ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۵۷﴾ ³ « به یقین که از جانب پروردگار تان اندرزی آمده است. » ﴿فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ ۶۳﴾ ⁴ « پس از آنان اعراض کن و پند شان ده ».

با توجه به تعریفات که در مورد درس و اندرز بیان صورت گرفته میتوان گفت که باقی ماندن اثر یک چیز که به طور مداوم خوانده شود درس است، در مورد اندرز میتوان گفت پند دادن و نصیحت کردن است شامل دستور العمل که در مورد دین است که توسط پیامبر، فقها، و عالم ایراد میشود.

مطلب دوم: اهمیت درس و اندرز:

در دین مقدس اسلام درس از اهمیت زیادی برخوردار است، شریعت اسلام به درس ارزش زیادی میدهد اهمیت درس از نزول اولین آیاتی از قرآن کریم که به رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - آشکار میگردد خداوند متعال میفرماید: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۱﴾ ⁵ « بخوان بنام پروردگارت یعنی بخوان در حالی که به نام پروردگار آغاز میکنی، یا معنی به این است: بخوان در حالی که از نام پروردگارت یاری میجویی ». خداوند تعالی همچنان فرمان خواندن و نوشتن را صادر نموده؛ چون این دو کار وسیله شناخت علم دین و وحی و اثبات علوم سمعی و نقل آن در بین مردم است چنانچه این دو اساس پیشرفت علوم، معارف، آداب، فرهنگها و نموی تمدن و مدنیت است. از جمله کرم و فضل الهی هم یکی این

پرداخته است اثر معروف وی لغت نامه العین است که در این کتاب واژگان عربی را براساس «مخارج حروف» (نه به اساس حروف الفبا) مرتب کرده. نقلا عن اعلام للزرکی، ج 2، ص 314.

¹ . راغب أصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد، همان مرجع، ج 1، ص 610،

² . سوره نحل / 90.

³ . سوره یونس / 57.

⁴ . سوره نساء / 63.

است به انسان آنچه را که نمیدانست آموخت تا به وسیله خواندن انسان را از تاریکی جهل و نادانی به سوی نور علم برساند. خداوند - جل جلاله - با همین علم انسان را بر فرشتگان امتیاز داد،¹ این آیه قرآن کریم ارزش و اهمیت درس خواندن در شریعت اسلام را نشان میدهد، درس خواندن و کسب علم دانش، شناخت انسان را نسبت به خود و اطرافش رشد میدهد. موجب نزدیک شدن به الله متعال و پیامبران میشود. در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به این نکته اشاره دارند که مقام صاحبان علم و دانش با کسانی که از آن بی بهره اند با هم مساوی نیست الله متعال در آیه دیگر از قرآن کریم می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ

يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝۱۰﴾² « بگو: آیا کسانی که

میدانند برابر اند با کسانی که نمیدانند؟ تنها خردمندان پند میگیرند. » این دو گروه برابر نیستند؛ زیرا دانشمند که حقیقت را در میابد و روش پایه داری را می داند، و به پی آن میرود و بدان عمل میکند؛ هرگز با نابخردی که کور کورانه می رود و منحرف حرکت میکند، یکسان نیست.³

با توجه به آیات قرآن کریم و آنچه بیان صورت گرفت میتوان گفت: که درس در شریعت اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است اولین آیه از قرآن کریم که به رسول گرامی حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - نازل شده نشان دهنده اهمیت و ارزش درس خواندن در دین مبین اسلام میباشد.

اهمیت اندرز:

انسان از نظر ذات اجتماعی است، با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار میکند و ممکن است که تحت تاثیر منفی یا مثبتی محیط قرار گیرد، اندرز یا پند یک عامل خارجی است که دست فرد را برای کمک به او در غلبه بر وسوسه دنیا و شباهت های آن میگیرد. الله متعال نبی اکرم صلی الله علیه و سلم را به دادن پند و اندرز امر نموده و میفرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ

2. القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر، تفسير قرطبي، ج 12، ص 20، ص، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384 هـ - 1964 م. تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش.

3-سورة الزمر / 10

4. د. الزحيلي، وهبة بن مصطفى، تفسير المنير، ج 24، ص 260. الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة: الثانية، 1418 هـ.

عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١﴾ « به سوی راه پروردگار خویش به حکمت (به بیان محکم و استوار و اندرز نیکو) به آنان به شیوه که نیکوتر است مجادله کن در حقیقت پروردگارت از هرکسی بهتر میداند که چی کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به راه یافته گان دانا تراست » بنابر این خداوند - جل جلاله - با بیان این آیه قرآن کریم پیامبرش را امر می نماید مردم را با حکمت و موعظه به سوی دین خداوند - جل جلاله - فراخواند، یعنی ای پیامبر مردم را به سوی شریعت پروردگارت که اسلام است با سخن مستدل و موعظه ی پسندیده فراخوان؛ یعنی با موعظه و اندرزهایی که در دلشان موثر گردد. ایشان را پند بده تا از عذاب خداوند بر حذر باشند.² ما باید آنرا به عنوان یکی از روش های دعوت به سوی دین حق که اسلام است تمرین کنیم، زیرا دروازه های هدایت را برای مومنان میگشاید خداوند متعال در قرآن کریم فرموده: ﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءً لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ٥٧﴾³ « ای مردم! از جانب پروردگارتان برای شما اندرزی آمده، شفای آنچه که در سینه ها است و هدایتی و رحمتی است برای مومنان » موعظه پند و اندرزی است که انسان را به اجتناب از مضرات و پاکسازی ظاهر و امیدارد برای شما کتاب آمده است که مشتمل پند و اندرز به شیوه بیم و امید دهی است و این یکی از ویژه گی های قرآن است که همه معانی را به شیوه وعظ و اندرز مطرح میکند⁴ و اندرز یا پند تاثیر خود را بالای مومنان میگذارد، ممکن است که هوی و هوس افراد را به سمت اشتباه سوق کند، اما بوسیله پند و اندرز میتوان آنها را به راه درست هدایت کرد قسم که الله متعال در آیه دیگر از قرآن کریم می فرماید: ﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ٥٥﴾⁵ « و پند ده که مومنان را پند که سود می بخشد».

به وسیله قرآن مومنان را پند و اندرز بده پند و اندرز به آنانی که در علم ازلی الهی ایمان را قبول کرده اند نفع بخشیده و به بصیرت شان می افزاید.⁶ شاید به وسیله اندرز نسلی را نجات

¹. سورة النحل / 125.

². د. الزحیلی، وهبة مصطفى، تفسیر المنیر، ج 14، ص 654.

³. سورة یونس / 57.

1. بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج 4، ص 397. محل چاپ: مکتبه الاسلامیه، لاهور، تاریخ چاپ: 1435 ه ق - 1394 شمسی.

⁵. سورة الذریات / 55.

⁶. د. الزحیلی، وهبة مصطفى، تفسیر المنیر، ج 27، ص 50.

داد یا بدعت را باطل کرد و شاید اندرز ای اثری ساده از خود بگذارد و با روش دیگر تاثیر بگذارد و تغیر مورد نظر را ایجاد کند.

الله متعال در قرآن کریم نتیجه حال کسانیکه برای شان از طرف پیغمبر اندرز داده میشد اما به آن گوش نمیدادند را ذکر میکند و می فرماید: ﴿ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴾¹ « و گویند اگر شنیده بودیم یا تعقل کرده بودیم از زمره دوزخیان نبودیم. «زمانیکه کافران به تکذیب رسولان اعتراف نمودند به جهل و نادانی خویش نیز اقرار میکند و در حالی که در آتش اند می گویند: اگر ما به سخنان انبیاء گوش میدادیم و اندرز شان را جدی میگیرفتیم در مورد آن تدبیر و تعقل میکردیم هیچ گاه به عذاب درد ناک دوزخ گرفتار نمی شدیم.»²

با توجه به ترجمه و تفسیر آیات قرآن کریم که بیان صورت گرفت میتوان گفت اندرز در شریعت اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است، و اندرز دادن باعث به وجود آمدن تغییرات مثبت در وجود افراد جامعه میشود اگر افراد به اندرز های که برایش داده میشود گوش دهند و به اساس آن عمل نمایند باعث کامیابی شان در هردو دنیا میگردد ، اندرز دادن باعث اصلاح جامعه و افراد جامعه را به راه راست هدایت میکند.

فصل دوم

شخصیت و اوصاف سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم

این فصل شامل چهارمبحث میباشد:

مبحث اول - معرفی سلیمان - علیه السلام -

مبحث دوم - ملک و رسالت سلیمان - علیه السلام -

مبحث سوم - ویژه گی های حضرت سلیمان - علیه السلام -

مبحث چهارم - اسرائیلیات وارده در داستان حضرت سلیمان - علیه السلام -

¹. سوره الملک / 10.

². د. الزحلی . و هبه مصطفی ، تفسیر المنیر، ج 29 ، ص 17.

فصل دوم

شخصیت و اوصاف حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن کریم

مبحث اول: معرفی حضرت سلیمان علیه السلام:

حضرت سلیمان – علیه السلام – در قرآن کریم هفده مرتبه ، در هفت سوره ، در شانزه آیت از آیات قرآن کریم آمده است .

1- دو بار در سوره (البقره) .

2- یک بار در سوره (النساء) .

3-یک مرتبه در سوره (الانعام) .

4-سه مرتبه در سوره (الانبیاء) .

5-هفت مرتبه در سوره (النمل) .

6-یک مرتبه در سوره (سبأ) .

7-و دو مرتبه در سوره (ص)¹.

مطلب اول : شخصیت حضرت سلیمان - علیه السلام - :

در اسلام سلیمان- علیه السلام - یکی از پیامبران بسیار مهم میباشد، اسلام سلیمان- علیه السلام- را پسر داوود- علیه السلام - میدانند که خداوند متعال حکمت بسیار زیادی به او ارزانی کرده بود، حضرت سلیمان - علیه السلام - به اذن خداوند متعال بر تمام موجودات زنده مسلط بود، سلیمان در قرآن به کمک خداوند متعال بر جنات، ابرها، باد، حاکم میشود یکی از پیامبران بزرگی که هم دارای مقام نبوت بود و هم دارای حکومت بی نظیر و بسیار وسیع بود.

نام مبارکش هفده بار در قرآن کریم آمده است او با یازده واسطه به حضرت یعقوب - علیه السلام - می رسد و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل میباشد حضرت سلیمان - علیه السلام - حکومت بزرگ بدست آورد که در آن جن، انس، پرنده گان، باد، همه تحت فرمان او بودند و به سراسر زمین فرمانروایی مینمود خداوند متعال در توصیف حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم میفرماید: ﴿ وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۳۰ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ

بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ۳۱ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

۳۲ ﴿ 2 «وسلیمان را برای داوود بخشیدیم نیکو بنده بود برآستی او او اب بود، بیاد آور

زمانی را که به وقت عصر اسپان تیز رفتار برایش عرضه شد، پس گفت: من این اسپان را

¹. سالم، محمد وهبی، معجم کلمات القرآن العظيم، ص 597-598، الناشر: دار الفكر المعاصر، بیروت. طبعه 1418: 1-1997م.

بخاطر ذکر پرورد گار ام که جهاد است دوست میدارم (و به سوی آنها مینگریست) تا آنگاه که از انظارش در گرد و غبار پنهان شدند .»

حق تعالی حضرت سلیمان - علیه السلام - را ستوده و میفرماید : سلیمان بنده نیکو بود به راستی او او اب بود ، او اب : تواب است یعنی بسیار رجوع کننده بود به سوی خداوند متعال با کثرت طاعت ، عبادت ، و انابت ، سپس خداوند - جل جلاله - دونه های او ابیت و انابت سلیمان - علیه السلام - را بیان کرده و میفرماید¹ :

حالت اول - حسن عقیده: ﴿ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴾² « چرا که او بسیار توبه گار بود ،» در جمیع احوالش به الله رجوع میکرد ، رجوع به عبادت ، رجوع به انابت ، به محبت ، به ذکر ، به دعا ، و تضرع ، و به سائر وسائل موجب رضای الله تعالی .

حالت دوم - حسن عمل : ﴿ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴾³ « بیاد آور زمانی را که به وقت عصر اسپان تیز رفتار به حضورش عرضه شد ، به صورت رسمی گذشت اسپان از پیش رویش گذشتند . «الصَّافِنَاتُ» جمع « صافن » ، اسپانی که بر روی دو پاه و یک دست ایستاده و یک دست خود را اندک بلند نگه داشته و تنها نوک سم آن را به زمین میگذارند « الْجِيَادُ » جمع « جواد » ، اسپهای تیز رو در این هنگام سلیمان - علیه السلام - علاقه شدیدش به اسپان را ابراز داشت پس گفت من این اسپها را بخاطر ذکر پرورد گار خود که جهاد است دوست میدارم ، نه بخاطر علاقه به دنیا یا علاقه محض⁴ .

باتوجه به آیات قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام - هم زمان هم پادشاهی و هم نبوت برایش داده شده باوجود که نعمت های فراوانی برایش از طرف الله متعال داده شد اما هیچ گاه مغرور نشد بلکه او یک بنده او اب بود و در جمیع احوال به درگاه الله متعال رجوع کننده بود .

مطلب دوم : نسب حضرت سلیمان - علیه السلام - :

¹ .مخلص هروی ، عبدالرووف ، تفسیر انوار القرآن ، ج 3 ، ص 335 .

² .سوره ص / 30 .

³ .سوره ص / 32 .

در کتاب های اهل کتاب نسب حضرت سلیمان - علیه السلام - را به تفصیل ذکر کرده¹ که تا حضرت ابراهیم - علیه السلام - میرساند، از منابع اهل کتاب مورخان مسلمان نقل کرده اند،² اگر چه در منابع تاریخی ما تفاوت در برخی نام ها وجود دارد ، دلیل این اختلاف در ترجمه و زبان است.

سلیمان : اسم عبری است به معنی - پراز سلامتی - که حضرت سلیمان - علیه السلام - پسر حضرت داوود - علیه السلام - خلیفه و حاکم بنی اسرائیل بود ،³ و بعد از حضرت داوود - علیه السلام - جانشین او در تخت بنی اسرائیل شد. در منابع معتبر ما مسلمانان هیچ جزئیاتی به صورت تفصیلی در مورد نسب این پیامبر و سایر پیامبران وجود ندارد ، در قرآن کریم در مورد این مسأله توجه زیادی نکرده است ، در این مورد اعتراض هم نکرده ، بیشترین تمرکز قرآن کریم بر برجسته کردن موقعیت هایی بود که با خود درس عبرت و فوائد به همراه دارد ، و از صحبت کردن بسیاری از موارد که در بیرون کردن درس و فکر مفید نیست ، جلوگیری میکنند.

در مورد نسب حضرت سلیمان - علیه السلام - از قرآن کریم خلاصه میکنم این است:

1- حضرت سلیمان از نسل نوح است یا از نسل ابراهیم - علیهما الصلاة والسلام -:

علماء و مفسران اختلاف نظر داشتند که اختلاف ایشان در فهم و تفسیر بعض آیات سوره انعام ، که در مورد حضرت ابراهیم - علیه السلام - صحبت میکند است. الله متعال فرمود:

﴿ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٨٤ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ ٨٥ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ٨٦ ﴾⁴

« به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم ، هر یک از آنان را هدایت کردیم و نوح را که پیش از این

این

¹.الکتاب المقدس. سفر الاخبار الايام الاصحاح الثاني. جمعيات كتاب المقدس المتحدة 1966م.

².الطبری ، محمد بن جریر ابوجعفر ، تاریخ الامم والملوک ، ج 1 ، ص 281 ، الناشر : دارالکتب العلمیه ، بیروت . طبعه 1:1407ه و ابن الاثیر ، الکامل فی التاریخ ، ج 1 ، ص 251 ، و ابن منظور ، محمد بن مکرم ، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر ، ج 10 ، ص 117 ، الناشر : دارالفکر بیروت . طبعه 1: 1405ه - 1985م .
³.مجمع کتائنس ، قاموس الکتاب المقدس ، ص 481 ، طبعه 2: تحریر . د. بطرس عبدالملک . جون الکساندر طمسن ، ابراهیم مطر .

هدایت کردیم و از نسل او داوود و سلیمان را ایوب و یوسف را موسی و هارون را هدایت کردیم و اینگونه نیکو کاران را پاداش میدهیم، زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه گی از صالحان بودند ، هدایت کردیم و اسماعیل و یسع را هدایت کردیم و یونس و لوط هر یک را برعالمیان برتری دادیم «. منشاء اختلافشان در راجع بودن ضمیر در کلمه " ذُرِّيَّتِهِ " است، آیا ضمیر که راجع است: مربوط به نوح است - که آن نزدیکترین فرد به این افراد است - یا این مربوط به ابراهیم است که آیات سابق بخاطر آن ذکر است؟

زجاج¹ اختیار کرده راجع بودن ضمیر را به ابراهیم² و این چیزی است که علامه حنفی ابوالسعوده-در تفسیر خود ترجیح داده است.

ضمیر راجع است به ابراهیم بخاطر اینکه نظم قرآن سوق داده شده برای بیان کردن کار های بزرگ از جمله ارائه دلیل و حجت از جانب الله - جل جلاله - و بلند بردن درجات و اولاد ابراهیم - علیه السلام - به پیامبر بودن و باقی بودن همین کرامت یعنی نبوت در نسلش تا به روز قیامت³.

فراء⁴ ضمیر را به نوح⁵ اختیار کرد این دید گاه مورد پسند امام طبری، و قاضی ابن عطیه قرار گرفت.⁶

اختیار باز گشت ضمیر به نوح : بخاطر اینکه نزدیکتر است ، به دلیل اینکه در جمله لوط ذکر است و لوط از اولاد ابراهیم نیست بلکه برادر زاده اش است و همین قسم یونس ، از نسل اش نمیشود.⁷

2. ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن السری نحوی و شاعر عربی بود آثار او اعراب القرآن و معانیه در بغداد در سال 857 ق تولد کرد و در سال 923 ق در بغداد درگذشت. فروخ، عمر تاریخ الادب العربی، ص 319. فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، ص 391.
3. نگاه شود: الزجاج، ابو اسحق ابراهیم بن السری، معانی القرآن و اعرابه، ج 2، ص 269، الناشر « دار الحدیث. القاهره. طبعه 1: 1414. 1994
4. ابو السعود، محمد محمدالعمادی، ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم، ج 3، ص 157، الناشر: دار احیا التراث العربی، بیروت.

1. یحیی بن زیاد الکوفی نحوی معروف به به فراء امام کوفیان کتاب های او ، المقصود و الممدود، و معانی قرآن ، و در سال 207 ه وفات نموده . نقلاً عن اعلام للزرکلی . ج 8، ص 145.
2. نگاه شود: القرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، الجامع لاحكام القرآن، ج 2، ص 22، الناشر : دار عالم الكتب، الرياض، الطبعة : 1423 هـ / 2003 م.
3. نگاه شود: الطبری، محمد بن جریر ابو جعفر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، ج 7، ص 260، الناشر: دار الفكر بیروت 1405. 6
4. نگاه شود: ابن عطیه، محمد عبدالحق ابن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، ج 2، ص 316، الناشر: دارالکتب العلمیه. بیروت. طبعه 1: 1413-1393 م، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد.

و جواب داده میشود به مسأله لوط اینکه لوط برادرزاده ابراهیم است ، و عربها کاکا را مانند پدر میدانند.¹ همین مسأله در یونس نیز صدق میکند: بسیار از علماء استدلال کرده اند که یونس از اولاد های ابراهیم است، چنانچه در رسم شجرة انبیاء نشان دادند ، میگویم که این یک اختلاف است کدام کاری به آن بناء نشده است، معلوم دار است که انبیاء ابتدا از حضرت آدم -علیه السلام - است پدر اول نسل بشریت پس از آن از حضرت نوح - علیه السلام - پدر دوم نسل بشریت، پس از آن از حضرت ابراهیم -علیه السلام - پرا گنده شدند. بعد از ذکر گروهی از پیامبران در سوره مریم الله متعال فرمود: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ۗ﴾² «آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند برای ایشان انعام کرد از فرزندان آدم و از کسانی که برکشتی سوار کردیم ، و از فرزندان ابراهیم و از فرزندان اسرائیل و از کسانی که ایشان را هدایت نمودیم .» گفتن اینکه ضمیر برمیگردد به حضرت ابراهیم -علیه السلام - در واقع اشاره به حضرت نوح -علیه السلام - است:

2 - حضرت سلیمان و حضرت داود - علیهما السلام - هم عصر بودند ، در یک مکان زنده گی میکردند ، و داود پیش از سلیمان - علیهما السلام - زنده گی کرده بود:

قرآن کریم غالباً در مورد سلیمان و داود -علیهما السلام - با هم صحبت میکند، و گفتگو در مورد سلیمان -علیه السلام - پس از صحبت در مورد داود -علیهما السلام - در سوره انبیاء : ﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ﴾³ « داود و سلیمان را به یاد آورد زمانی که در مورد کشتزاری داوری میکردند.» قبل از اینکه آیات در مورد سلیمان -علیه السلام - و معجزات اش صحبت کند ، در مورد داستان داود -علیه السلام - ذکر کرده .

¹ السمين الحلبي ، شهاب الدين ابو السعود بن يوسف بن محمد بن ابراهيم ، الدر المصون في علوم الكتاب المكنون ، ج 3 ، ص 115 ، الناشر: دارالكتاب العلميه بيروت . طبعه 1: 1414 هـ - 1994 م . تحقيق وتعليق: الشيخ علي محمد معوض ، الشيخ عادل احمد عبدالموجود ، جاده مخلوف جاده .
² سورة مریم / 58 .

درسوره سبأ پیش از اینکه در مورد حضرت سلیمان -علیه السلام - و معجزاتش صحبت کند ، در آنجا از حضرت داود -علیه السلام - و معجزات صحبت کرده ﴿ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَاللَّنَّا لَهُ الْحَدِيدَ ۚ ۱۰ أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۙ ۱۱ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ ... ۱۲ ﴾¹ « به راستی داود را از جانب خود فضلی دادیم ، ای کوها ! همراه او تسبیح میگویید . فرمودیم که زره های بلند و رسا بساز و در حلقه اندازه را نگه دار ، و کار شایسته ای کنی در حقیقت من به آنچه میکنید بینایم و برای سلیمان باد را رام گردانیدیم.....»

درسوره (ص) پیش از صحبت در مورد حضرت سلیمان -علیه السلام - و قصه او ، صحبت در مورد حضرت داود -علیه السلام - و معجزاتش و قصه اش با دشمن که محراب را محاصره کردند ، همچنان در بقیه آیات حضرت داود - علیه السلام - بیشتر اوقات قبل از حضرت سلیمان - علیه السلام - ذکر گردیده ، ﴿ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا ﴾² « به راستی به داود و سلیمان دانشی دادیم. »

﴿ وَ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ ﴾³ « داوود و سلیمان را یاد آور زمانی که در مورد کشتزار داوری میکردند.»

﴿ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ ۙ ۴۸ ﴾ « و از نسل او داود و سلیمان »

این واضحاً دلالت میکند به ارتباط قوی بین ایشان و رابطه ایشان را پیوند میدهد:

1- در یک قسمت زمین حضرت داود -علیه السلام - و حضرت سلیمان - علیه السلام - زنده گی میکردند.

2- در یک عصر و زمان زنده گی میکردند.

2. نگاه شود: سورة سبأ / 9-12 .

2. سورة نمل / 15.

3. سورة انبیا / 78.

4. سورة انعام / 84.

3- پس حضرت داوود - علیه السلام - پیش از حضرت سلیمان بود ، به اساس این دلیل میتوان گفت: حضرت داود - علیه السلام - از لحاظ سن بزرگتر از حضرت سلیمان - علیه السلام - بود.

3- او پسر حضرت داود - علیه السلام - بود، این موضوع که علاوه بر اهل کتاب ، مورد ادعای همه مورخان و مفسران قرار گرفته است ، گرچه ما شواهد واضح در این باره نداریم از قرآن کریم اما ما میوانیم از آنچه که در قرآن کریم آمده است استنباط کنیم که سلیمان پسر داوود است - مانند این چند منبع:

1- خداوند متعال فرمود: ﴿ وَوَهَبْنَا لِداوودَ سُلَيْمَانَ ۝۳۰ ﴾¹ « به داود سلیمان را عطا کردیم » ، این آیت از جمله محکم ترین نشانه هاست که حضرت سلیمان - علیه السلام - پسر حضرت داود - علیه السلام - است.

الهبة در لغت : به معنای بخشیدن یا دادن چیزی به کسی بدون مقصد است² هدیه در پول ، فرزند، یا موارد دیگر اما بیشترین کار برد قرآن ، در فعل (وهب) و مشتقاتش آن را در عطا کردن اولاد یا فرزند است .

حق تعالی در مورد حضرت ابراهیم - علیه السلام- فرمود: ﴿ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلاًّ هَدَيْنَا ۝۸ ﴾³ « و بخشیدیم به او اسحاق را و هریک را هدایت دادیم . »

﴿ فَلَمَّا عَتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ۝۴۹ ﴾⁴ « هنگامی که از آنان و از چیزهایی که بجز خدا می پرستیدن کناره گیری کرد(و از میان شان هجرت نمود) ما به او اسحاق و(از اسحاق) یعقوب بخشیدیم و هریک از آنان را پیغمبر بزرگی کردیم.»

¹.سوره ص /30.

².د. انیس ، ابراهیم ، د.منتصر ، عبدالحلیم ، المعجم الوسیط ، ج 2 ، ص 1102.

³.سورة الانعام /84.

⁴.سورة مريم /49.

﴿ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ۷۲ ﴾^۱ « و به او اسحاق را بخشیدیم و یعقوب را نافلة : یعنی به عنوان نعمتی افزون بر آنچه که ابراهیم در خواست کرده بود ، به او بخشیدیم و هر یک را از صالحان قرار دادیم . » ﴿ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ ۲۷ ﴾^۲ « اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و در ذریه اش نبوت و کتاب قرار دادیم . »

به پروردگار دعا کرد و گفت: ﴿ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۱۰۰ ﴾^۳ « پروردگارا ! به من از شایستگان عطا کن ، » الله متعال به او پاسخ داد و گفت: ﴿ فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ۱۰۱ ﴾^۴ « پس او را به پسری برد بار مژده دادیم . » و شکر خداوند متعال را گفت: ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ۳۶ ﴾^۵ « سپاس خداوند را که با وجود سالخورده گی اسماعیل و اسحاق را به من بخشید به راستی پروردگار ، شنوا دعاء است . »

پروردگار متعال به زبان جبرئیل بر مریم – علیهاالسلام - گفت: ﴿ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۱۹ ﴾^۶ « گفت جز این نیست که من فرستاده پروردگارتو ام برای اینکه برای تو پسری پاکیزه ببخشیم . »

ذکریا پروردگار را صدا کرد و گفت : ﴿ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ۳۸ ﴾^۷ « پروردگارا! برای من از نزد خود فرزند پاک و پسندیده عطا کن ، که توشنوی دعایی «خداوند متعال به او پاسخ داد و گفت: ﴿ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ ۹۰ ﴾^۸ «^۸ « پس دعای او را اجابت کردیم و یحیی را برای او بخشیدیم . »

1. سورة الانبياء / 72.
2. سورة العنكبوت / 27.
3. سورة الصافات / 100.
4. سورة الصافات / 101.
5. سورة ابراهيم / 39.
6. سورة مریم / 19 .

1. سورة آل عمران / 38.
8. سورة الانبياء / 90.

2- قول تعالی: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۱۳﴾¹ «ای خاندان داود شکر گذار باشید.»

در این آیت قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام - مخاطب قرار گرفته به تعقیب آن از نعمت های که الله متعال برای حضرت سلیمان - علیه السلام - عطا کرد از جمله تسخیر باد و جن ، را بیان میکند.

در معجم و سیط آمده است : خانواده مرد افراد که به او وابسته هستند ، پیروان ، خیشاوندان و طرفدارانش ، بنا بر این در این آیه آمده است که سلیمان - علیه السلام - از خانواده و بسته گان داود - علیه السلام - بود.²

3- آنچه قبلا ذکر کردیم که هر دویشان هم عصر بودند ، حضرت داود - علیه السلام - پیش از حضرت سلیمان - علیه السلام - زنده گی میکرد.

4- آنچه که قرآن کریم ذکر میکند در مورد وراثت حضرت سلیمان - علیه السلام - از حضرت داود - علیه السلام - ، بصورت تفصیلی در مبحث مستقل بیان میکنیم .

با توجه به آیات قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام - پسر حضرت داود - علیه السلام - و از نسل حضرت ابراهیم - علیه السلام - بود .

مطلب سوم : علم و حکمت حضرت سلیمان علیه السلام:

خداوند - جل جلاله - به سلیمان - علیه السلام - عقل سلیم داد که با آن امور را درک میکرد، و با هوش بود ، قضیه های پیچیده و مشکل را حل میکرد و از نظر حکمت شهرت داشت تا اینکه آن را لقب حکیم دادند ، قرآن کریم سلیمان - علیه السلام - را با علم، فهم ، و حکمت ، در بسیاری جای ها توصیف کرده ، خداوند نعمت های زیادی برایش داد ، و او را ستایش کرد ، گوش ها با شنیدن اخبار اش نوازش میشود ، و مجالس به قصه ها شان غنی میشوند. الله متعال در سوره نمل فرمود: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۱۵﴾³ «به را ستی به داوود و سلیمان دانشی دادیم و آن دو گفتند: ستایش خدایی راست که ما را بر بسیاری از بنده گان با ایمانش برتری داد .» این

¹. سورة سبا / 13

². انیس ، د، ابراهیم ، د. منتصر ، عبدالحلیم ، المعجم الوسیط ، ج 1 ، ص 34.

آیه پس از صحبت در مورد گوشه از قصه موسی ، که در سوره نمل آمده است. در این آیه خداوند متعال از نعمت های بزرگ ، و صفات نیک و سعادت دنیا و آخرت که برای حضرت داود و حضرت سلیمان - علیهما السلام- نصیب کرده بود خبر میدهد¹. لام در ولقد : لام قسم آیات با قسم شروع شد، برای نشان دادن کمال مراقبت برای تائید محتوای آن²، و در آن اختصاص نوع علم که به داود و سلیمان - علیهما السلام - داده شده بود.

امام قشیری³ - رحمه الله - گفت: این گفتار دلالت بر این دارد که الله متعال به حضرت داود و حضرت سلیمان- علیهما السلام- علمی را نصیب کرده بود که هیچ کس در آن علم با آنها شریک نبود ،التئوین در علم: یا برای نوع : یعنی : مجموع از علم ، یا برای احترام . یعنی علم بسیار⁴ است.

امام طبری⁵ - رحمه الله - گفت: آن دانش عبارت از دانستن زبان حیوانات و پرندگان و غیره که دانستن آن مخصوص خداوند میباشد.⁶

ابو السعود⁷ - رحمه الله - گفت: یعنی ما بر هر یک از آنها مجموع ای از دانش را که از دانش دانش قوانین و احکام و سایر موارد مربوط به هر یک از آنها مناسب است ، مانند ساخت لباس ، و منطق پرندگان.⁸

محمد اکرام الدین بدخشانی - رحمه الله میگوید: نکره ذکر شدن « عِلْمًا » بر عظمت آن علمی دلالت میکند که به داود و سلیمان - علیهما السلام - داده شده بود . زیرا هر دو از علم نبوت بهره مند و از پادشاهان صالح بودند که از جانب الله متعال هدایت

2. الزحلی ، تفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج ، ج 19، ص 272، الناشر : دارالفکر المعاصر ، بیروت . طبعه 1: 1991م.

3. ابو السعود ، ارشاد العقل السلیم ، ج 6 ، ص 276.

4. امام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوزان نیسابوری از بزرگان ، دانشمندان ، نویسنده گان ، شاعران و صوفیه قرن پنجم هجری است آثار او 1-تفسیر کبیر معروف بهالتیسیر فی التفسیر ، 2-التحییر فی التذکیر ، 3-آداب الصوفیه ، از میان آثار وی لطائف الاشارات درتفسیر قرآن ورساله قیشیری در تصوف شهرت بسزای دارد. پس از 89 سال عمر در سال 465 بدرود حیات گفت در مدرسه ابوعلی دقاق در نیساپور دفن کردند. نقل عن: الأعلام للزركلي، ج 7، ص 137.

5. القشیری ، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوزان ، لطائف الاشارات ، ج 2، ص 28، مرکز تحقیق التراث ، طبعه 2: تحقیق : د. ابراهیم بیونی.

6. أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن غالب مشهور به جریر طبری مورخ ، مفسر ، وفیلسوف ، مؤلف کتاب تاریخ طبری مشهور به پدر علم تاریخ و تفسیر است. نقل عن اعلام للزركلي، ج 6، ص 69.

7. الطبري، محمد بن جریر بن یزید بن غالب الأملي، جامع البيان في تأويل القرآن ، ج 19، ص 437، الناشر: مؤسسة الرسالة ، الطبعه: 1، 1420 هـ .

1. ابو السعود محمد بن محمد بن مصطفی العمادي از علمای ترک نژاد منصب قضات را به دست گرفت ابوالسعود فرد تیر هوش ، برحافظه ، و سریع الانتقال و مسلط به نوشتن به زبان های عربی ، فارسی، ترکی بود وی ابتدا تفاسیر کشاف، بیضاوی، را تدریس عن الموسوعة العربية العالمية نقلًا <http://www.mawsoah.net> 8. ابوالسعود ، ارشاد العقل السلیم ، ج 6 ، ص 627.

وارشاد میشدند و علاو برآن به داوود - علیه السلام - در فن ساختن لباسهای زرهی مهارت خاصی اعطا شده بود ، و اما برای سلیمان - علیه السلام - فهم و درک سخن گفتن پرنده گان و حیوانات ، و دانش تنظیم لشکر آموخته شده بود.¹

این نوع علم با حکمت در قرآن کریم مبهم است .

سید قطب² - رحمه الله - میگوید: در اینجا نوع علم و دانش و موضوع آن بیان نمیشود، چون خود علم است که اظهار میشود ، و اشاره به این دارد که علم و دانش هرچه است همه و همه بخشش الله به مردمان است، و هر عالم و دانشمند باید بداند که سر چشمه علم و دانش کجا و کدام است ، و بر علم و دانش خود خداوند متعال را سپاس بگوید و به گونه که علم و دانش خود را به کار ببرد و مورد استفاده قرار دهد که خداوند را خشنود سازد ، خدایی که آن را به او بخشید است و فرموده است . دیگر اینکه نباید علم دانشمند را از خداوند دور گرداند، و خدا را از یاد او ببرد چه علم و دانش یکی از الطاف و عطایای خداوند به او است .³ علم و دانشی که دل را از خداوند دور می گرداند فاسد و تباه کننده است ، از منبع و هدف خود منحرف است ، نه برای صاحبش و برای مردم سعادت به بار نمی آورد و باعث خوشبختی نمیشود ، بلکه شقاوت، بد بختی، ترس، هراس، پریشانی، سرگردانی، و خرابی و ویرانی را به بار میآورد زیرا هم چون علم و دانشی از منبع خود بریده است ، و از رویکرد خود منحرف گردیده است ، و رای خود را بسوی خدا گم کرده است.

علم از بزرگترین نعمت ها ست و به هر کسیکه عطا گردد ، برتری زیادی نسبت به مابقیه از بنده گان خدا وند به او داده شده است ، یعنی برتری نسبت به کسانی که هیچ علم ندارند مانند علم داوود و سلیمان - علیهما السلام - به آنها داده نشده است . همچنین به اساس آیه قرآن کریم، آن دو بر بسیاری برتری داده شده اند و بسیاری بنده گان نیز بر آنان برتری داده شده بودند . به علاوه هر که نعمت علم به او عطا شده باشد ، باید در برابر این نعمت ، حمد و سپاس خداوند - جل جلاله - را بجا آورند و بدانند که هر چند بر سبب نعمت علم بر بسیاری از بنده گان برتری یافته اند ، بسیاری دیگر از بنده گان نیز بر او برتری دارند ، این امر انسان را بر

¹. بدخشانی ، محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی التفسیر الکلام الرحمن ، ج 6، ص 354 ،

⁴. سید ابراهیم حسین شانلی قطب معروف به سید قطب نویسنده مصری بود به دلیل باز نگری در تاثیر برخی مفاهیم اسلامی بر تحولات اجتماعی، سیاسی، میان تحقق کننده گان اسلام سیاسی مشهور است، سید قطب آثار ارزنده به جهان عرضه کرده است از جمله، تفسیر فی ظلال القرآن، آفرینش هنری در قرآن، آینده در قلمرو اسلام، العدالة اجتماعه فی اسلام، و غیره . نقلًا عن اعلام، ج 3، ص 147.

³. قطب، سید ، فی ظلال القرآن ، ج 5 ، ص 2633.

فروتنی و طلب دائمی برای علم بیشتر می کشاند. آیه قرآن کریم اشاره دارد به اینکه تمام علوم هدیه خداوند هستند و هر صاحب علم باید بداند مصدر علم، خداوند متعال است و چنانچه که بیان شد با شکرگزاری از خداوند - جل جلاله - به خاطر نعمت علم، آن را در راه خشنودی وی به کار گیرد. ورود واژه علم به صیغه نکره در آیه قرآن کریم، برای بزرگ شمردن علمی است که به داوود و سلیمان - علیهما السلام - عطا شده بود زیرا درسیاق امتنان بر آن دو آمده است، مثل اینست که گفته شود: علمی و چه علمی! چون علم آن دو از جمله علم آشنایی به زبان پرنده گان علم بزرگ و شگفت آوری بود.¹ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ² وگفتند: سپاس خدای را که ما را بر بسیاری بنده گان مومن برتری داد.» در اینجا از طریق این دعاء تواضع، فروتنی و تقواء بالا را میبینیم که علم زیاد او را به سمت تکبر و غرور سوق نداد. دلیل به برتری علم، و شرف اهل علم است، که شکرگذاری علم را کردند،

و آن را اساس فضیلت قرار دادند،³ او به خاطر هوش فوق العاده در قضاوت بین مخالفان و رسیدن به حقیقت مشهور بود. قرآن کریم از نمونه های قضاوت های او صحبت کرده، و سنت و کتاب های تاریخ از نمونه دیگران صحبت کرده. ما به تفصیل در بخش قضاء و عدالت حضرت سلیمان - علیه السلام - در مورد آن صحبت خواهیم کرد: در مورد دونه نمونه از عملکرد خوب وی، یکی از قرآن کریم و دیگری از سنت شریف.

با توجه با آیات قرآن کریم علم که بر حضرت سلیمان - علیه السلام - داده شده مبهم ذکر گردیده اما با توجه به تفاسیر آیه قرآن کریم که در مورد علم حضرت - سلیمان - علیه السلام - بیان شده میتوان گفت که این علم شامل منطق الطیر، علم قوانین و احکام، و دانش تنظیم لشکر آموخته شده بود،

مطلب چهارم- شکرگزاری حضرت سلیمان علیه السلام:

1. زیدان، عبدالکریم، المستفاده من القصص القرآن للدعوة والدعاة، ج 1، ص 419. الناشر: مؤسسة الرسالة. تاریخ الانشاء 2014م.

². سورة النمل /15.

3. البيضاوي، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد، تفسير البيضاوي، ج 17، ص 51، الناشر: دار إحياء التراث العربي -

بيروت. الطبعة: 1 - 1418 هـ. تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي.

دردعا پیش گفتیم که خداوند حکومت بی نظیر برای سلیمان - علیه السلام - داد ، گرچه بسیاری از مردم وقت که به قدرت و ثروت میرسند خداوند - جل جلاله - را که صاحب نعمت است فراموش میکنند، اما سلیمان - علیه السلام - به نعمت مادی و معنوی که خداوند به او و پیش از او به پدرش حضرت داوود - علیه السلام - داده بود نظرمی افگند، و میگوید : این از فضل و کرامت خدای من است. بر من نعمت داد تا ببیند سپاسگزار یا نا سپاسی اش را میکنم . روزی سلیمان - علیه السلام - با لشکریانش از سر زمینی می گذشتند و شنید مورچه که ملکه مورچه ها بود صدا کرد- آنگونه که سلیمان - علیه السلام - آن را فهمید - که ای مورچه گان وارد خانه خود شوید تا سلیمان و لشکریانش در حالی که نمی فهمند شما را لگد مال نکنند ، سلیمان وقت که سخن او را فهمید در مقام تعجب از هشدار او یا بر اثر خوشحالی از دانستن سخن اش که خداوند او را مخصوص این کارگردانیده بود تبسم کرد و گفت : ﴿

وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ۱۹﴾¹ «پرورد گارا! مرا توفیق عطا کن تا همواره

سپاسگزاری نعمتی باشم که تو به من و برپدر و مادرم انعام کرده ای ، اینکه عمل شایسته انجام دهم که تو از آن خشنود شوی ، و مرا در پرتو رحمت بی پایان خود در زمره بنده گان نیکت در آر» لذا سلیمان - علیه السلام - بعد از مشاهده چنین نعمتی سپاسگزاری نمود، پروردگارا به من الهام کن و توفیقم ده تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس بگزارم زیرا نعمت پدر و مادر نیز نعمت است بنابر این، نعمت های ارزانی شده به پدر و مادر نیز اقتضا میکند تا فرزندی برای خدای سبحان شکرگزاری کند و این که توفیقم ده تا کردار شایسته انجام دهم تا بیسندی و برای در خواست دخول جنت ، دو وسیله ذکر کرد: یکی خاص ، دیگر عام .

1- وسیله خاص : ﴿ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ ﴾² « وگفت :

پرورد گارا به من توفیق عطا کن تا نعمتی که برای من و برپدر و مادرم ، انعام کرده سپاسگزاری کنم ، « أَوْزِعْنِي » مرا الهام کن ، و توفیق عطا کن .اینکه ذکر والدین خود را هم درج این دعا به این علت است که نعمت بر فرزندان نعمت بر والدین است به خصوص نعمت دین چون فرزند پرهیز گار باشد با دعای خود به پدر و مادر نفع میرساند و همچنان با

¹.سورة النمل /19.

².سورة النمل /19.

دعای مومنان که به خاطر تربیت فرزند درست در حق آن والدین دعا میکند. این دلیل بر آن است که تنها نعمت علم در وجود و لزوم شکر کافی است و بر اساس آن نعمت دهنده مستحق هرنوع ثنا و حمد است چنانکه دلالت بر آن نیز دارد که باید در حق والدین نیکی شود و بعد از مرگ شان در حق شان دعا صورت گیرد¹.

2- وسیله عام را ذکر میکند که مطلق اعمال صالح است: ﴿وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ﴾² و

به من توفیق عطا کن، تا عمل شایسته انجام دهم که تو از آن خوشنود شوی، و عمل صالح آن است که از هر نوع ریا پاکیزه باشد، شکی نیست که پیغمبران از ریا پاک اند، ولی باز هم آنها در هر لحظه و در هر عمل خود مراقب الله تعالی بوده همواره طلبگار یاری و توفیق او بودند.

3- بعد از ذکر دو وسیله اصل هدفش را ذکر میکند: ﴿وَأَدْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ

الصَّالِحِينَ﴾³

« و مرا در پرتو رحمت بی پایان خود در زمره بنده گان نیکت در آر. » از من به آن خشنودی

گردی و مرا به رحمتت نه به وسیله اعمال شایسته ام در زمره بنده گان صالحت در آور نامم را در جمله نامهای شان ثبت کن و مرا در زمره آنان بسوی دارصالحان که همانا بهشت است، محشورگردان ، آری ! همه اینها را به رحمتت بر من ارزانی دار، نه به علم⁴ ، چنانچه در حدیث شریف آمده است: « لَنْ يَدْخُلَ أَحَدُكُمْ الْجَنَّةَ عَمَلَهُ قِيلَ وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَغَمَّدَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِرَحْمَتِهِ »⁵ رسول – صلی الله علیه وسلم - فرمود: « هیچ کس از شما را عملش به بهشت نمیبرد ، صحابه عرض کردند : ونه شما یا رسول الله ؟ فرمودند و نه من مگر اینکه خدا مرا به فضل و رحمتش بیوشاند» سلیمان – علیه السلام –

2..الزحلی، د، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج 19. ص 277، الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة 2: 1418 هـ.

2. سورة النمل/19.

3. سورة النمل/19.

4. بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر الکلام الرحمن، ج 6، ص 367.

5. صحیح بخاری، کتاب: الرقاق، باب: القصد والمداومة شماره، حیث (6098)، ج 5، ص 2375،

هم درین کلمات برای دخول جنت به فضل رب دعا می کند یعنی: خدایا به من هم آن فضیلت را ببخش تا مستحق جنت شوم.

با توجه به آیات قرآن کریم در مورد شکرگزاری حضرت سلیمان - علیه السلام - قسم که بیان شد میتوان گفت که حضرت سلیمان - علیه السلام - درمقابل نعمت های فراوان که خداوند متعال به حضرت سلیمان - علیه السلام - نصیب کرد، همیشه شکر گزار بود ، ولی این امر هیچگاه آنها را از شکر و عبادت و اطاعت الله تعالی باز نداشت ، و این امر محل پند و عبرت است برای کسانی که فریفته و مغرور حکومت های کوچکی شده به طغیان و سرکشی دست میزنند.

مبحث دوم :- رسالت و ملک حضرت سلیمان - علیه السلام :-

حضرت سلیمان - علیه السلام - یکی از پیغمبران بنی اسرائیل بود پروردگار متعال برایش نبوت و پادشاهی نصیب کرده بود، حضرت سلیمان - علیه السلام - درقرآن کریم به کمک قدرت الله متعال برجنات و باد حاکم میشود زبان حیوانات را میفهمد و الله متعال دعا حضرت سلیمان - علیه السلام - را مورد قبول خود قرار داد وقت که گفت : ﴿ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ

لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ ۝¹ » سلیمان گفت: ای پروردگارا! مرا بیامرز و برایم حکومتی عطا کن که بعداز من کسی را نسزد.» و برایش پادشاهی بزرگ نصیب نموده بود و به هیچ کسی چنین پادشاهی داده نشده بود چنانچه الله متعال قصه حضرت سلیمان علیه السلام درقرآن کریم را بیان میکند سلیمان - علیه السلام - حکومت وسیعی بدست آورده که در آن جن و انس و پرنده گان و چرنده گان و باد همه تحت فرمان او بودند، و بر سراسر زمین فرمانروایی مینمود.

مطلب اول :- رسالت حضرت سلیمان علیه السلام :-

قرآنکریم آنگاه که از نعمت وحی الهی سخن گفته ، حضرت سلیمان را نیز در میان گروه پیامبران ذکر میکند که به آنها وحی کرده است. ﴿ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ

¹.سوره ص/ 36.

مَنْ بَعْدَهُ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زُبُورًا ۖ ﴿١٦٣﴾ «ماهم چنان به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم ، به تو نیز وحی فرستادیم ، و نیز به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط وحی فرستادیم و به عیسی و ایوب و یونس و سلیمان و به داوود زبور را بخشیدیم.»

﴿ وَوَهَبْنَا لِداوودَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۗ ﴿٣٠﴾ ۲ » و سلیمان را به داود بخشیدیم چی نیکو بنده بود سلیمان و بسیار توبه کار و ستایشگر بود. «

فرزندی صالح را به نام سلیمان به داود عطا کردیم، و به او نبوت دادیم، مفسران گفته اند : منظور از " وهبه " در اینجا اعطای نبوت است که فرموده است ﴿ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ ۖ ۱۶ ﴾^۳ یعنی در نبوت وارث او شد، و گر نه داوود غیر سلیمان فرزندان بسیاری داشت^۴ .

ابن کثیر^۵ - رحمه الله - میگوید : خداوند متعال سلیمان - علیه السلام - را به عنوان پیامبر به داوود - علیه السلام - عطا کرد ، و گر نه داوود جز سلیمان فرزندان دیگری نیز داشت ، زیرا او دارای صد زن آزاد بود، سپس حق تعالی سلیمان - علیه السلام - را ستوده و میفرماید :

﴿ نِعَمَ الْعَبْدِ ۗ ﴾^۶ « نیکو بنده ای بود »

مکحول^۷ - رحمه الله - گفت: زمانیکه الله معتال برای داوود سلیمان را هدیه کرد گفت ای پسر کم چه چیزی بهتر است ؟ گفت ایمان به الله گفت چه چیزی بد تر است گفت کفر بعد از

1. سورة النساء / 163.

2. سورة ص / 30.

3. سورة النمل / 16.

4. فخر الدین الرازی أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن، تفسیر کبیر ، ج 26، ص 204، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت. الطبعة: الثالثة - 1420 هـ.

5. عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر امام در تفسیر، حدیث، تاریخ، بود و تفسیر در قرآن کریم بنام تفسیر ابن کثیر دارد همچنان کتاب البدایة و النهایة که تاریخی از آغاز جهان تا دوسال قبل از مرگ خود او نوشته اوست. نقلا عن الموسوعة العربية العالمية <http://www.mawsoah.net>

6. سورة ص / 30.

1. ابو عبدالله مکحول بن ابی مسلم شامی از تابعین و فقهای شام بود و از حفاظان حدیث بود و در عصر خویش فقیه مردم شام به شمار میرفت در سال 122ق در گذشت. نقلا عن الاعلام زرکلی ج 7، ص 284.

2. بن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج 6، ص 182، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع ، الطبعة 2: 1420 هـ - 1999 م. المحقق: سامی بن محمد سلامة.

3. شهاب الدین آلوسی محمود بن عبدالله فقیه شافعی، مفسر، ادیب عربی ، و معنی عراقی موهب ترین اثر او تفسیر روح المعانی است <http://www.mawsoah.net> نقلا عن الموسوعة العربية العالمية

4. لألوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله ، روح المعانی ، ج 19، ص 170، الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت

ایمان گفت چه چیزی شریکتر است گفت روح الله بین بنده گانش گفت چه چیزی سرد تر است گفت اینکه خداوند مردم را ببخشد و مردم یکدیگر را ببخشند داوود گفت پس پیامبر هستی.¹

آلوسی - رحمه الله - ² گفت: یعنی او در نبوت و پادشاهی جای خود را گرفت پس از پدرش داود-علیهما السلام - به پادشاهی رسید پس این ارث او جایز است برای ارث بردن او در آنچه پس از مرگ داود- علیه السلام - ذکر شد.³

در اینجا سوال مطرح میشود که آیا نبوت به میراث برده میشود ؟

امام النسفی⁴ - رحمه الله - در تفسیر خود پاسخ داد : او پیامبر بود مانند پدرش پس گویی که او آن را به ارث برده، در غیر اینصورت نبوت به میراث برده نمیشود . پس میراث مجازی است چنانچه در حدیث شریف آمده است « علما وارث پیامبران هستند » تخصیص آن شامل وراثت پول صحیح نیست همانطور که شیعیان میگویند. و اگر ارث بردن مال صحیح بود، تنها به سلیمان - علیه السلام - تعلق نمیگرفت. چون سلیمان برادران دیگری هم داشت و پیامبران از ارث میراثی ندارند.⁵

با توجه به آیات قرآن کریم و حدیث شریف که در مورد رسالت حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان شد گفته میتوان که حضرت سلیمان - علیه السلام - نبوت را از پدرش حضرت داود - علیه السلام - به ارث برد .

مطلب دوم :- ملک حضرت سلیمان علیه السلام :-

حضرت داود - علیه السلام - قبل از وفات اش وصیت کرد که پادشاهی پس از مرگ او به پسرش سلیمان وا گذار شود . چون داود - علیه السلام - وفات کرد، سلیمان - علیه السلام - 12 سال عمر داشت بجای پدر به تخت قدرت تکیه زد . ابن اثیر در الکامل روایت میکند :

الطبعة 1:، 1415 هـ.
5.حافظ الدین عبدالله بن احمد بن محمود حافظ الدین ابو البرکات النسفی الحنفی مولفات زیادی در فقه و اصول و تفسیر دارد مشهورترین اثر او مدارک التنزیل عن الحقائق التاویل است . نقلا عن موسوعة العربية العالمية

<http://www.mawsoah.net>

6.النسفی ، عبدالله بن احمد بن محمود ،مدارک التنزیل عن الحقائق التاویل ،ج 2، ص 230 ، الناشر: دارکتب العلمیه ، بیروت .
طبعه 1:1415- 1995م.

سلیمان هنگام جا نشینی پدر تنها 13 سال عمر داشت. اما با اینکه کم سن و سال بود از استعداد و ذکاوت سرشار بهر مند بود، و خداوند در دوران بچه گی حسن تدبیر سیاست و حکمت و حسن قضاء را به وی داده بود.¹ ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ﴾² « سلیمان از داوود میراث یافت»

ارث در لغت: انتقال آنچه که بدست آمده به تو از دیگران و آنچه که در جریان است، و آنچه که از مرده منتقل میشود و به چیزی ارثیه گفته نمیشود مگر بعد از مرگ صاحب او و حق دیگران به آن بسته گی دارد.³

درفر هنگ لغت الوسیط میگوید: " فلان پول را فلان به ارث برد.... و از او، و از او- او آن را به ارث میبرد، و او ارث میبرد: پول او پس از مرگ به او داده شد.⁴

سوال اینجاست: که حقیقت در مورد ارث که آیه قرآن کریم در مورد آن صحبت میکند چیست؟

علماء اهل علم و تفسیر در آن اختلاف داشتند آنچه بیش از مجموع گفته های آنها بیشترین احتمال را دارد این است که این ارث پادشاه، دانش، و نبوت است، نه ارث پول.

امام طبری - رحمه الله - : در مورد این میراث گفته است: علم که خداوند در زنده گی او برایش ارزانی داشت بوده، پادشاهی را که به او نسبت به بقیه قوم اش اختصاص داده بود پس حضرت سلیمان - علیه السلام - آن را پس از پدر خود به ارث برد نه فرزندان دیگرش اگر نه حضرت داوود - علیه السلام - غیر از سلیمان فرزندان دیگر هم داشت.⁵

امام البغوی - رحمه الله - ⁶ در مورد ارث گفت: نبوت، پادشاهی، علم، از بقیه فرزندان به ارث برد و گرنه داوود نوزده فرزند داشت.⁷

1. الصابونی، محمد علی، النبوة والانبياء، ج 1، ص 297، الناشر: موسسه مناهل العرفان، الطبعة 2: 1405 هـ - 1985 م.

2. سورة النمل / 16.

3. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص 590.

4. ابراهیم مصطفی، أحمد الزيات، حامد عبد القادر، محمد النجار، المعجم الوسيط، ج 2، ص 1065، الناشر: دار الدعوة.

5. الطبری، جامع البيان، ج 19، ص 141.

1. ابو محمد حسین بن مسعود بغوی، مفسیر، عالم حدیث و فقیه شافعی بود. معروف ترین اثر وی تفسیر بغوی است آثار اش شرح السنه، مصباح السنه، سایر آثار وی شامل الأ نوار شمائل النبی المختار، الجمع بین الصحیحین، است. نقلا عن اعلام الزرکلی، ج 2، ص 259.

2. البغوی، الحسين بن مسعود، معالم التنزيل، ج 4، ص 60، الناشر: دار المعرفه، بیروت. طبعة 2: 1407 هـ - 1987 م، تحقیق: خالد العک، مروان سوار

محمد اکرام الدین بدخشانی - رحمه الله - گفت : سلیمان وارث پدرش داود شد ، مقصود از وارث شدن سلیمان علیه السلام -، وارث نبوت و ملک و علم است نه وارث مال ، چرا که داود- علیه السلام - اولادهای فراوان داشت که تعدادشان به نوزده نفر میرسد، اگر وارث را، وارث مال قرار داد شود، از میان فرزندان زیادی که داود - علیه السلام - داشت، تخصیص سلیمان - علیه السلام - به وارث مال درست نمیشود، زیرا در آنصورت ، تنها سلیمان وارث نیست ، بلکه همه فرزندان داود - علیه السلام - وارثان اند. علاوه بر آن ، وارث را به وارث مادی تفسیر نمودن، نیز درست نیست ، زیرا اموال انبیاء - علیهم السلام - به میراث برده نمیشود،¹

چنانچه در صحیحین روایت است که پیغمبر- صلی الله علیه وسلم - فرموده : ان رسول صلی الله علیه وسلم قال « لانورث، ماترکناه صدقة »² ، همانا رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است : از ما میراث گذاشته نمی شود . آنچه از ما میماند، صدقه است .

عمر- رضی الله تعالی عنه- به گروهی از اصحاب این حدیث را گواهی داد و گفت : من شما را به سوی خداوند میخوانم که به اذن او آسمانها و زمین قیام میکنند، آیا میدانی که رسول خدا گفت: از ما میراث گذاشته نمیشود. آنچه از میماند ، صدقه است، گفتند : بلی . از جمله عبدالرحمن بن عوف ، الزبیر ، سعد ، العباس و علی ، معنی: من شما را به سوی خداوند فرا میخوانم : یعنی صدا بلند میکنم ،³

حکمت خداوند ایجاد میکرد که انبیاء وصیت نکنند : زیرا خداوند آنها را برای رساندن پیام خود فرستاده و به آنها دستورداد که از آن پاداش نگیرند، پس حکمت پشت سر آنها این بود که وصیت نکنند، مبدا تصور شود که برای وارث خود پول جمع کرده اند .

گفته شده : چون پیامبر برای امت خود مانند پدر است ، پس ارث او برای همه خواهد بود .⁴

4

سخن گفته شده سه مفهوم را در بر دارد:

3. بدخشانی ، محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ، ج 6 ، ص 355 .
4. صحیح البخاری ، کتاب : الفرائض ، باب : لانورث ما ترکنا صدقه . شماره حدیث (6346) ج 6 ، مسلم ، صحیح مسلم ، کتاب الجهاد ، باب : حکم الفی ء . شماره حدیث : (1757) ج 3 ، ص 1374
3. المبارکفوری ، محمد بن عبدالرحمن بن عبدالرحیم ، تحفه الاحوذی ، ج 9 ، ص 193 ، الناشر : دارالکتب العلمیه ، بیروت .

4. ابن حجر عسقلانی ، أحمد بن علی ، فتح الباری ، ج 2 ، ص 8 ، الناشر : دار المعرفة - بیروت ، 1379 .

المنأوی¹ - رحمه الله - دو جنبه دیگر را نیز اضافه کرد: وی گفت: " زیرا آنها در برزخ زنده هستند و از آنجا که خداوند متعال آنها را گرامی داشته است ، ثروت آنها از این دنیا و آنچه در دست دارند برای خانواده ها و ملت آنها یک امانت و نفع است.²

ابن عبدالبر³ - رحمه الله - در مورد تفسیر آیه قرآن کریم گفت ﴿ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ ﴾⁴
«سلیمان از داود میراث برد» سلیمان از داوود - علیه السلام - مال را به ارث نبرد مگر اینکه جانشین داود - علیه السلام - شد پس از او، اما حکمت و علم را به ارث برد⁵

فاطمه زهرا بعد از وفات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سهم میراث خود را طلب میکرد، و ابوبکر از بر آوردن تقاضای وی ابا ورزیده و گفت: من ترک کننده چیزی نیستم که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بدان عمل کرده است ، مگر آن که بدان عمل نمایم ، و از آن میترسم که اگر چیزی از عمل وی را ترک کنم ، گمراه خواهم شد. پس از آن از او از فرزندان در خواست ارث نکردند ،⁶

ابن کثیر - رحمه الله - گفت: حضرت سلیمان - علیه السلام - نبوت و پادشاهی به ارث برد ، و منظور او این نیست که وارث پول و دارایی شده باشد، زیرا او پسران دیگری غیر از سلیمان - علیه السلام - داشت ، آنچه که در صحیحین از جمعی از صحابه ثابت شده است که رسول خدا فرمود: از ما میراث گذاشته نمیشود. آنچه از او میماند ، صدقه است ، و گفت : از مال پیامبران مانند دیگران ارث برده نمی شود بلکه مال آنها صدقه است برای کسانی که بعد از ایشان هستند از فقرا و نیازمندان ، آن مال به اقوام آنها تعلق ندارند ، زیرا دنیا برای آنها آسان تر و حقیرتر از این بود، همانطوریکه الله متعال آنها را به رسالت و برتری انتخاب کرد.⁷

2. محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المنأوی القاهری مشهور به ماوی از علما بزرگ بود در قاهره زنده گی میکرد و در آنجا وفات نمود آثار او كنوز الحقائق در حدیث ، فیض القدير ، شرح القاموس المحيط. نقل عن الاعلام الزرکلی ج6، ص204.

² المنأوی ، محمد عبدالرؤوف ، فیض القدير ، ج 5 ، ص 29 ، الناشر: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع بلا.

⁴ ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر فقیه، محدث، تاریخ نویس، وادیب اندلسی، اثر او التمهید لما فی الموطأ والمعانی والاسنانید ، ابن حزم در مورد این کتاب او میگوید من در فن حدیث مانند آن را ندیده ام، چه رسد به بهتر از آن. نقل عن الزرکلی ج8، ص240.

⁴ .سوره نمل / 16.

⁶ نگاه شود : ابن عبدالبر ، ابو عمر یوسف بن عبدالله النمری ، التمهید ، ج 8 ، ص 174 ، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية⁵ المغرب 1378هـ. تحقیق: مصطفی بن احمد العلوی ، محمد عبدالکبیر البکری.

⁶ نگاه شود : البخاری ، الجامع الصحیح ، کتاب فرض الخمس ، باب : فرض الخمس. رقم (2926) .

3- **دكتور صلاح الخالدی-¹ حفظه الله - میگوید :** سلیمان از داود - علیهما السلام - خلافت ایمان ، دولت نیرومند و پادشاهی یکپارچه به ارث برد ، او قانون خدا را تطبیق کرد و مردم را کمک کرد و راه رضایت خداوند دنبال کردند ، خدا آنها را هدایت کرد . لذت پادشاهی اسرائیل در زمان داوود و سپس سلیمان - علیهما السلام - به اوج قله رسید ، و پس از مرگ سلیمان پادشاهی ضعیف شد و مردم از رضایی خداوند دور شدند ، نافرمانی دولت سبب کفر یهود به الله شد .² سلطنت سلیمان بسیار عظیم و فراگیر بود و منحصر به فرد بود، بخاطر اینکه این نوع حکومت را خود حضرت سلیمان - علیه السلام- از خداوند متعال در خواست کرده بود. ﴿ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ ۳۵ ﴾³ « سلیمان گفت : ای پرورد گارا ! مرا بیامرزد و برایم حکومتی عطا کن که بعد از من کسی را نسزد ، و حقا که تو بسیار بخشا یشگر هستی .»

اول: در خواست نعمت دینی : ﴿ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي ﴾⁴ « گفت : ای پرورد گارم ! مرا بیا مرز ، « و در برابر خطایی که از من سرزده است، مرا مواخذه نکن .»

دوم : درخواست نعمت دنیوی : ﴿ وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي ﴾⁵ « و برایم حکومتی عطا کن که بعد از من کسی را نسزد .»

سوال وارد میشود: در ین درخواست شائبه بخل میرسد در حالیکه بخل از شان پیغمبران نیست!

در اینجا قابل تذکر است که هیچ دعای از انبیاء -علیهم السلام - بدون اجازه خداوند متعال صادر نمیشود و حضرت سلیمان -علیه السلام - هم این دعا را به اجازه خداوند متعال خواسته بود ، چون منشأ آن تنها طلب اقتدار نبود ، بلکه پشت پرده جذبہ ء اجرای احکام الهی و اعلاء کلمة الله کار فرما بود، و خداوند متعال میدانست که پس از رسیدن حضرت سلیمان -علیه السلام - به اقتدار برای این اهداف عالیہ کار خواهد کرد ، و جذبات و حب جاه در قلب او جا گزین نخواهد شد ، لذا به او اجازه رسید تا این دعا را بخواند و آن هم پزیرفته

2. صلاح عبدالفتاح الخالدی در مدینه تولد از استاد های مشهور او شیخ سید یکی از علما فلسطینی و شیخ الغزالی اثر او مفتیح للتعامل مع القرآن ، مدخل الی ظلال القرآن ، القصص القرآن عرض وقائع وتحلیل واحداث، <https://shamela.ws>

3. الخالدی ، د، صلاح عبدالفتاح ، القصص القرآنی ، عرض وقائع وتحلیل واحداث ، ج 3 ، ص 482 ، الناشر: دار القلم ، دمشق .

طبعه 1419: 1: 2003 م .

3. سورة ص / 35.

4. همان.

5. همان.

شد، اما برای عموم مردم تقاضای اقتدار، به این خاطر ممنوع باشد که از اینگونه جذبات نفسانی خالی الذهن است و او فی الواقع غیر از اعلاء کلمه الله برای هدف دیگری متقاضی اقتدار نیست، پس برای او تقاضای حکومت و دعا کردن برای آن جایز است.¹

1- مراد از این درخواست، مطالبه ملک و حکومتی است که کس قدرت نداشته باشد که از طریق مقابله از نزدش بگیرد و یا بعد از وی به طریق وراثت بر آن حاوی شود.

2- جواب دیگر این است که مراد از این درخواست، وسعت و گسترش ملک است، یعنی چنان ملک گسترده داده شود که بعد از من در دسترس هیچکس قرار نگیرد، البته درخواست چنین حکومت از نوع معجزه است، و بخل نیست، زیرا هر پیغمبر مطابق عصر و زمانش معجزه ای داده میشد؛ پس درخواست چنین حکومت وسیع از الله سبحان در صورتیکه در آن کدام ظلم و جبر بر مردم نباشد، یک امر پسندیده است.

سپس علت این درخواست را ذکر میکند: ﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾² «و حقا که تو بسیار بخشایشگر هستی»³

باتوجه به آیات قرآن کریم و تفسیرهای که در آن صورت گرفت میتوان گفت که انبیاء از مال میراث برده نمیتوانند اما میتوانند که خلافت را به ارث ببرند، حضرت سلیمان - علیه السلام - همچنان پادشاهی را از پدرش حضرت داوود - علیه السلام - به ارث برد و اعلاء کلمه الله و احکام الهی تطبیق کرد.

مطلب سوم :- قضاء و عدالت حضرت سلیمان - علیه السلام - :

1. الوسی، ابوالفضل، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج 12، ص 194، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت. الطبعة: الأولى، 1415 هـ
2. سورة ص / 35.
3. بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر الکلام الرحمن، ج 7، ص 274.

قرآن کریم از نمونه از قضاوت های حضرت سلیمان - علیه السلام - صحبت کرده ، و سنت و کتاب های تاریخ از نمونه دیگر آن صحبت کرده . ما به شرح ذیل صحبت خواهیم کرد :
در مورد دو نمونه از عملکرد خوب وی ، یکی از قرآنکریم و دیگری از سنت شریف .

1- قضاوت او در باره کشتزاری که شبانگاه گوسفندان مردمانی در آن چریدند و تبااهش کردند: ﴿ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

۷۸ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۷۹ ﴾¹ داود و سلیمان را یاد کن هنگامیکه در

باره آن کشتزار داوری میکردند چون شب هنگام گوسفندان قومی در آن چرید بودند و ما شاهد داوری آنها بودیم، پس آن داوری را به سلیمان فهماندیم و به هریک آن دو حکمت و دانش عطا کردیم .»

داود و سلیمان : یعنی داوود و سلیمان را به یاد آور . « نَفَسَتْ » در شب چریرند ، چریدن در شب را « نَفَسَ » و چریدن در روز را « هَمَلَ » گویند .²

کشتزار در لغت : کاشتن . قرآن کریم آن را مبهم ذکر کرده است ، بنا بر این ما به دنبال نوع او نیستیم . برای ما فرق نمیکند که این یک مزارع باشد ، یا یک کشت ، یا یک تاکستان ، یا هر چیزی دیگر .

ابوجعفر طبری - رحمه الله - گفت : کشت فقط زراعت زمین است و کاشتن در آن جایز است ، درخت کاشتن در زمین جایز است، و مضر نیست.³

همانطوری که از جمعی از اصحاب و تابعین نقل شده است :

گله گوسفندان یک قوم ، شبی وارد کشتزار قوم دیگر شد و مزرعه را تلف کرد پس مدعی و مدعا علیه هر دو جهت حل خصومت نزد داوود - عیه السلام - آمدند ، چون خساره که از سوی گوسفندان به کشتزار رسیده بود ، از حد معمول زیاد بود ، لذا داوود - علیه السلام - فیصله کرد که جمله گوسفندان در عوض خساره ای که به زراعت رسیده است ، به صاحب آن داده شود ، زیرا چیز ها یکه به وسیله قیمت، داد و ستد در آنها، جاری میباشد در عرف فقیهان به آنها « ذوات القیم » گفته میشود اگر کسی آنها را ضایع کرد تاوان آنها به حساب

¹ .سورة الانبياء /78-79.

² .القرطبي ، جامع الاحكام ، ج 11، ص 203 .

³ .نگاه شوده ، جامع البيان عن تاويل آي القرآن ، ج 17، ص 51 .

قیمت ادا می گردد و چون قیمت گوسفندان مساوی با قیمت مزرعه ضایع شده بود، لذا قضاوت طبق آن انجام گرفت. هنگامیکه آن دو نفر از نزد داوود بیرون شدند، سلیمان - علیه السلام - که هنوز کودک بود، از ایشان درباره خصومت و فیصله داوود - علیه السلام - جویا شد، آنان واقعه را برایش بیان کردند، و از فیصله داوود - علیه السلام - نیز او را آگاهش کردند، سلیمان - علیه السلام - گفت: اگر من قاضی میبودم، به نحو دیگری فیصله میکردم، این سخن سلیمان - علیه السلام - به داوود - علیه السلام - رسید، لذا از وی پرسید که چگونه فیصله خواهی کرد، سلیمان - علیه السلام - گفت: فیصله من به نفع هر دو متخصصین است: و آن اینکه جمله گوسفندان به صاحب کشت سپرده شود، تا در بدل خساره اش از شیر و پشم آنها استفاده کند، و کشت به صاحب گوسفندان، داده شود تا آن را آب یاری نموده اصلاح کند تا هنگامی که کشتزار به حالت سابق اش برگردد، بعد از آن گوسفندان به صاحبش و کشت به صاحبش برگردانده شود، پس داوود - علیه السلام - فیصله سلیمان - علیه السلام - را پذیرفته در میان آن دو شخص به مطابق آن فیصله کرد، خداوند متعال با بیان این که سلیمان در قضاوت صحیح تر است، قضاوت آنها را ستود.¹

علامه الماوردی² - رحمه الله - شافعی در مورد علم و حکم دو جنبه احتمالی را ذکر کرده: 1- حکم: قضاوت و علم: فتواء 2 - حکم: اجتهاد و علم: نص.³

امام مالک از حرام ابن محصیه⁴ روایت کرده « أَنَّ نَافَةَ لِّلْبِرَاءِ بْنِ عَازِبٍ دَخَلَتْ حَائِطَ رَجُلٍ فَأَسَدَتْهُ عَلَيْهِمْ، فَقَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أَهْلِ الْأَمْوَالِ حِفْظَهَا بِالنَّهَارِ، وَعَلَى أَهْلِ الْمَوَاشِي حِفْظَهَا بِاللَّيْلِ »⁵

شتر البراء بن عازب وارد باغ مردی شد و آن را خراب کرد، بنا بر این رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - دستور داد مالکان باغها و کشتزار باید در ظرف روز، زراعت و باغهای

1. الطبری، جامع البیان، ج 17، ص 51-52، والسیوطی، عبدالرحمن بن الکیمال، جلال الدین، الدر المنثور، ج 5، ص 645، الناشر: دار الفکر، بیروت. 1993م. وصناعی، عبدالرازق بن همام، تفسیر عبدالرازق، ج 2، ص 721، الناشر: مکتبه الرشد، الریاض، طبعه 1: 1410 هـ، تحقیق: د، مصطفی مسلم محمد، والثوری، سفیان بن سعید تفسیر سفیان الثوری، ص 203، الناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت. طبعه 1: 1403 هـ.

2. أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی مشهور به الماوردی یکی فقها شافعی بود از جمله قضاة آخر دولت عباسی بود در فقه و تفسیر امام بود مشهور ترین اثر او آدب الدنیا والدین؛ أعلام النبوة؛ الحاوی الکبیر؛ النکت العیون <http://shamela.ws>.

3. الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، النکت العیون، ج 3، ص 459، الناشر: دار الکتب العلمیه بیروت³
4. حرام بن سعد بن محبسه بن مسعود زهری از او روایت کرده در سال 113 هـ وفات نمود در حدیث اندک ثقه بود. طبقات الکبری ج 5، ص 258.

5. أبو داود، سنن ابی داود، کتاب: الاقضیه، باب: المواشی تفسد الزرع القوم، { حکم الالبانی صحیح } رقم (3569) ج 3، ص 323.

خود را نگهداری و نگهداری کنند تا وارد زمین زراعتی مردم نشوند و مقابلتا مالکان دام و چهارپایان ، شب هنگام آنها را نگهداری کنند.

رأی امام ابوحنیفه - رحمه الله - این است : تلف کردن زرع و کشت ازسوی چهارپایان در صورتی ضامن ندارد که نگهداری یا چوپان همراهی آنها باشد، اگر همراهیشان نگهداری یا چوپان نباشند ضمانت میکند.¹

ابن حزم² - رحمه الله - گفت : هیچ تضمینی برای صاحب حیوان آنچه از مال توسط چهار پایان در روز تلف شده وجود ندارد ، اما به صاحبش دستور داده میشود که آن را نگهداری کند. اگر نگهداری شد ، پس حکم همین است ، و اگر باز گشت و او را نگهداری نکرد به او فروخته میشود.³

امام ابوحنیفه - رحمه الله - و ابن حزم به حدیث " العجماء جرحها جبار"⁴ « آنچه چهار پایان تلف کنند هدر و بی توان است اعتراض کردند ، العجماء : هر حیوان که انسان نیست بخاطر اینکه گپ نمیزند . ومعنی جرحها جبار : یعنی هر چه که با زخم یا چیزی دیگری از بین برد ضایعات است که توسط صاحبش تضمین نمیشود. مردم تضمین آنها است ، حدیث مشهور که توسط علمای معتبر گزارش شد ، و فقهای حجاز از آن استفاده کردند و آن را پذیرفتند ، و در مدینه با آن کار انجام شد.⁵

ابن عربی⁶ در توفیق بین دو حدیث گفت : اینکه حدیث " العجماء جرحها جبار" عموم به سند آن متفق شده است ، اما حدیث ناقه البراء خاص است ، هیچ بحثی وجود ندارد که حدیث عموم توسط خصوص صرف میشود هیچ اختلاف وجود ندارد . و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در شتر البراء مقرر کرد که نگهداری محصولات و میوه ها در طول روز برای صاحبان

1. نگاه شود : الصناعی ، محمد بن اسماعیل ، سبل السلام ، ج 3 ، ص 264 ، الناشر : دار احیاء التراث العربی ، بیروت . طبعه 4: 1379ه تحقیق : محمد بن عبدالعزیز الخولی .

2. ابن حزم ، ابو محمد علی بن احمد بن سعید فقیه ، محدث ، فیلسوف ، عالم ادیان ، ومذاهب ، ادیب ، شاعر ، یکی از درخشان ترین یکی از درخشان ترین چهره در اندلس بوده است پدرش از بزرگان اهل قرطبه بود و در جوانی سمت وزارت را به عهده گرفت . نقلا عن طبقات الامم ، ج 1 ، ص 75 .

3. ابن حزم ، أبو محمد علي بن أحمد بن سعید ، المحلی ، ج 8 ، ص 146 ، الناشر : دارالافتاح الجدیدة ، بیروت . تحقیق لجنه احیاء التراث .

4. صحیح البخاری ، کتاب : الدیات ، باب : المعدن جبار والبئر جبار ، وباب العجماء جبار شماره حدیث (6514) ، ج 6 ، ص 2533 ، صحیح المسلم ، کتاب : الحدود ، باب : جرح العجماء والبئر جبار . شماره حدیث (1710) ج 3 ، ص 13334 ،

5. المناوی ، الفیض القدیر ، ج 4 ، ص 376 .

6. ابن عربی ، ابو عبدالله محیی الدین محمد بن علی بن محمد العربی الحاتمی معروف به شیخ اکبر ، اندیشمند ، عارف وصوفی بزرگ جهان اسلام وی در مشرق ابن عربی خوانده میشود ابن عربی در 27 رمضان سال 560 ق در شهر مرسیه ، در جنوب شرق اندلس چشم به جهان گشود . مفاتیح الاعجاز فی شرح راز .

آنها است ، زیرا صاحبان چهار پایان در طول روز سختی میکشند و نگهداشتن دام ها در شب برای صاحبان چهار پایان ، از آنجا که حفظ میوه ها و محصولات برای صاحبان آنها دشوار است ، پس قضاوت با گرایش به اسلام به بهترین شکل صورت گرفت این برای هر دو طرف بهتر بود ، برای دو فرقه آسانتر بود و گفت که حدیث " العجماء جبار " هر ضامن را انکار میکند و حدیث " ناچه البراء در اختلاف شب و روز بیان شده پس اختصاص حدیث البراء به حدیث العجماء لازم است.¹

امام ابن قیم² - رحمه الله - از حکم سلیمان - علیه السلام - طرفداری کرد و فرمود: « آنچه که توسط پیامبر خدا سلیمان اداره میشد به عدالت نزدیکتر است . و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - حکم کرد که صاحبان باغ ها در روز از باغ خود نگهداری کنند ، و آنچه چهار پایان در شب خراب کرد صاحب آن ضامن است ، و حکم خود را در مورد ضامن کشتزار اصلاح کرد ، در نصوص قبلی و ضرورت تضمین بالمثل به همین ترتیب تائید شده است در نص کتاب، سلیمان را بخاطر درک این حکم ستایش کرده ، ثابت شد که این کار درستی است، و خداوند متعال بخشاینده است . این ترجیح از امام ابن قیم ترجیح عالی است، که بیانگرفه عالی و بینایی تیز اوست نصوص را بدون تناقض ترکیب میکند.³

2- قضاوت در مورد دو زن که گرگ پسر یکی از آنها را برد:

از جمله آنچه بر حکمت رأی سلیمان در زمینه قضاوت دلالت میکند واقعه ای است که در صحیحین از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - روایت شده است او میفرماید: « وقال: كانت امرأتان معهما ابناهما، جاء الذئب فذهب بابن إحداهما، فقالت صاحبتها: إنما ذهب بابنك، وقالت الأخرى: إنما ذهب بابنك، فتحاكما إلى داود، ففضى به للكبرى، فخرجتا على سليمان بن داود فأخبرتا، فقال: أنتوني بالسكين أشقه بينهما، فقالت الصغرى: لا تفعل يرحمك الله، هو ابنها، ففضى به للصغرى »⁴ ابوهریره گفت که آن حضرت - صلی الله علیه

1. نگاه شود: ابن العربی ، ابوبکر محمد بن عبدالله ، احکام القرآن ، ج 3 ، ص 267 ، الناشر: دارالکتب العلمیه ، بیروت. طبعه 1: تحقیق: محمد عبدالقادر عطا.

2. محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریر زرعی دمشقی معروف به ابن قیم جوزیه از روحانیون حنبلی مذهب میباشد در ایام نوجوانی به دمشق رفت و در محضر علماء آن شهر به کسب دانش پرداخت و در ماه رجب سال 751 ه ق وفات یافت. نقل عن الذیل علی طبقات الحنابلة، ج 5 ، ص 170-171.

3. ابن قیم جوزیه ، محمد بن ابی بکر ، اعلام الموقعین عن رب العالمین ، ج 1 ، ص 246 ، الناشر: دارالکتب العلمیه بیروت. طبعه 2: 1414 ه- 1993 م رتبه و ضبطه : محمد عبدالسلام ابراهیم .

1. البخاری ، صحیح البخاری ، شماره حدیث (6387) کتاب : الفرائض ، باب : اذا دعت المراه ابنا ، و : مسلم ، صحیح مسلم ، کتاب : الاقضية ، باب : بیان اختلاف المجتهدین ، شماره حدیث (1720).

علیه وسلم – فرمود: دو زن بودند که دو پسرشان همراهی شان بود. گرگ آمد و پسریکی شان را برد ، یکی از آن دو زن گفت : گرگ پسر تو را برده زن دیگر گفت : گرگ پسر تو را برده قضیه را نزد داود بردند . داود به نفع زن بزرگتر حکم کرد تا آن پسر باقی مانده به وی داده شود سپس آن دو زن نزد سلیمان پسر داود رفتند. از قضیه آگاهش کردند. وی گفت : برایم چاقوی بیاورید که آن پسر را دو نیم کنم و هر یک را نیم بدهم زن خورد سال گفت : خداوند تو را رحمت کند این کار را مکن . این پسر از اوست سپس سلیمان به نفع زن خورد سال تر حکم کرد .

در این قضیه هوش خارق العاده سلیمان -علیه السلام - ظاهر شد، و استفاده از حيله برای رسیدن به سرخ هایی که از طریق آن میتوان به حکم رسید، سلیمان با ادعای کشته شدن پسر، مادر واقعی را تحریک کرد برای گفتن این که این کار را نکن - الله به شما برکت دهد - این نشان میدهد که مادر واقعی زن کوچکتر است.

حافظ ابن حجر¹ - رحمه الله- موقف سلیمان - علیه السلام - برتری داد و گفت :

وقتی که سلیمان ماجرا را خبر شد ، او چاقو را خواست که توسط چاقو آن را از وسط دو نصف کند او قصد انجام چنین کاری را در حقیقت نداشت ، بلکه میخواست با یک روش ماهرانه حقیقت را کشف کند ، وقتی پیشنهاد کرد که بچه را دونصف کند ، زن بزرگتر از اثر غفلت سکوت اختیار کرد و به تصمیم او توجه نکرد . اما عاطفه مادری در زن کوچکتر ظاهر شد که نشانه دلسوزی فراوان اوست ، و گفت رحمت خدا بر تو باد. این کار را نکن فرزند مال اوست . چون به گمان خود میپنداشت، حکم دو تکه کردن را در مورد او به اجرا در میآورد ، سلیمان از این عاطفه که در زن بزرگتر وجود نداشت فهمید که بچه فرزند او ست و بچه را به زن کوچکتر داد.²

¹ ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد الکنانی العسقلانی معروف به ابن حجر العسقلانی از علماء بزرگ حدیث و فقه، مورخ، اصل وی از قایم تونیس است برخی اعضای خانواده وی به عسقلان فلسطین سفر کردند اما وی خود در قاهره مصر زاده شد. ابن حجر در فقه، حدیث، و تفسیر، تبحر داشت در سال 811 ه ق وظیفه افتاء دار العدل به او داده شد. نقلاً عن الزرکلی، ج 1، ص 178.

² ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علي، فتح الباری ، ج 6، ص 575، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379

سوال ایجاد میشود: امام النووی¹ - رحمه الله - سوال را طرح کرد و پاسخ سوال را گفت :
سوال : چگونه سلیمان - علیه السلام - پس از حکم داود - علیه السلام - در یک قضیه
حکم کرد، و حکم او را لغو کرد، و مجتهد حکم دیگر را باطل نمیکند؟؟

پاسخ:

- 1- اینکه داود در حکم قطعی نبود.
- 2- شاید آن از طرف داود فتواء باشد نه یک حکم .
- 3- شاید در قانون آنها این بود که این حکم را لغو کند.
- 4- سلیمان این کار را به عنوان روشی برای نشان دادن حقیقت و ظهور صداقت انجام داد، پس هنگامی که به عظمت اعتراف کرد با تائید آن عمل کرد، حتی اگر بعد از صدور حکم ، مثل اینکه شخص محکوم علیه شد پس از صدور حکم به او اعتراف کرده باشد. این حکم برای طرح دعوا است.²

حدیث فایده های زیادی دارد از جمله :

- 1- هوش و درک : هدیه از جانب خداوند است مربوط به پیری و جوانی نیست .
 - 2- حق در یک جهت .
 - 3- حکم انبیاء به اساس اجتهاد جایز دانسته میشوند و شاید نص وجود داشته باشد یا برای شان وحی شده باشد³
- با توجه به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی شریف که در مورد قضا و عدالت و حکمت حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان شد میتوان گفت : که الله متعال برای حضرت سلیمان - علیه السلام - علم قضاوت و داوری را نصیب کرده بود، که از آن برای تطبیق احکام الهی استفاده کرد.

¹ ابوذکریا یحیی بن شرف النووی مشهور به امام النووی عالم، مجتهد، ومحدث مسلمانان برجسته شافعی بودی چندین کتاب در حدیث، سیره النبوی، وفقه، تالیف کرده است. نقلا عن اعلام الزرکلی، ج 8، ص 149.
² النووی، ابو زکریا یحیی بن شرف بن مری، شرح النووی علی صحیح مسلم، ج 12، ص 18، الناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت. طبعه 2: 1392 ه.
³ ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ج 6، ص 575.

مطلب چهارم: جاه و جلال حضرت سلیمان - علیه السلام - :

خداوند متعال به حضرت سلیمان - علیه السلام - نعمت های بسیاری بخشید که نشانه عظمت و بزرگی او به شمار میرود، از جمله بنده منیب و سپاسگزار که الله تعالی به ایشان نعمت فراوان عنایت فرموده : البته در اینجا بیان نعمت ها و معجزات است که الله تعالی برایش عنایت فرموده: الله متعال میفرماید: ﴿ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ۝ ۱۶ ﴾¹ « وگفت: ای مردم! برای ما منطق پرنده گان آموخته شده و از هر چیزی برای ما داده شده بی گمان این فضل آشکار است » سلیمان - علیه السلام - بر شمردن این نعمت ها پرداخت و گفت: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ »² که این خود یاد کردن نعمت خدا و بیان آن و اعتراف به جایگاه آن است و در ضمن از مردم دعوت کرد تا به رسالت اش باور داشته باشند چون او از معجزه فهمیدن منطق پرنده گان و سایر امور بزرگ که داده شده بود یاد آور شد .

1- آموختن زبان پرنده گان به او: سلیمان در مقام حدیث از نعمتهای خداوند - جل جلاله -

گفت: پرورد گرام فهمیدن آواز پرنده گان و حیوانات آموخته و من میتوانم از طریق شنیدن آواز شان بین مقاصد و اهداف مختلف که دارند تمیز کنم . صداهایی که پرنده گان از خود بیرون میکنند منطق شان است و در همین نطق تسبیح و تمحید آنها هم وجود دارد³ چنانکه خدای تعالی فرمود : ﴿ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ ۴۴ ﴾⁴ « هیچ چیزی نیست مگر اینکه به حمد پرورد گار خود تسبیح می گویند ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید »

بیضاوی⁵ - رحمه الله - میگوید: شاید سلیمان آنگاه که صدای حیوانی را میشنید با قوت حدس خود تخیلی را که آن حیوان با صوت خود داشت و هدفش را می فهمید . از این جمله

¹. سورة النمل / 16.

². سورة النمل / 16.

³. الزحيلي، د، وهبة بن مصطفى، تفسير المنير ج 19 ص 295. الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة الطبعة: الثانية، 2،

1384هـ

⁴. سورة الاسراء / 44.

⁵. ناصرالدين ابوسعید او ابو الخير عبدالله بن ابی القاسم عمر بن محمد بن ابی حسن علی البيضاوی شیرازی الشافعی از قضات قرن هفتم هجری بود در بیضا تولد و در شیراز به تحصیل علوم پرداخت وی قبل از رفتن به تبریز مدتی در اتابکان فارس در فارس مقام قاضی القضات را داشت به تبریز رفت و تا پایان عمر در آن شهر به تالیف و تدریس و امر قضاوت مشغول بود. نقل عن اعلام الزركلي، ج4، ص 110.

حکایتی از سلیمان است : که روز سلیمان بر بلبل عبور کرد که میخواند و میرقصید. سلیمان گفت : " او میگوید اگر من نصف خرما را بخورم باید دنیا نابود شود ». روزی دیگری کبوتری که در خشکی زنده گی میکرد آواز سرداد . سلیمان گفت : او میگوید ای کاش خلائق آفریده نمیشدند . شاید این آواز بلبل بر اثر سیری و خوشحالی بروز کرده باشد و از آن پرنده در اثر سختی ها و درد هایی که کشیده . از این واقعه ثابت شد که پرنده گان و چرنده گان و همه حیوانات تا حدی از عقل و شعور برخوردارند، ولی عقل آنها به حدی نیست که مکلف به احکام شرع قرار داده شوند، و به انسان و جن عقل کامل عنایت گردیده است : کبوتر از همه پرنده گان بیشتر عاقل است، ابن عطیه فرموده است : که مور حیوان عاقل و هوشمند و دارای نیروی بویایی تیزی است ، و دانه ها را که جمع میکند آنها را دو تکه میکند تا که نروید توشه خود را به فصل زمستان جمع آوری می کند.¹ ﴿ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ﴾² « و به ما هر چیز دین و دنیا » از قبیل پادشاهی و ثروت داده شده .

امام زمخشری³ - رحمه الله - میگوید: منظور آن بسیاری از چیزی هایی است که به آنها ارزانی شده است چنان که گفته میشود: فلانی را هر کسی قصد میکند و او همه چیز را میداند هدف از این سخن بیان فراوانی کسانی است که نزد او به علت غزارت و فراوانی علم او میروند ،⁴ مثل این سخن هدهد از بلقیس است که : ﴿ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ ۲۳ ﴾⁵ « و به او هر چیزی داده شده است » خداوند متعال در این آیت سه نعمت بزرگ را که برای سلیمان - علیه السلام - ارزانی داشته بود بیان می فرماید:

1-تسخیر باد : ﴿ وَاسْلَيْمَانَ الرِّيحِ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ ۚ ۱۲ ﴾⁶ «ما برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که رفتار صبحگاهی آن مسافه یک ماهه راه و رفتار شامگاهی آن مسافه یک ماهه راه بود » یعنی آن باد در یک روز مسافه دو ماهه راه را طی مینمود . باد را برای

¹ . البيضاوي، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، ج 4، ص 157.

² سورة النمل / 16

³ محمود بن عمر زمخشری خوارزمی با کنیه ابوالقاسم لقب گرفته و شهرت یافته به جارالله زمخشری مفسر، زبان شناس، ادیب و خطیب بود که بر علوم گوناگون روزگار دانا بود ومولف پر اثر شمرده میشود. نقلا عن الاعلام الزركلي، ج 7، ص 178.

⁴ الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج 3، ص 352.

⁵ سورة النمل / 23.

⁶ سورة سبا / 12.

سلیمان مسخر کردیم که صبگهان تا موقع ظهر مسافه یک ماه را طی میکرد بعد از ظهر نیز مسافه یک ماه را.¹

2- جاری ساختن مس گداخته شده: ﴿وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ ۱۲﴾² «و برای او مس گداخته شده را روان ساختیم» که از آن ظرفهای گوناگون میساخت. «این امر امتیاز سلیمان - علیه السلام - بود، چنانکه آهن را برای پدرش داود نرم کرده بودیم آهن در دستان او همچو خمیر بود آن را به هر قالبی که میخواست در میآورد و بدون اینکه نیاز به گرم کردن یا چکش داشته باشد.³

ابن عباس⁴ - رحمه الله - در تعریف القطر میفرماید: معدنی از مس در سر زمین یمن بود بود که خداوند متعال آن را برای سلیمان - علیه السلام - به فوران در آورد بود تا هرطوری که دلش بخواهد از آن استفاده بوزد و آن را به اشکال مختلف در آورد و به اندازه نیاز از آن استفاده بوزد بعضی از علماء میگویند: احتمال دارد این معدن مس در یک منطقه آتش فشان واقع شده باشد.⁵

3- تسخیر جن: ﴿وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۱۲﴾⁶ «و مسخر ساختیم برایش گروهی از جن را که پیش روی او به حکم پرورد گارش کار میکردند» با توجه به آیات قرآن کریم که در مورد جاء و جلال حضرت سلیمان - علیه السلام - و تفاسیر که بیان صورت گرفت میتوان گفت الله متعال برای حضرت سلیمان - علیه السلام - نعمت های فراوان نصیب کرد و جاء و جلال بالای برخوردار بود و برایش هرچیز از دین و دنیا از قبیل پادشاهی و ثروت داده شده بود.

مبحث سوم: ویژه گی های حضرت سلیمان - علیه السلام -:

¹. بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی التفسیر کلام الرحمن، ج 7، ص 17.

². سورة سبا / 12

³. صابونی، محمدعلی، صفوة التفاسیر، ج 3، ص 509، الناشر: دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزیع - القاهرة . الطبعة 1، 1417 هـ - 1997 م.

⁴. عبدالله بن عباس (مختصراً ابن عباس) ملقب به ابوالعباس، حبر الامة (دانشمند امت) یابجر (اشاره به علم زیادش از حدیث) از بزرگترین محققان نسل اول امت اسلامی او پدر علم تفسیر قرآنی است، یکی از متخصص ترین کاتبان قرآن بود. نقلاً عن اعلام الزرکلی، ج 4، ص 95.

⁵. البداية والنهاية، ج 2، ص 28.

⁶. سورة سبا / 12.

برای یک رهبر حق، مسأله عدالت از مهم ترین ویژه گی هایی است که موجب عدالت گسترده و امنیت و سلامتی جامعه شده، و مردم را از دل بستگی هایی که موجب دوری از پرستش خداوند -جل جلاله - می گردد حفظ می کند، حضرت سلیمان -علیه السلام - درحال که دارای همه قدرت و مکانت بود، هرگز مغرور نشد و از دایره عدالت خارج نگردید، اگر چه دارای قصر های بلورین عالی بود، آن قصر ها را برای زنده گی مرفه خود نمیخواست، بلکه یک نوع اعجاز مقام پیامبری او در شرایط آن عصر بود ، تا همه را به سوی خدای یکتا و بی همتا جذب کند .

مطلب اول : سلیمان -علیه السلام - و جنیان و دیوان :

حضرت سلیمان -علیه السلام - از پیامبرانی بود که خداوند متعال او را بر برخی جن مسلط نموده بود، خداوند اجنه را به تسخیر سلیمان -علیه السلام - در آورده بود و سلیمان -علیه السلام - از آنها در امور کار می گرفت .

جن : نام مخلوق از مخلوقات خداوند - جل جلاله - است، که دارای اجسام و ذی روح هستند، و مانند انسان از عقل و شعور بر خوردارند، و از نگاه مردم پنهانند، بنا بر این ، جن بر آنها نام نهاده شده ؛ زیرا معنای لفظی « جن » مخفی و غایب است، آفرینش آنها از آتش است ، همانطور یکه غالب ماده آفرینش انسان از خاک است، در این نوع مخلوق ، مانند انسان مرد و زن وجود دارد ، و همچون انسان در آنها نیز سلسله توالد و تناسل برقرار است ، و ظاهر این است که در قرآن به اشار جنیان « شیاطین » گفته شده است ، وجود جن ها فرشتگان به دلایل قطعی قرآن و سنت ثابت است، و انکار آن کفر است .¹

حضرت سلیمان علیه السلام - علاوه بر انسانان به آنان نیز حکومت داشت. ﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَٰ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَا كَرَّ الشَّيَاطِينُ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا

1. المظهری ، محمد ثناء الله ، تفسیر المظهری ، ج 10 ، ص 79، الناشر: مكتبة الرشدیة - الباكستان، الطبعة: 1412 هـ، المحقق: غلام نبی التونسی .

شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۰۲ ﴿ ۱ ﴾ « و پیروی کردند آنچه را که میخواندند شیطانها در سلطنت سلیمان و کفر نکرد سلیمان بلکه شیطانها کافر شدند، می آموختند مردمان را جادو و پیروی کردند آنچه را که فرود آورده شد بر دو فرشته هاروت و ماروت بودند و آموزش نمیدهند آن دو هیچ کس را تا آن که میگویند جز این نیست که ما برای آزمایش هستیم پس کافر مشو ! پس یاد میگیرند از آنان افسونی را که جدایی می افکند به سبب آن در میان مرد و زن او، و نیستند آنان زیان رسانند به سحر هیچ کس مگر به ارداد خداوند و آنان یاد می گرفتند آنچه را زیان میرساند آنان را و سود نمیدهد آنان را و به تحقیق دانسته اند که هر کس بخرد سحر را نیست برای او هیچ بهره ای . و به تحقیق که بد چیزی است آنچه را فروختند به عوض آن خویشان را ، اگر میدانستند خود شان را از این کار باز میداشتند. » ﴿ وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ ۱۰۲ ﴾² « و پیروی کردند آنچه را که میخواندند شیطانها در سلطنت سلیمان . »

در باره عطف این آیه با آیه گذشته نحویان اختلاف نظر دارند :

1- بعضی گفته اند که عطف بر ﴿ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ ۱۰۱ ﴾³ است که تقدیراً چنین میشود ﴿ كَانَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ ۱۰۲ ﴾⁴

2- بعضی ها گفته اند که این جمله بر تمام مجموعه ی ما قبل خود راجع به بنی اسرائیل ، عطف است و این عطف قصه بر قصه است .

3- برخی گفته اند که عطف بر ﴿ وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ ۹۳ ﴾⁵.

قول سوم بعید است و راجع ترین قول ، سخن اول است .

﴿ وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ ﴾⁶ - طبق توجیه اول در تعیین معطوف علیه این جمله ، ضمیر مستتر در « اتبعوا » راجع به « الذین اتواالکتاب » است یعنی آنان که تورات داده

1 . سوره بقره / 102 .

2 . سورة البقره / 102 .

3 . سورة البقره / 101 .

4 . سورة البقره / 102 .

5 . سورة البقره / 93 .

6 . سورة البقره / 102 .

شدند، آن پس پشت انداختند و دنبال سحر و جادو گری و طلسم رفتند که برای شان نفع مادی به دنبال داشت و گفتیم که توجیه صحیح همین است .

طبق توجیه دوم مرجع ضمیرگروهی از یهود هستند که در زمان سلیمان – علیه السلام – می زیستند و به آموختن سحر و جادو. یا یهودیان معاصر رسول الله – صلی الله علیه السلام – که به این امر متعقد بودند اما از ظاهر آن چنین استنباط میشود که بیان عمومی است و منظور از «هُم» مستترا در «اتبعو» است، تمام یهود میباشد. مراد از «اتباع» که به معنی پیروی است در اینجا، یعنی آنان به جای آوردن به آیات الهی که نفع گسترده و معنوی و آخروی داشت ، آنان متوجه علوم شدند که توسط شیاطین ارایه می شد و آنچه که از رموز سحرآمیز و افسون و جادوگری های خیره کننده و فریبنده بود که نتیجه اش شرک و کفر بود. «تتلوا» فعل مضارع به معنای ماضی و مشتق از تلاوت که در اصل به معنای خواندن یک چیز است اما به معنای پخش و نشر و همچنین اقتدا و پیروی کردن هم به کار میرود .¹

درینجا هر سه معنی مطابقت میکند به معنای اول ، یعنی : متوجه چیزهای شدند که شیاطین قراءت میکردند و می خواندند، از قبیل جملات و سخنان سحرآمیز،

معنای دوم : یعنی متوجه چیزهای شدند که شیاطین نشر و پخش میکردند .

معنای سوم : یعنی متوجه چیزهای شدند که شیاطین از آنها پیروی میکردند ، در هر سه صورت منظوری روی آوردن به سحر و جادو است که کار شیاطین بود.

منظور از شیاطین نزد متکلمان معتزلی ، شیاطین انس هستند که علم سحر و جادو را یاد گرفته و به دیگران یاد میدادند.

نزد اکثر علمای منظور، جن و رفقای آنان از میان انس هستند.²

قراءت در « شیاطین »: در قراءت سبعة ، این کلمه با ی خوانده شده است: « شیاطین » اما حسن بصری و ضحاک با و خوانده اند « شیاطون » سیدالوسی تذکر داده است که این قراءت شاذ و حتی لحن خطا است در « لکن » نیز چنین اختلافی است ابن کثیر و نافع وابوعمر و

2. ملازمی ، مولانا محمد عمر ، منز الحکیم تقاریر مثنای العظیم ، معروف به (تبیین الفرقان) ج 3 ، ص 92 ناشر: فردوسی ، مشهد. طبعه: 1380 ه تحقیق : محمد سلیم آزاد..
2. آلوسی ، شهاب الدین محمود، روح المعانی ، ج 1 ، ص 459.

وعاصم به تشدید نون « و لکن » و نصب نون در « الشیاطین » خوانده اند ابن عامر و حمزه و کسانی که به تخفیف نون خوانده « و لکن » و رفع نون در « الشیاطین »¹

﴿عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۱۰۲﴾² آنچه شیاطین انس و جن در روز گارسلطنت سلیمان میخواندند یعنی : به هم مییافتند از سحر و مانند آن پیروی کردند.

گفتیم که منظور از شیاطین درآیه نزد جمهور علما و مفسران جن ها هستند. آنها بودند که علم سحر و جادو را برای انسانها آموختاندند و این در زمان حضرت سلیمان - علیه السلام - بود در روایتی از سفیان بن عیینه و ابن جریر از حضرت عباس - رضی الله عنه - که حاکم نیز آن را صحیح گفته است در زمان حضرت سلیمان - علیه السلام - جن ها مسخرایشان شد و در جلسات او و سایر مردم بطوری عادی شرکت میکردند آنها گاهی از ملائکه های آسمان میشنیدند به چیزی هایکه آنها در امور تکوینی می گفتند، گوش قرار میدادند ، و بعد این سخنان دم بریده و ناقص را با انسانهایی که طرف مجالست آنان بود بیان میکردند این مطالب بسیاری را تحت تاثیر خود قرار میداد. و دیگر اینکه جن ها خود مطالب دروغ را خود به آنها می آمیختند و همه را برای مردم به عنوان سخنان آسمانی به مردم میگفتند مردم هم آنها را به عنوان علوم مرموز داری اثرات فوق العاده در کاغذ ها ثبت میکردند . وقتی حضرت سلیمان - علیه السلام - به این موضوع آگاهی یافت ، دستور داده ی آن کاغذها را جمع کند ، او آنها را زیر کرسی خود پنهان کرد تا بعد مورد بررسی قرار دهد و مطالب دروغی را از حقیقی دور سازد یا آن را همیشه از اختیار مردم دور نگاه کند وقتی آن حضرت فوت نمود ، این علوم مرموز همچنان زیر کرسی او ماندند . شیاطین جن مردم را تشویق کردند که آن علوم را بیرون بیاورند و به آنها گفت که سلیمان به وسیله همین علوم به این قدرت و سلطنت رسیده است او نبی نبود و به وسیله نبوت این همه را بدست نیآورده چنین شد که سحر در میان مردم رواج یافت . در روایت دیگری آمده است که علم سحر به حضرت سلیمان داده شده بود و آن حضرت دستور داده بود که آن را یکجا نوشته و در زیر کرسی او دفن نماید تا کسی از آن سوء استفاده نکند، شیاطین از فرصت استفاده نموده و بسیاری سخنان منفی دیگر را به آن اضافه نمودند اما این روایت ضعف دارد روایت اول صحیح است.³

1. الجوزي ، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن ، زاد المسير ، ج 1 ، ص 122 ، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت . الطبعة: الأولى - 1422 هـ . المحقق: عبد الرزاق المهدي.

2. سورة البقره /102.

یهود بر این پندار بودند که دانش سلیمان - علیه السلام - همان سحر بود و اوسحر و جادو را اجازه داده و با آن موافق بوده است ، چنان که محمد بن اسحاق در بیان سبب نزول آیه نقل میکند : برخی از دانشمندان یهود گفتند : آیا از محمد در شگفت نیستید که میپندارد که سلیمان پیامبر بود؟ به خدا سوگند که او جادوگر بیش نبود ! پس خداوند متعال این پندارشان را رد کرده و فرمود: ﴿ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا ۗ ۱۰۲ ﴾^۱ این آیه کریمه برای اثبات براءت حضرت سلیمان - علیه السلام - از تعلیم و تعلم سحر آورده شده است ، یهود به حضرت سلیمان - علیه السلام - سحر را نسبت دادند، در حالی که سحر یک کار کافرانه است . و آنحضرت - علیه السلام - نبی خدا بود و از کفر به دور. خداوند متعال میفرماید که سلیمان با دست زدن به سحر کفر نکرده است، بلکه این شیاطین بودند که سحر را رواج دادند و کافر شدند تعبیر سحر به کفر کنایتاً است چون سحر موجب کفر میشود. ولکن برای رواج دهند گان حقیقی سحر آمده است. ﴿ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ ۗ ۱۰۲ ﴾^۲ « ولی شیاطین کفر ورزید که به مردم سحر میاموختند. »

﴿ وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكِ بْنِ بَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ ۗ ۱۰۲ ﴾^۳ « یعنی اما سران یهود همانطوریکه از سحر پیروی کردند ، از آنچه به دو فرشته به نام هاروت و ماروت در سر زمین بابل نازل شدند پیروی کردند » خداوند متعال برای آزمایش مردم آن دو را فرستاد فرمود. ﴿ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۗ ۱۰۲ ﴾^۴ « در حقیقت این دو فرشته به مردم میگفتند آنچه که به تو یاد داده میشود سحر است و خداوند به این طریق شما را آزمایش می کند، بنابر این آن را برای ضرر رساندن به مردم به کار نگیرید » سپس سحر را برای مردم یاد میدادند، آن دو فرشته به مردم گفتند : هر کس که سحر را برای دفع ضرر به مردم به کار ببرد رستگار است، و هر کس به منظور ضرر و صدمه رساندن به مردم آن را بیاموزد، نابود و گمرا میشود، خداوند متعال میفرماید: ﴿ فَيَعَلِّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ ۱۰۲ ﴾^۵

۱. سورة البقره / 102 .

۲. سورة البقره / 102 .

۳. سورة البقره / 102 .

۴. سورة البقره / 102 .

۵. سورة البقره / 102 .

« یعنی آنها علم سحر را میاموزند به گونه که زن و شوهر را از هم جدا میسازند؛ یعنی محبت و سازگاری آنها را به ناسازگاری و جدای مبدل میسازد ، زیرا سحر، در افگندن حب و بغض در دل ها، یکجا کردن ، و پراکنده ساختن و نزدیک ساختن ، و دورساختن دارای تأثیری است ، ابن کثیرمیگوید که : سبب تفرقه انداختن میان زن و شوهر به وسیله سحر؛ همان تخیلی است که بر اثرسحر در مرد و زن نسبت به دیگری به وجود میاید، همچون زشت جلو دادن سیما و قد و اندام ، یا زشت نشان دادن رفتار او، یا مانند این اسباب برانگیزه فرقه و جدایی .¹ در حدیث شریف آمده است: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ان ابليس يضع

عرشه على الماء، ثم يبعث سراياه ،فادناهم منه منزله اعظمه مفتته ،يجيء احدهم فيقول :فعلت كذا وكذا ، فيقول : ما صنعت شيئا ،قال ثم يجيء احدهم فيقول : ماتركته حتى فرقت بينه وبين امراته ، قال فيدنيه منه ويقول: نعم انت " ² رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود:

شیطان تخت خویش را بر آب نهاده سپس لشکریان خود را در میان مردم میفرستد و نزدیک ترین آنان از نظر مقام و منزلت نزد وی، بزرگترین آنان در فتنه انگیزی است . یکی از آنها میاید و میگوید با فلان کسی در آویختم تا او را درحالی ترک کردم که چنین و چنان میگفت ابلیس می گوید نه تو بخدا کدام کاری نکردی ! آنگاه یکی دیگری از آنان میاید و میگوید : فلان شخص را ترک نکردم تا آن که میان او و همسرش جدایی افگندم! پس ابلیس او را به خود نزدیک ساخته و در آغوش میگیرد و می گوید: آری ! این توهستی که واقعاً کاری کرده ای .

﴿ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ ﴾³ « یعنی نمیتوانند با به کار بردن سحر، به کسی ضرر برسانند مگر آنکه خداوند بخواهد سحر دارای تأثیر است، ولی فقط بر کسی تأثیر زیان بخش می گذارد که خداوند-جل جلاله - درتائیر آن به وی فرمان داده باشد.»

سوال - از این جمله معلوم میگردد که همه این کارهای مضر و منفی سحر و شیطاین به اذن الله بوده است. اذن الله دلیل بر رضای او تعالی به آن کار است . این چطور درست میاید که بپذیریم خداوند به کار های سحر آمیزساحران راضی بود و خود به آنان اذن داده است در

¹ ابن کثیر ، أبو الفداء إسماعیل بن عمر ، تفسیر ابن کثیر ، ج 1 ، ص 363 ،

³ صحیح المسلم ، کتاب : صفه القیامه والجنه والنار ، باب تحریش الشیطان وبعثه وسراياه لفتنه الناس وان مع کل انسان قرینا .

شماره حبیب (2813) ج 4 ، ص 2167 .

³ .سورة البقره /102 .

حالی که به صراحت ثابت است و عقیده داریم که خداوند متعال هرگز به کفر بنده گان راضی نیست و به آن دستور نمیدهد؟

جواب: این اشکال در مورد آیه به سه طریق جواب داده شده است:

1- منظور از باذن الله این نیست که او تعالی دستور به این کار داده بود. خداوند متعال خالق همه چیزها است؛ مثبت باشد یا منفی، نافع باشد یا ضار مثل سحر. اما از طرف بنده گان به عمل بر چیزهای خوب راضی شده و به آن امر میفرماید و از کارهای بد و مضر ناراض میشود و به شدت منع میفرماید. به این همه به زور کسی ره نه وادار به کاری میکند و نه از آن باز میدارد. و به او عقل و قدرت و اختیار داده تا خود یکی از دو کار را انتخاب کند. سحر نیز از قبیل کارهای کفرآمیز است. اما اثر آن ذاتی و مستقل نیست، بلکه به اذن الله است. بنا بر این منظور از آیه، اولاً تخلیه بین مسحور و ضرر سحر است که هرکس چنین کاری کند راهش باز است و خداوند به زور از آن باز نمیدارد، و ثانیاً بیان این مطلب است که کارها و پدیده مضر هم آفریده خداوند متعال هستند و بدون اذن او هیچ چیزی اثر نخواهد داشت و این مذهب سلف در تمام اسباب و مسببات است.

2- «باذن الله» به معنای ظاهری خود است. اما منظور از اذن و امر در اینجا، اذن و امر تکوینی است، نه تشریحی. یعنی خداوند برای ساحران اذن شرعی نداده که این کار را بکنند یا اجازه دارد که چنین کند، بلکه در شریعت الهی این کار کفر و حرام است. اما در قلمر و تکوین، این قدرت برای انسان از طرف خداوند متعال نوشته شده و ثابت است. او مجبور محض نیست که کار بد را نکند. اختیار دارد، اگر میکند از طرف خداوند متعال این قدرت را دارد. آن ساحر با به کار بردن این قدرت عطا شده از جانب الله - جل جلال له - دست به این کارهای مضر میزند.¹

3- منظور از اذن در اینجا علم است. یعنی آنان هر کاری میکردند، در علم خداوند متعال قبلاً وجود داشته و میدانسته که آن ساحران چنین کارهای خواهند کرد که او تعالی دانا به تمام حالات و کارهای بندگان است.² ﴿وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ﴾³ میفرماید: آنان از بس احمق و بی عقل بودند، به جای اینکه به علوم نافع و سازنده رو آوردند، علمی

¹. الوسی شهاب الدین محمود، روح المعانی، ج 1، ص 468.

². الوسی، شهاب الدین محمود، همان مرجع، ج 1، ص 469.

³. سورة البقره / 102.

را فرا گرفتند که صد درصد به ضرر آنها تمام میشد و هیچ نفعی از آن عاید شان نمی شد. یعنی به سبب فراگیری، متضرر میشوند نه متافع. این بخش آیه به این حقیقت صراحت دارد که سحر برای صاحب خود سودی در بر ندارد و نفعی به وی نمیرساند بلکه در واقع برای وی زیان محض است، ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ ۚ﴾¹ یعنی یهود که که کتاب خداوند را کنار گذاشته و آن را با سحر مبادله کردند، دریافتند که نه از مهر رحمت خداوند سهمی دارند و نه از بهشت، چون سحر را نسبت به کتاب خداوند متعال ترجیح دادند.

﴿وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۚ﴾² اگر دارای درک فهم و شعور میبودند میدانستند که خود را به چیزی زشت فروخته اند. بد است آنچه که در مقابلش خود شان را فروختند، «شراء» در اینجا به معنی بیع است آنان عاقبت و نتیجه ی خوب خود شان را در آخرت که قبول آیات الهی و عمل بر آنها تضمین می کرد، فروختند و در مقابل آن عمل بر الفاظ و مطالب سحر را خریدند و کافر شدند.³

دیوهای سرکش :

﴿وَأَخْرَيْنَ مُفْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾⁴ و از دیوان را نیز برایش مسخر کردیم که دست و پاه به هم بسته در زنجیرها بودند، این بخشش ما است آن را ببخش یا برای خود نگهدار « آنها دیوان متمرّد و نافرمان بودند که از کار سر باز زده، یا درکار خود خلاف و تجاوز میکردند آن دیوان نیز رام و مسخر سلیمان – علیه السلام – گردانیده شدند تا بدانجا که او آنان را در زنجیرها به هم بسته میکردند.⁵ «مُفْرَنِينَ» بسته شده به همدیگر «الْأَصْفَادِ» جمع «صفد» زنجیر. و مقصود از بستن این نوع جن ها یکی حفاظت مردم از شر آنها. و دیگر نگهداشتن آنها از گریز و فرار بود.⁶

سحر در لغت :

¹ همان.

² سورة البقره/102.

³ الصابوني، محمد علی، صفوه التفاسیر، ج 1، ص 150.

⁴ سورة ص/38

⁵ هروی، عبدالرؤف مخلص، تفسیر انوار القرآن، ج 2، ص 347.

1- سحر امر غریب یشبه الخارق و لیس به : سحر پدیده عجیب است که با امور خارق العاده شباهت دارد اما در حقیقت خارق العاده نیست.¹

2- السحر کل ما لطف ماخذ و خفی بسبه : سحر عبارت از علم و اثری است که ماخذ و سبب آن بسیار لطیف و مخفی بوده و به ساده گی و با آلات ظاهری قابل شناسایی و درک نباشد ،
2

3- السحر خارق للعاده یظهر من نفس شریرة بمباشرة اعمال مخصوصة : سحر امر است خارق العاده که از یک نفس شریر در اثر ارتکاب اعمال مخصوص سر زد و ظاهری گردد این تعریف است که طبق نظر جمهور ارایه شده و بسیار جامع و کلی است.³

سحر در اصطلاح :

سحر در اصطلاح قرآن و حدیث به یک معنای کلی بیان شده است هر آن عملی که در اثر استعانت به جن و شیاطین و ارواح خبیثه از آدمی صادر گردد، سحر است به عبارت دیگر هر عمل که به روش فسق استعانت از اجنه، فسق است انجام گیرد سحر است.⁴

تاریخچه سحر:

به نظر بعضی محققان سحر در زمان حضرت ادریس - علیه السلام - به وجود آمد و رفته رفته رواج و شیوع یافت ، اما برخی دیگر نظر به این است که شروع علوم سحر آمیز بعد از حضرت ابراهیم - علیه السلام - و از سرزمین بابل پیدا شد این علوم تا زمان حضرت سلیمان - علیه السلام - به اوج خود رسید در این زمان علم و عمل بسیاری از یهودیان تماماً بر سحر و جادو استقرار یافت و به طور کلی کتاب سماوی را به کنار گذاشت یهودیان در این دوره از زمان که ادوار ما بین حضرت موسی - علیه السلام - تا حضرت سلیمان - علیه السلام - در بر میگرفت ، سحر را با معجزه یکی پنداشته و هر دو را به یک چشم می نگریند ، به طوری که ساحران افرادی صاحب معجزات و کرامات تصور میشده ، و

2. آلوسی ، شهاب الدین محمود ، روح المعانی ، ج 1، ص 468

3. الرازی، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، تفسیر کبیر ، ج 1 ، ص 205. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت. الطبعة 2: 1420 هـ

3. آلوسی ، شهاب الدین محمود ، روح المعانی ، ج 1، ص 460.

5. شفیع ، حضرت مولانا مفتی محمد ، معارف القرآن ، ج 1، ص 359، ناشر: مکتبه حقانیه محله جنگی پشاور ، سال چاپ : 1389

ترجمه : مولانا محمدیوسف حسین پور.

در اجتماع ارج و منزلتی فوق العاده یافت بودند ، نزول ملکین در انتهای همین دوره بود که ،
بنی اسرائیل در اعتقاد به شعبده

های شیطانی سحر، رسوخ و به آن باور محکم پیدا نمود بودند¹

فرق سحر با معجزه -

سحر پدیده منفی است و با معجزه هیچ نزدیکی ندارد، مگر اینکه مانند معجزه به ظاهر خارق العاده است خارق العاده در چند مواردی با آن خارق العاده تفاوت بنیادی دارد که عبارت انداز: معجزه مختص انبیاء - علیهم السلام - است که مدعی نبوت است و معجزه آنان دلیلی بر صحت دعوی آنان به حساب می آید ، بعد از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - پیامبری دیگری نخواهد آمد، بنابر این در این امت تشخیص ساحرانی که با خرق عادت ها دعوی نبوت میکند هم ساده است.² عجایب و غرایب که از طرف مدعی صادر میشود، استدراج بوده و جز معجزه و کرامت نیست، همچنین معجزه از بهترین و برگزیده ترین افراد روی زمین صادر شده است که ارتباط شان با خداوند متعال و فرشته گان بود، اما سحر از خبیث ترین افراد سر زده میشود که ارتباط شان با شیاطین و ارواح خبیثه است.³ به همین ترتیب، منبع معجزه، فوق سبع سماوات است، اما منبع سحر زیر آسمان و در روی زمین است. معجزه هدایت گر و سازنده است ، اما سحر گمرا کننده و مضر است و هدف ساحر از آن جلب نفع دنیوی برای خود است.

حکم ساحر-

در این مورد شریعت قاطعانه حکم میکند⁴ در دید گاه مذاهب اربعه اهل سنت ، ساحراگر مشغول سحرهایی است که حالات باطنی مردم را تغیر داده و آنان را به سرحد کفر میرساند

1. ابوبکر ، أحمد بن علي الرازي، احكام القرآن ، ج 1 ، ص 61 ، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، 1405. تحقيق : محمد الصادق قمحاوي.

2. القرطبي ، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر ، تفسير قرطبي ، ج 1، ص 47.

3. موسوعه الاجماع في الفقه الاسلامي ، ج 2 ، ص 554 ، طبعه دمشق ، دار الفكر ، 1149هـ ، 1999م.

4. از عبدالله بن مسعود روایت است که آن حضرت فرمود : هر که نزد ساحر یا کاهن رود و به آنچه که آنان میگویند ایمان داشته باشد محققاً بر آنچه که بر محمد نازل شده کفر ورزیده . (معجم کبیر الطبرانی : 76/1 ، ح 10005 ، معجم اوسط الطبرانی : 397/1 ، ح 1453 ، سنن کبرای بیهقی 241/12 ، ح 16965 و 16964 ، واز حضرت ابوموسی اشعری -رضی الله عنه روایت است که رسول- صلی الله علیه وسلم - فرمود : به جنت نمیرود معتاد شراب خور و مومن به سحر و قاطع رحم ، (صحیح ابن حبان با ترتیب این بیان : 484/5 ، کتاب الکنانه والسحر - طبع بیروت ، دار الفكر ، 1417 هـ 1996 م. از این روایات حکم خود ساحر به روشنی ثابت

1. میشود، در روایتی از جندب -رضی الله عنه - این حکم قاطع به این الفاظ آمده است: « حدالساحر ضربة بالسيف » یعنی سزای ساحر ضربه شمشیر است ! (سنن ترمذی : ابواب الحدود /باب : ماجاء فی حد الساحر) و یادآوری کرده که سند حدیث مرفوع ضعیف است و صحیح و موقوف آن است و عمل بسیاری از صحابه به همین حکم بوده است . (محققان در این حکم اجماع را ثابت کرده اند. « موسوعه الاجماع في الفقه الاسلامي : 554/2.

، اگر زن است مانند ، مرتد ، باید زندان شود تا توبه نماید و اگر مرد است ، باید قتل شود ، چنانچه سحراش منجر به قتل نفس می گردد ، زن باشد یا مرد حکم اش مانند قطاع طریق « رهنان » است و باید قتل شود.¹

اقسام سحر-

ابن کثیر از عبدالله رازی ذکر میکند که می گوید: سحر به هشت نوع است :

1- سحر دروغ پردازانی که ستارگان سیاره هفت گانه را می پرستیدند و بر این باور بودند که این ستاره گان، گردانند کار عالم و آورنده خیر و شریستند ، همین بود که خداوند متعال برای باطل شدن عقیده شان حضرت ابراهیم - علیه السلام - به میان شان فرستاد.

2- سحرکسانی که قدرت تلقین و القای نیرومند دارند زیرا نفس ها به او هام گردن نهاده و از تلقین تاثیر میپذیرد.

3- نوع دیگری از سحر؛ یاری خواستن از ارواح زمینی ، یعنی جنیان است ، جنیان بر دو قسم است : جن مومنان و جن کفار که شیاطین هستند بر قرار کردن ارتباط با این ارواح زمینی ، آسان تر از بر قرار کردن ارتباط با ارواح آسمانی است زیرا میان آنها مناسبت و نزدیکی وجود دارد.

4- نوع دیگری از سحر؛ تخییلات و شعبده بازی و چشم بندی است ، برخی از مفسران بر آنند که سحر سحران فرعون از این نوع بود.

5- نوع دیگر از سحر؛ کارهای شگفت انگیزی است که از ترکیب آلات و ابزار بر نسبت های هندسی پدیدار میشود ، از جمله تصاویر است که هندیان و رمیان صورت نگاری میکنند ، به طوریکه ببیند که میان آنها و میان انسان هیچ فرق نمیگذارد . برخی دیگر از مفسران بر آنند که سحر فرعون از این نوع بود.

6- نوع دیگر از سحر یاری جستن از خواص ادویه در غذاها و رنگ ها است ، آری ! تاثیر خاصیت های اشیا انکار ناپذیر است ، چنان که تاثیر نیروی مقناطیس و آهن ربا ملموس و غیر قابل انکار میباشد.¹

2. برای اطلاع بیشتر از مذاهب اربعه در این مورد : بیان جامع علامه ظفر احمد عثمانی در « احکام القرآن » 1(قسمت اول) /40/الی 43+تفسیر ابن کثیر : 147-148/1+ تفسیر کبیر : 215/ 3+ تفسیر قرطبی : 47/2الی 49. الفقه علی مذاهب الاربعه 373/5: به بعد.

7- نوع دیگر از سحر؛ تاثیرگذاری روانی است ، بدین گونه که – مثلاً- ساحر ادعا میکند که اسم اعظم را میداند و جن به فرمان وی است، پس اگر شنونده کم خرد باشد ، این سخن را باور کرده و قلبش بدان متمایل میشود ، لذا در روان وی نوعی از ترس پدیدار میشود و چون خوف آمد، نیروی حواس ضعیف میشود ، در این هنگام است که ساحر هرچیزی بخواهد میتواند با وی انجام دهد.

8- سحر با سخن چینی و دو به هم زنی از راه ظریف و نیرنگبازانه است ، که این نوع سحر، میان مردم شایع میباشد. ابن کثیر اضافه میکند : دلیل اینکه بسیاری از این انواع در فن سحر بر شمرده شده اند ، این است که : درک و دریافت آن بسیار ظریف است زیرا سحر از نظر لغوی عبارت از چیزی است که پنهان باشد.²

روش دفع و معالجه سحر:

1- طبق ارشاد احادیث نبوی موثرترین راه علاج سحر زده گی، خواندن معوذتین و آیه الکرسی و دم زدن بر بدن است چون در حدیث آمده است که سحر زده گی رسول خدا با خواندن معوذتین از بین رفت.³

2-دعایی دیگر توسط « قعقاع بن حکیم » از حضرت کعب احبار- رحمة الله - روایت شده و امام مالک - رحمة الله - در موطای خویش نقل نموده است . کعب احبار که از بزرگان و علمای یهود بود و بعد مسلمان شدن میگوید : یهود اگر دست شان میرسید ، میتوانستند مرا به سبب مسلمان شدنم تبدیل به الاغ نمایند ! اما من مثل خود شان زرنگ هستم و دعای را بدم که هر روز صبح و شام آنرا میخوانم و دست بر تمام بدن می مالم . این دعا مرا حفظ می نماید و هیچ سحری از آنان بر من کار نمیکند . امام مالک این دعا را به سند خویش چنین ثبت کرده است : « اعوذ بوجه الله العظيم الذی لیس شیء اعظم منه، و بکلمات الله التامات التي لا يجاوزهن برؤا فاجر، و باسماء الله الحسنی كلها ما علمت و ما لم اعلم ، من شر ما

¹ . ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظيم ، ج 1 ، ص 367.

² . ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظيم ، ج 1 ، ص 367.

³ . جلال الدین السیوطی ، عبد الرحمن بن أبی بکر، الدر المنثور ، ج 6 ، ص 417. الناشر: دار الفكر – بیروت . عدد الأجزاء: 8.

خلق و برأؤنراً.»¹ علاوه بر این دعاء طبق ارشاد احادیث موثرترین راه علاج سحر زده

گی، خواندن معوذتین و آیه الکرسی و دم زدن بر بدن است.²

3- البته یک تجربه ی عملی نیز نقل شده که طبق توضیح « قرطبی » بدین قرار است: هفت برگ درخت سبز چنار را در میان دو سنگ خوب ساییده و در ظرف پر آب بریزید. بعد آیه الکرسی را یک مرتبه، سه مرتبه، یا پنج مرتبه، یا هفت مرتبه بخوانید و در آنها دم کنند. مسحور از آن آبها سه بار بر بدنش بریزد و با آن غسل نماید. این حکمت عملی از ابن وهب - رحمة الله - روایت شده و آن طوری که علامه قرطبی گفته، کاریست بسیار مجرب و در دفع سحر و نیز برای کسی که در اثر سحر قادر نیست با همسرش جماع کند³

با توجه به آیات قرآن کریم و آنچه که بیان شد که حضرت سلیمان - علیه السلام - از جمله پیامبر بود که جنیات از او اطاعت میکردند و دیوانها همچنان به زنجیرها بسته بودند تا به دیگران ضرر نرساند و اینکه حضرت سلیمان - علیه السلام - هیچ وقت از طریق سحر به پادشاهی نرسیده بود بلکه همه از نعمت های بود که الله متعال برای سلیمان - علیه السلام - عطا کرده بود.

مطلب دوم: اطاعت جنیان از حضرت سلیمان - علیه السلام -:

جنیان از جمله مخلوقات خداوند متعال هستند که از حضرت سلیمان - علیه السلام - اطاعت میکردند الله متعال میفرماید: ﴿وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِعُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ۱۲﴾⁴ «برایش گروه از جن را که پیش روی او به حکم پرور دگارش کار میکردند، و هرکس از آنها که از فرمان ما سرپیچی میکرد او را از آتش عذاب سوزان می چساندیم»، ﴿وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ ۱۲﴾ «این جمله متعلق به سخرنما محذوف است، و معنایش این است که ما گروهی از جنها را برای حضرت سلیمان مسخر گردانیدیم

1. موطا مالک، کتاب جامع، باب: ما یومر به من التعود عند النوم. شماره حدیث (3502) ج 5، ص 1388،
2. جلال الدین السیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، ج 6، ص 417-418 در باره آیت الکرسی آمده که فرار دهنده شیطان است. همان، ج 1، ص 326-327.
3. القرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن ابی بکر، تفسیر القرطبی، ج 2، ص 49-50.
4. سورة سبا / 12.

، تا برای او کار کنند ، از اضافه کردن عبارت ﴿بَيْنَ يَدَيْهِ﴾¹ یعنی: ، در نزد او، شاید اشاره به این است ، که تسخیر جنیان برای حضرت سلیمان – علیه السلام – مانند تسخیر خورشید و ماه برای انسان که در قرآن کریم آمده است نیست ، بلکه این تسخیر چنان است که جن ها خدمتی را که به آنها تفویض شده بود مانند خدمتگذار انجام میدادند².

– بعد از آن علت کمال تسلیم و اطاعت آنها را از سلیمان – علیه السلام بیان میدارد: ﴿وَمَنْ

يَزِعُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾³ « و هر کسی از آنها که از فرمان سر پیچی میکرد او را از عذاب آتش سوزان میچشانندیم ». بیشتر مفسرین این عذاب را عذاب جهنم در آخرت مراد گرفته است ، بعضی فرموده اند که در دنیا هم خداوند متعال یک فرشته مسلط کرده بود که اگر هر جنی از اطاعت حضرت سلیمان – علیه السلام – کوتاهی میکرد او را با تازیانه آتشین می زد و مجبور مینمود که کارش را انجام بدهد. جایی برای این شبهه باقی نماند که جن ها خود از آتش آفریده شده اند ، آتش چگونه برای آنها موثر می افتد، زیرا که مراد از آفریده شدن جن ها از آتش همانطور است که آفریده شدن انسان از خاک است، یعنی عناصر غالب وجود شان خاک است، ولی اگر با سنگ و کلخی زده شود آسیب ، می بینند ، هم چنین عنصر غالب جن ها آتش است ، ولی از آتش خالص و سوزاننده می سوزند

4

« يَزِعُ » منحرف میشد، سرپیچی میکرد، از « زَاعٌ، يَزِيعُ، زَيْعًا » « عَنْ أَمْرِنَا » از فرمان ما که به زبان سلیمان جاری میشد. مقصود از « عَذَابِ السَّعِيرِ » در اینجا عذابی مانند دوزخ است، یعنی در صورت تخلف از فرمان سلیمان، توسط ملائکه عذابی همچون آتش سوزان بر آنها وارد می شد لذا از بیم این عذاب آنها توان تخلف و سرپیچی را نداشتند . و یا اینکه مقصود از « عَذَابِ السَّعِيرِ » عذاب دوزخ مراد است، یعنی متخلفان از فرمان خود را در قیامت از عذاب دوزخ می چشانیم⁵.

مطلب سوم : کارهایی که جنیان به حضرت سلیمان – علیه السلام – انجام میدادند :

¹ .سوره سبا / 12.

² . شفیع ، مولانا مفتی محمد ، تفسیر معارف القرآن ، ج 6، ص 562

³ .سوره سبا / 12.

⁴ . شفیع ، مولانا مفتی محمد، تفسیر معارف القرآن ، ج 6 ، ص 564.

⁵ . بدخشانی ، محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ، 7، ص 17.

خداوند متعال نعمت هایی گوناگون بزرگی به حضرت سلیمان - علیه السلام - نصیب کرد و لشکر مرکب از جن و انس داشت ، جنیات برای حضرت سلیمان - علیه السلام - کارهای را انجام میدادند از جمله کارهاییکه انجام می دادند خداوند متعال در مورد آن میفرماید: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ۱۳﴾¹ « آنها هرچه سلیمان میخواست برایش درست میکردند، معبدها، تمثالها ، ظروف بزرگ غذا مانند حوضها ! و دیگهای ثابت » که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود ، و به آنها گفتیم ای آل داوود شکر این همه نعمت ها را بجا آورید، اما عده کم از بنده گان من شکرگزار اند.» ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ ۱۳﴾² « اجنه برای حضرت سلیمان - علیه السلام - قصور و کاخ های بلند و با شکوه میساختند ، هرچه را که سلیمان میخواست از عبادتگاه ها و قصرهای مستحکم . ﴿تَمَاثِيلَ ۱۳﴾³ « و از مس و شیشه مجسمه های عجیب و حیرت انگیز برای او میساختند»

حسن بصری⁴ - رحمه الله - : گفته است: که در آن ایام مجسمه حرام نبود، و در شریعت ما بمنظور جلوگیری از پرستش غیر خدا حرام شد. ﴿وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ ۱۳﴾⁵ « ظرفهای بزرگ و حوض مانند برای او میساختند»

ابن عباس - رحمه الله - گفته است: ﴿كَالْجَوَابِ ۱۳﴾¹ « یعنی: حوض مانند» ﴿وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ ۱۳﴾² دیگ های بسیار بزرگ و نصب و ثابت شده که به سبب بزرگی و ضخامتشان از یکجا به جا دیگر انتقال داده نمی شدند.³

¹ . سورة سبا / 13.

² . سورة سبا / 13.

³ . سورة سبا / 13.

4 . حسن بصری ، شهرت حسن بن ابو الحسن یسار ، متکلم ، مفسر ، محدث ، واعظ ، فقیه ، یکی از هشت زاهد معروف قرن اول و دوم است وی به امام تابعین ، سید التابعین و شیخ الاسلام ملقب ، استادهای بسیار داشت که معروف ترین آن ، انس بن مالک ، عبدالله ابن عباس و غیره . نقلا عن اعلام للزرکلی، ج 2، ص 226.

⁵ . سورة سبا / 13.

« مَحَارِيبَ » جمع « محراب » در اصل عمارات مرتفع و بلند را گویند، بعد از آن بر عبادتگاه های مخصوص اطلاق شده . پادشاهان و مردمان بزرگ که برای خود اتاق ریاست درست میکنند بدان محراب گفته میشود و لفظ محراب از حرب مشتق است . کسی که سرای خاص به خود بسازد از دست دیگران محفوظ نگه میدارد ، و اگر کسی به آن تعرض کند با او به جنگ بر میخیزد ، بنا بر آن منا سبت های آن قسمت خاص مکان را محراب می گویند ، در مساجد جای قیام امام را هم بنا بر این امتیاز ، محراب می گویند . گاهی از خود مسجد به محاریب تعبیر میشود ، مراد از محاریب بنی اسرائیل در گذشته یا محاریب صحابه در عهد اسلامی مساجد می باشند⁴. « تمثال ها » تمثیل : هر چیزی است که به صورت نقش و نگار شده باشد ، چه از شیشه چه از سنگ رخام و غیره ، به قولی : این تمثالها و تصاویر عبارت از تصاویر پیامبران ، فرشته گان ، علما و صالحان ، بود . گفته شده که صورت نگاری در شریعت حضرت سلیمان - علیه السلام - مباح بود اما این کار در شریعت پیامبر ما حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - منسوخ گردیده است در حدیث شریف آمده است : سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول : « **إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمَصُورُونَ** »⁵ . سخت ترین مردم از روی عذاب در روز قیامت صورت نگاران است . ابن حجر عسقلانی در فتح الباری شرح « بخاری » آرای علماء در برداشتن تصاویر دارای جسم ، یا دارای سایه را از موجودات ذی روح - مانند انسان و حیوان - نقل کرده است آن گاه در جمع بندی این آراء می گوید : ساختن مجسمه - بجز اسباب بازی کودکان - به اجماع علماء حرام است . اما در تصویر نگاری بر روی پارچه ، چهار قول است و صحیح ترین آنها این است که : اگر تصویر تمام اندام نبود ، و یا اجزا و اعضای آن به طور پراکنده به تصویر کشیده شده بود جایز است .

¹ . سورة سبا / 13 .

² . سورة سبا / 13 .

³ . الصابوني ، محمد علی ، مختصر ابن کثیر ، ج 3 ، ص 124 ، الناشر : دار القرآن الکریم ، بیروت - لبنان . الطبعة : السابعة ، 1402 هـ - 1981 م .

⁴ . شفیع ، مولانا مفتی محمد ، تفسیر معارف القرآن ، ج 6 ، ص 564 .

⁵ . صحیح البخاری ، کتاب : اللباس ، باب : عذاب المصورین یوم القیامه ، شماره حدیث (5606) ج 5 ، ص 2220 ، و صحیح مسلم ، کتاب : فی اللباس والزینة ، باب تحریر و تثویر صورہ الحیوان ، شماره حدیث (2109) .

زحیلی¹ - رحمه الله - در تفسیر المنیر می گوید: باید دانست که حکم تصاویر فوتوگرافی، همچون حکم نگارش گری بر روی پارچه است بلکه تصاویر فوتوگرافی در حقیقت - به آن معنایی که در احادیث آمده - تصویر نیست و مانند افتادن تصویر صورت انسان در آینه یا آب می باشد لذا در آن مفهوم شبیه سازی با آفرینش خداوند - جل جلاله - در کار نیست.² « تَمَثِيلٌ » جمع « تَمَثَالٌ » مجسمه در قاموس آمده است که تمثال به فتح تاء مصدر است و به کسرتاء « تَمَثَالٌ » به معنای تصویر میاید ، ابن العربی - رحمه الله - در « احکام القرآن » فرموده است که تمثال تصویر به دو نوع است یکی تصویر ذی روح، دوم تصویر غیر ذی روح نیز به دو نوع است . یکی جماد است که در آن ازدیاد و عمل تکثیر به میان نمی آید، مانند درخت مزرعه و غیره ، جن ها تصویر همه این انواع را برای حضرت سلیمان - علیه السلام - می ساختند، اولاً این امر از عموم لفظ تمثال تفهیم میشود که آن تصویر قسم خاص نبود، بلکه برای هر بخش عام بود.

ثانیاً: در روایات تاریخی آمده است عکس پرنده ها بر تخت حضرت سلیمان وجود داشته است.³

تسخیر شیاطین: ﴿ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ ۚ ۳۷ ﴾⁴ « ما رام ساختیم برای او همه دیو های معمار و غوطه زننده در آب » و اینها بسیار کارهای مفید و پرتنمر را انجام میدادند، پس گروهی از آنان در خشکه مصروف نقشه کشی و ساختن قصرهای پیشرفته و مستحکم بودند، و گروه دیگری از آنها از قعر دریا لعل و جواهر و چیزهای قیمتی را استخراج مینمودند، چنانچه بیان این هردو نعمت در سوره انبیاء / 81-82 و در سوره سباء آیه / 12-13 گذشت. ﴿ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ۚ ۸۲ ﴾⁵ و گروهی از شیاطین را نیز زیر فرمان او قرار داده بودیم که برایش در بحر به غرض استخراج جواهر غوطه میزدند و جز این کار، کارهای دیگری را نیز انجام میدادند و ما آنان

1. وهبه زحیلی در سال 1932م در شهر عطیه در اطراف دمشق متولد. رئیس گروه فقه مذهب اسلامی پوهنتون دمشق موضوع بیشتر نوشته هایش به فقه و اصول فقه اختصاص دارد. مهمترین اثر زحیلی تفسیر المنیر است که به زبان عربی نوشته شده و از تفاسیر مهم قرن معاصر به شمار میرود. نقلاً عن اعلام الزرکلی، ج 8، ص 256.

2. الزحیلی ، د: وهبه بن مصطفی، تفسیر المنیر ، ج 22 ، ص 158.

3- المالکی، القاضي محمد بن عبد الله أبو بکر بن العربي، أحكام القرآن، ج 4، ص 11، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1424 هـ - 2003 م، عدد الأجزاء: 4.

4. سورة ص / 37.

5. سورة الانبياء / 82.

را از تمرد و سرکشی در برابر فرمان سلیمان ، و آزار رساندن به مردمان نگاه میکردیم .» ﴿
 وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ ۗ ۸۲﴾¹ « او برای سلیمان بعضی شیاطین را مسخر کردیم که
 در دریا به غواصی می پرداختند و در اعماق آب فرو رفته و برای سلیمان جواهر بیرون
 میاوردند » ﴿ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ ۗ ۸۲﴾² « علاوه بر غواصی کار های دیگر را از قبیل
 ساختن شهرها و قصور سر به فلک کشیده و اموری که از دایره قدرت انسان خارج است
 انجام میدادند » ﴿ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ۗ ۸۲﴾³ « آنان را از انحراف از فرمان خداوند و خروج از
 اطاعت وی مصون داشتیم. « غواصی، از جمله فعالیت که جن برای حضرت سلیمان – علیه
 السلام- انجام می دادند.⁴

باتوجه به آیات قرآن کریم میتوان گفت که جنیبات به امر خداوند متعال از فرمان حضرت
 سلیمان – علیه السلام – اطاعت میکردند، کار های را که انسان ها از انجام آن عاجز بودند ،
 از جمله ساختن ، قصرها سربه فلک کشیده ، بیرون کردن جواهر از بحر ها و به اذن خداوند
 متعال از فرمان سلیمان – علیه السلام- اطاعت میکردند.

مطلب چهارم : سلیمان - علیه السلام - و باد :

قرآن کریم به ما اطمینان میدهد که خداوند متعال باد را به سلیمان - علیه السلام- مسخر کرد تا
 به دستور او به هر کجا که میخواست جریان پیدا کند، پس مطابق این امر او در ساعات محدود
 مسافه های طولانی راطی میکرد. مسخر شدن باد به سلیمان- علیه السلام- در سه آیت قرآن کریم
 آمده، باد مخلوق از مخلوقات خداوند – جل جلاله - است یکی از سربازان اوست به آن
 امر میکند و آن امر را اجرا میکند، باد ابرها را حمل میکند و آن را به هر جای که خداوند –
 جل جلاله – بخواهد می راند، تا زمین پس از مرگ با آن زنده شود. ﴿ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
 بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ
 كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۗ ۵۷﴾⁵ « و اوست که می وزاند باد ها را بشارت

¹. سورة انبياء / 82.

². سورة انبياء / 82.

³. همان .

⁴. صابونی ، محمدعلی ، صفوة التفاسير، ج 2 ، ص 247.

بشارت دهنده پیش از باران تا اینکه وقتی آن بادهای برداشته می آورند ابرهای سنگین را سوق میدهیم آن را به سوی شهر مرده پس فرو می ریزیم از آن آب پس بیرون می آوریم از آن هرنوع میوه ، همچنان بیرون میاوریم مرده گان را تا شما فکرکنید.»

الله متعال فرمود: ﴿ فَأَهْلِكُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۖ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ۗ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ۚ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ۗ ۸ ﴿۱﴾ » به باد تند سخت سرد به نابودی کشیده شدند، خداوند آن را

هفت شب و هشت روز بر آنان گماشت بود پس میدیدی آن قوم را در آن از پا در افتاده گویی آنان درخت خرما می هستند ریشه کن شده، پس آیا از آنان هیچ بازمانده ای مبینی؟ وفرعون وکسانیکه پیش از او بودند مرتکب خاطئه (شرک) شدند.» پس باد سر بازی است که مطیع فرمان امرخداوند متعال است و خداوند متعال این باد را به بنده ارجمند خود و پیامبرگرامی سلیمان - علیه السلام - مسخرکرد، بخاطر بحث در این موضوع پیش روی ما سه آیات قرار دارد.

1- ﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ۗ ۳۶ ﴿۲﴾ » پس ما باد را برایش

مسخرساختیم که زیر فرمانش هرکجا که میخواست آرام حرکت میکرد.»

رُخَاءً در لغت : به معنی چیزی نرم وسست شده، چیزی که نرم و سست میشود.

یعنی : باد را منقاد فرمان او گردانیدیم که به فرمان او نرم روان میشد یعنی : آن باد چنان باد نرم و ملایم بود که نه اشیارا به جنبش و تکان وا میداشت و نه طوفانی میشد بلکه درعین نیروی بزرگ وزش و سرعت حرکت خود ، نرم و ملایم و راحت بخش بود و روان میشد :

هرجا که تصمیم میگرفت یعنی هرجا و در هر کشوری و سر زمینی که سلیمان - علیه السلام - قصد سفر میکرد، باد آنرا به سوی آن سرزمین حمل مینمود.¹

¹. سورة الحاقه / 8-6.

². سورة ص / 36.

2-آیت دوم : الله متعال فرمود ﴿وَلَسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا

فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ﴾² و ما برای سلیمان باد تند طوفانی به فرمان او مسخر ساختیم

که به فرمان او بسوی ، سر زمینی که در آن برکت انداخته بودیم میرفت .

﴿الرِّيحَ عَاصِفَةً﴾³ « باد تند و طوفانی» باد که تند می وزد.

﴿الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا﴾⁴ « سر زمینی که در آن برکت انداخته بودیم » سر زمین شام

که مقر ملک و سلطنت سلیمان - علیه السلام - بود.

سوال- در سوره ص /36 باد را به رفتار نرم وصف نموده است و در سوره انبیاء/ 81 آنرا باد

تند گفته است، پس میان این دو آیه چگونه تطبیق صورت میگیرد؟

جواب: 1- آن باد را به رفتار نرم بدان سبب وصف نموده که شخص سوار به آن رفتار تیز و

تند را احساس نمیکرد در حالیکه آن باد بسیار تند و سریع بود. در یک جای وصف نرمی اش

را و در جای دیگر رفتار تیز آن را ذکر نمود . و اینجا « عَاصِفَةً » به معنای باد طوفانی و

مضطرب نیست، بلکه به معنای باد قوی است.

2- یا اینکه برای سلیمان - علیه السلام - دو نوع باد مسخر بود : یکی باد نرم برای سفر به

مناطق نزدیک، دوم باد بسیار تند برای پیمودن مسافه های دور و دراز.⁵ او مثل نسیم در

روحش نرم بود. که مسافه یک ماهه و رفتار آخر روز آن، مسافه یک ماهه راه بود. در

روحش نرم و ملایم اما در کارش طوفانی با اطاعت از سلیمان و مطابق خواسته ها و آرزو

هایش بود.

¹ مخلص هروی ، عبدالرؤف ، تفسیر انوار القرآن ، ج 2، ص 667.

² سورة الانبياء / 81.

³ سورة الانبياء / 81.

⁴ سورة الانبياء / 81.

⁵ بدخشانی ، محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ، ج 7 ، ص 247.

اشکال دیگر ترکیب عبارتند از : " گاهی اوقات طوفانی بود و گاهی موارد نرم و آرام بود نظر به ضرورت. در ابتدا نرم و ملایم بود طوفانی پس از آن ، طبق عادت مسافر، به آرامی شروع میشد و سپس سرعت می‌گرفت .¹

3- ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَّاحَهَا شَهْرٌ﴾² « برای سلیمان باد را رام گردانیدیم

که سیر بامدادی آن یک ماهه راه و سیر شامگاهی آن نیز یک ماهه راه بود.»

الغدوة : نیم اول روز، از صبح تا زوال. **الروحة :** یعنی حرکت آن درشامگاه مسیر یک ماه بود، نیم دوم روز از زوال خورشید تا غروب آن . این باد بود که از صبح تا ظهر مسیر یک ماه را طی میکرد و از ظهر تا شام مسیر یک ماه را طی میکرد،³ این باد مبارک آنقدر سریع بود که طی یک روز دوماه مسافت را طی میکرد و این یک نعمت واضح است و یک هدیه عالی که به سلیمان-علیه السلام – داد در عصری که حمل و نقل ابتدایی وابسته به اسب ، شتر ، مرکب ، قاطر، بود. این به آن معنا است که دوره حکومت حضرت سلیمان - علیه السلام - برای بنی اسرائیل دوره رفاه و شگوفایی بود که در آن دوران بنی اسرائیل از زنده گی خود لذت میبردند حاصلخیزی و محصولات و میوه های خود را برداشت میکردند . این خوبی و سعادت ثمره حکمت الهی ایمان به دست سلیمان - علیه السلام - است ، وقتی بر آنها به اساس قانون خدا حکومت کرد خداوند بر آنها این موارد را اعطا کرد. برکت ، سعادت ، راه حل های امنیتی و اطمینان مواردی هستند که مربوط به قانون خداوند ، و رعایت دستورات او هستند ، عمل نکردن به قانون و دستورات الهی جز هرج و مرج و نا امنی ، کاهش نعمت های زنده گی و مجازات جمعی از جانب خداوند متعال دیگر ثمره ندارد.⁴

با توجه به آیات قرآن کریم میتوان گفت که الله متعال باد را ن-علیه السلام – قرار داده بود، باد گاهی اوقات طوفانی بود و گاهی موارد نرم و آرام بود نظر به ضرورت. در ابتدا نرم

¹ الزمخشری أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الکشاف، ج 3 ، ص 127، الناشر: دار الكتاب العربي - بیروت . الطبعة: الثالثة - 1407 هـ.

² .سورة سبا / 12

³ . محمد بن جریر بن یزید بن کنیر ، الطبری ، جامع البیان ، ج 22 ، ص 96.

⁴ الخالدی، د: صلاح عبدالفتاح، القصص القرآنی، عرض وقائع وتحلیل واحداث، ج 3، ص 500، ناشر: دار القلم، دمشق. طبعة 1: 1419 هـ 1998م.

وملایم بود طوفانی پس از آن ، طبق عادت مسافر، به آرامی شروع میشد و سپس سرعت میگرفت.

مطلب پنجم : سلیمان و پرنده گان :

از خصوصیات سلیمان - علیه السلام - این بود که لشکرایشان تنها مرکب از انسانها نبود، بلکه متشکل برانسانها، جن، و پرنده گان نیز بود، ﴿ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۱۷ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانِ مِنَ الْعَائِبِينَ ۲۰ لَا أَعَدَّبْنَاهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۲۱ فَمَكَتَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ۲۲ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ۲۳ وَجَدْتُنَّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۲۴ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۲۵ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۲۶﴾¹

17- و برای سلیمان لشکریان او از جن و انس و مرغان گرد آوری شد ، پس همه آنها یکجا و نزدیک هم با نظم و ترتیب درصفا نگاه داشته شدند.

20- و سلیمان جویای حال پرنده گان شد ، پس گفت : مراچه شده است که هدهد را نمی بینم یا از غایب شده گان است ؟

21- سوگند یاد میکنم که او را کیفرشیدی خواهم داد یا سرش را میبرم یا برایم کدام حجت روشنی ارائه میدارد.

22- پس طولی نکشید که « هدهد برگشت و سلیمان از وی درباره ناپدید شدنش پرسید پس آن

(در جواب)گفت : من به آنچه آگاه شده ام که تو به آن آگاه نیستی ، و برایت از شهرسبا یک خبر واقعی آورده ام .

23- من زنی را یافتم که پادشاه آنها است ، و به او هرچیزی داده شده است و او را تخت بزرگی است.

24- او و قومش را دیدم که جزالله خورشید را سجده میکنند ، و شیطان اعمال آنها را درنظرشان آراسته است و آنها را از راه راست باز داشته است ، پس آنها راه یاب نمی شوند.

¹. سورة النمل / 16- 26.

25- (اعمال آنان را برایشان آراسته است) تا اینکه برای الله سجده نکنند، آنکه بیرون میکنند پوشید گیها را در آسمانها و زمین ، و میداند آنچه را پنهان میدارید ، و آنچه را آشکار می سازید.

26- الله جز او معبود برحق نیست ، او مالک عرش بزرگ است. و برای سلیمان لشکریان او از جن و انس و مرغان گرد آوری شد ، پس همه آنها یکجا و نزدیک هم با نظم و ترتیب در صفها نگاه داشته شدند طوری که ابتداء انسانها، سپس جنیات و بعداً پرنده گان دسته بندی شدند و اگر آفتاب سوزان میبود آنها با بالهای خویش بر اوسایه میکردند و ترتیب آنها به گونه بود که آخر هر دسته مانع جلوشدن دسته دیگر میشد تا از منزلت و مرتبه خود فراتر نرود و همانطور جمع باشند.

مجاهد¹ - رحمه الله - میگوید: بر هر گروهی از این لشکر فرمانده هانی قرار داده شده بودند که اولی های هر گروه مانع تقدم آخری می شدند². بر این اساس « يُوزَعُونَ » باز داشته میشدند ، یعنی از بی انتظامی بازداشته میشدند همه در صفوف منظم حرکت میکردند ، چنانچه عادت ملوک است که در صحنه نمایش عساکرشان ، همین طریقه را میپسندند ، البته در این نمایش تمام حیوانات روی زمین نبود، بلکه یک بخشی از لشکریان مربوط به همان منطقه بود . بعد از آن عساکر سلیمان - علیه السلام - با نظم و ترتیب حرکت نمودند تا آنکه به منطقه مسکونی مورچه گان رسیدند ، پس در این آیات، از مراقبت و اهتمام حضرت سلیمان - علیه السلام - درباره عساکر و وضع حکومت او را بیان میکند و سلیمان - علیه السلام - را در سفرش برخی از پرنده گان همراهی میکردند ، و از میان پرنده گان هدهد مسولیت جستجو آب را به دوش داشت ، پس سلیمان - علیه السلام - در یکی از سفر هایش در صحرا ، به آب نیاز پیدا کرد ، لذا در باره هدهد جویا شد چنانچه الله سبحانه در قرآن کریم ذکر میکند ﴿ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ ۚ ﴾³ « سلیمان جویا حال پرنده شد ، پس گفت : مرا چه شده است که هدهد را نمیبینم یا از غائب شده گان است ؟ » پس از بحث و جستجو خبر از هدهد نیافتند ، لذا بخاطر این غیاب و بدون اجازه سلیمان - علیه السلام - او را تهدید کرد:

1. مجاهد بن جبر أبو الحجاج شیخ القراء مفسر، عالم ، فقهی ، در سال 104 ه تولد در تفسیر ، قرأت القرآن ، وحديث ، برتری یافت و در سال 722 م وفات نمود. <https://ahlesonnat.com>

2. وهبه ، د: وهبة بن مصطفى ، تفسیر المنیر للرحیلی ، ج 19 ، ص 296.

3. سورة النمل / 20.

1- ﴿لَأَعَذَّبَنَّهٗ عَذَابًا شَدِيدًا ۲۱﴾¹ « سوگند یاد میکنم که او را کیفر شدید خواهم داد ».

2- ﴿أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ ۲۱﴾² « یاسرش را میبرم ». ولی با وجود این دوتهدید، برای ارائه دلیل و منطق مجال گذاشته و فرمود: ﴿أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۲۱﴾³ « یا حتماً برایم کدام حجت روشنی ارائه میدارد ». و در اینصورت از عذاب من درامان خواهد بود.

حضور دهد و پاسخ او درباره غیابتش -

﴿فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۲۲﴾⁴ « پس طول نکشید که دهد برگشت » و به حضور سلیمان - علیه السلام حاضر شد تا ماجرای غایب بودن خود را برایش بیان دارد. ﴿فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ۲۲﴾⁵ « پس گفتم : به چیزی مطلع شده ام که تو به آن آگاه نیستی و از مملکت سبأ برایت خبر واقعی آورده ام »⁶.

احاطه عبارت از علم به یک چیز از تمام جوانب آن است . یعنی من بر حال سبأ اطلاع دارم . در این سخن تنبیه است بر اینکه در میان خلائق خدا کسانی هم هستند که از سلیمان احاطه علمی بیشتر بر بعضی امور دارند تا که دلالت بر محدودیت علم نزد سلیمان داشته باشند.⁷

زمخشری - رحمه الله - میگوید : این سخن دلالت بر بطلان رافضیان دارد که می گویند بر امام هیچ چیزی پوشیده نیست و هیچ کس در زمانش از او عالم تر نیست.⁸

1. سورة النمل / 21.

2. سورة النمل / 21.

3. سورة النمل / 21.

4. سورة النمل / 22.

5. همان .

6. بدخشانی ، محمد اکرام الدین ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ، ج 6 ، ص 359.

7. الزحیلی ، د: وهبة بن مصطفى ، تفسیر المنیر للزحیلی ، ج 19 ، ص 302.

8. الزمخشری ، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد ، الکشاف ، ج 2 ، ص 442.

بعد از این سخنان به بیان اصل مطلب پرداخت و گفت:

من زنی را یافت که پادشاه آنها است ، و به او هر چیزی داده شده است و او را تخت بزرگی است ، هدهد درسخنانش از سه موضوع اطلاع داد :

1- فرمانروایی آن مملکت زن است .

2- همه چیز هایی را که مورد نیاز سر براه یک کشور است ، در اختیار دارد ، مانند نیروی اقتصادی ، و نیروی عسکری ، و سازمان نظامی و غیره .

3- یک تخت بزرگ در اختیار او قرار دارد .

سپس دین و معتقدات مذهبی آنها را بیان داشت: ﴿وَجَدْنَاهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾¹

« ملکه و قومش را دیدم که جز الله خورشید را سجده میکنند.»

- سبب این عمل را بیان کرد که کار شیطان است: ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ﴾^{۲۴} «

و شیطان برای شان اعمال بد شان را آراسته است،» به همین اساس اعمال زشت خود را خوب و مناسب میپندارد.

- نتیجه تزئین شیطان را بیان کرد:

پس بسبب این زیبا جلوه دادن، شیطان آنها را از راه حق باز داشت پس آنها رهیاب نمیشوند

و- نتیجه تزئین شیطان و باز داشتن از راه ، چنین شده : ﴿أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ﴾² « تا اینکه آنان

به الله سجده نکنند».³

- ذکر دو دلیل برای اختصاص سجده برای الله -

سپس هدهد برای اختصاص سجده به الله سبحانه دو دلیل ذکر کرد:

¹. سورة النمل / 24

². سورة النمل / 25

³. بدخشانی ، محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ، ج 6 ، ص 359.

⁴. سورة نمل / 26.

دلیل اول: ﴿الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ﴾¹ «آنکه بیرون میکند پوشیده گی را در آسمانها وزمین .»

دلیل دوم - ﴿وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ﴾² «ومیداند آنچه را که پنهان میدارید ، و آنچه را که آشکار میسازد یعنی از اسرار سینه هایتان کاملاً آگاه است.» بعد از بیان دو دلیل برای تخصیص سجده به الله تعالی، ثمره آنها را ایاد آور میشود :الله جز او معبود برحق نیست او پرور دگار عرش بزرگ است ، چنانکه تنها او مالک عرش عظیم است ، تنها او سزا وار عبادت است .³

با توجه به آیات قرآن کریم میتوان گفت که پرنده جز لشکر حضرت سلیمان - علیه السلام - را تشکیل میدادند ، و بررسی حضرت سلیمان - علیه السلام - در میان همه لشکر از پرنده مسولیت یک رهبر را نسبت به رعیتش نشان میدهد، که یک رهبر در مقابل رعیت خود اگر هر قدر کوچک هم باشد باز هم مسولیت دارد .

مبحث چهارم : اسرائیلیات وارده در داستان حضرت سلیمان - علیه السلام -:

واژه اسرائیلیات جمع اسرائیلیه است و بر داستان ها و اخبار یهودی و نصرانی که در مجامع روایی و تاریخی اسلامی نفوذ کرده است، اطلاق میشود اسرائیلی منسوب به اسرائیل است و اسرائیل لقب حضرت یعقوب پیامبر- علیه السلام - میباشد، پدر بنی اسرائیل بود و دو دین یهودیت و مسیحیت به وی منتهی میشود. بر خلاف قرآن کریم که حضرت سلیمان - علیه السلام را یکی از پیامبران الهی و بنده شایسته خدا میداند، سنت یهودی و کتاب عهد قدیم تصویر بدی از وی ارائه و وی را شخص عیاش ، بت خانه ساز ، اسیر هوای نفس و یک عاشق تمام و عیار نسبت به زنان معرفی میکند ، این تصویر غیر واقعی از حضرت سلیمان - علیه السلام - زمینه ساز ورود روایاتی در کتب تفسیر اسلام گشته است که عمدتاً انتشار آنها بدست یهودیان مسلمان شده ای بوده است که دل بسته گی به عقاید خرافاتی یهودیت داشتند ، نمونه های از این روایات اسرائیلی را میتوان در آیات ذیل مربوط به دو جریان از زنده گانی آنحضرت مشاهده کرد: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ﴾ « و سلیمان را

1. سورة النمل / 26 .

2 . بدخشانی ، محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن ، ج 6 ، ص 360.

آزمودیم و بر تخت او جسدی بیفگندیم « 1 از جریان افتادن جسدی بروی تخت سلطنتی وی ﴿ اِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِبَادُ ﴾ « بیاد آور زمانی را که به وقت عصر اسپان » جید « و تیز رفتار به حضورش عرضه شد. »

2- غفلت از یاد خداوند دیدن از خیل اسبها ، - در نقد این روایات باید گفت ، علاوه بر مشکل سندی ، محتوا این روایات نیز با متن قرآن کریم و ستایش خداوند از این پیامبر الهی هماهنگی ندارد و نه به مقام عصمت انبیاء سازگار است . پیامبران بزرگ الهی به عنوان کسانی که از ناحیه ای خداوند وظیفه ارشاد و هدایت بندگان به سوی صلاح و رستگاری را به عهده داشتند، علاوه به برخورداری از شناخت معرفت عمیق ، در عمل و کردار نیز سرآمد صالحان و نیکو کاران بوده و عمل و رفتار آنان ، برای مردم الگو و سرمشق بوده است ارتکاب گناه و معصیت از سوی پیامبران الهی نسبت به آنچه داعیه داران آنند ، موجب پراگنده شدن مردم از گردایشان شده و طرح الهی مبنی ارسال رسل و انزال کتب را با شکست مواجه میکند . با نظر داشتن به این معیار کلی میتوان به بررسی روایات اسرائیلی نقد احادیث و روایاتی پرداخت که گناه و معصیت و عملی خلاف اخلاق را به پیامبران الهی نسبت میدهند و از مقام و منزلت روحانی آنان می کاهند. اسرائیلیات از جمله شاخصترین اینگونه روایات بوده که عمدتاً بدست مسلمانان یهودی الاصلی ساخته و پرداخته شده که قصد وارد کردن خرافات به سنت و فرهنگ اسلامی داشتند . در این میان، آیات مربوط به سرگذشت زنده گی پیامبران گذشته به جهت عدم آشنائی مسلمانان با اخبار آنان به علت اختصار موجود در این آیات ، بهترین فرصت را برای رسیدن به این منظور برای ایشان فراهم کرد. ¹

مطلب اول : حضرت سلیمان - علیه السلام - در قرآن کریم و عهد قدیم:

خداوند متعال در قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام - را از جمله پیامبران بزرگ الهی معرفی کرده است و در مورد وی میفرماید : ﴿ وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ

¹ . أبو شهبة ، د: محمد بن محمد، الإسرائيليات والموضوعات في كتب التفسير، ج1، ص 12، الناشر : مكتبة السنة، الطبعة الرابعة.

۳۰ ﴿۱﴾ « ما به داود سلیمان را عطاء کردیم، (وسلیمان) بنده بسیار خوبی بود، چرا که اوبسیار توبه گار بود.» قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام - را یک پیامبر پر ارزش مدبر و عدالت پیشه معرفی میکند. خداوند متعال در قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام - را از جمله پیامبران بزرگ میخواند، سرشار از علم و تقواء بسیار، پیامبرکه با داشتن حکومت عظیم ، هرگز اسیرمقام و مال نشد، و به آنها که ازسوی ملکه سبأ برای فریفتنش هدایای بسیار گرانبهای آورده بودند گفت: ﴿ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ ۚ ۳۶ ﴾^۲ « آیا مرا به وسیله مال میخواهید کمک کنید ؟ درحال که آنچه خداوند بر من داده است ، از آنچه که به شما داده است برتر است .» پیامبرکه، تمام آرزویش این بود ، تا بتواند شکر تمام نعمت های پروردگار را بجا آورد ﴿ وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ ۚ ۲۰ ﴾^۳ « گفت پروردگارا ! مرا یاری و الهام کن، تا بتوانم شکر نعمت های را که بر من و پدرم ارزانی داشته ای به جای آورم .» رهبری که حتی اجازه نمیداد که کسی آگاهانه به مورچه ای ستم کند لذا در وادی نمل مورچه صدا زد: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۚ ۱۸ ﴾^۴ « ای مورچه گان به لانه ها بروید ، مبادا سلیمان و لشکریانش نا آگاهانه شما را پامال نکنند.» عبادتکاری بود که ، هرگاه لحظه به دنیا مشغول و از ذکر خداوند غافل میشد درمقام جبران برمیآمد ومی گفت: ﴿ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي ۚ ۳۲ ﴾^۵ « پس گفت من این اسپ ها را بخاطر ذکر پروردگارم (که جهاد است) سخت دوست میدارم .» حکیمی بود که ، در عین قدرت جز با منطق، سخن نمیگفت ، و حتی درگفتگو با پرنده حتی هدهد حق و عدالت را از دست نمیداد. قرآن کریم او را با اوصاف همچون « آوَابُ » بسیار بازگشت کننده به سوی خداوند « نِعَمَ الْعَبْدُ »^۶ « بنده خوب » . کسی که خداوند حکومت و علم را در اختیار او قرارداد بود ، و کسی که ، او یک لحظه در عمرش به خدا شرک نوزید. و مورد عنایت خداوند متعال قرار گرفت و گنجینه نعمت

۱. سورة ص / 30.

۲. سورة النمل / 36.

۳. سورة النمل / 20.

۴. سورة النمل / 18.

۵. سورة ص / 32.

قدرت الهی بر روی زمین بدست وی داده شد و به اذن خداوند متعال در روی زمین دارای قدرت و حکومت بی نظیری در تاریخ بنی اسرائیل گشت خداوند متعال باد را مسخر وی گردانید و جماعت شیاطین و جنیان را در خدمت وی در آورد و مواد معدنی فراوانی را در اختیار وی قرارداد تا با نیرو و قدرت خدا دادی آنها را شکل داده و از آنها درساختن معابد بزرگ و زیبا بهره ببرد. با این وجود هیچ یک از نعمت های سرشار، وی را از یاد خداوند غافل نکرد و هرگاه نعمت و عنایت تازه ای از ناحیه خداوند متعال شامل حال او میشد می فرمود: ﴿ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي ﴾¹ یعنی: « همه اینها از فضل و عنایت پرودگار من است » یا زمانی که ملکه سباء با فرستادن هدایای زیاد قصد داشت که حضرت سلیمان - علیه السلام - از دعوت بسوی دین حق منصرف کند با بیان اینکه نعمت هایی که خداوند به وی ارزانی داشته است از آنچه که به تو داده برتر و بهتر است .

تورات محرف حضرت سلیمان - علیه السلام - را پادشاهی جبار، عیاش ، بت خانه ساز، اسیر هوا نفس و یک عاشق تمام و عیار نسبت به زنان معرفی کرده است و درمورد او میگوید : سلیمان ملک دختر فرعون و زنان بیگانه بسیاری را از « موآبیان » و « عمونیان » و « دومیان » و « صیدونتان » و « حتیان » را دوست میداشت، او هفتصد زن عقدی و سیصد زن متعه « موقت » داشت، و زناش دل او را در پیروی به غیر خدا مایل کرده بودند و دل او مثل دل پدرش داود به خدا کامل نبود ! و سلیمان در عقب « عشترون » خدای « صیدونیان » و « ملکوم » « بت عمونیان » رفت ، او مثل پدر خویش داوود خداوند را پیروی کامل ننمود!! در جایی دیگر بیان میدارد که سلیمان عاجل دستور ساخت بت کده را سریعاً داد روی کوهی که در برابر اورشلیم ، که آن مرکز اسرائیل بود قرار داشت بتکده ای برای طایفه بنی عمون بنا کرد و به بت های دیگر هم علاقه خاص داشت و همه اینها در زمان پیروی واقع شد. خداوند بالای سلیمان غضبناک شد، خداوند به سلیمان گفت : عهد و فرایضی که به تو امر فرموده، نگاه نداشتی، البته مملکت تو را از دست تو خواهم گرفت ! تورات².

از این روا میتوان ادعا کرد که تصویر قوم یهود از حضرت سلیمان - علیه السلام - تصویر بد و همراه با خرافات و نسبت هایی ناروای بود که چهره این پیامبر را با غباری از اتهامات و اندیشه های باطل پوشانده بود. از این رو بعد از وفات رسول خدا- صلی الله علیه وسلم -

¹. سورة النمل / 40

². کتاب اول ملوک و پادشاهان ، فصل یازدهم ، جمله ها 1 الی 34.

در عصر صحابه برخی از یهودیان مسلمان شدند فرصت را مناسب دیده با استفاده از برخی آیات متشابه در مورد حضرت سلیمان - علیه السلام - عقاید باطل و خرافاتی خود را در قالب روایات تفسیری در بین مسلمان منتشر و شایع کردند که متأسفانه بعضی از مفسرین اسلامی بدون تحقیق کافی آنها را نقل کردند در تفاسیر خود آوردند.

مطلب دوم: امتحان حضرت سلیمان - علیه السلام - و روایات اسرائیلی:

یکی از پیامبران بزرگ الهی که در آیه های فراوانی از او یاد شده ، سلیمان بن داوود - علیه السلام - است. خداوند ، نعمت ها و مواهب گوناگون بزرگی مانند علم و حکمت ، آشنایی با زبان حیوانات، تسخیر باد سپاهی مرکب از جن و انس و ملک ، و حکومت گسترده و بی نظیر به او داده بود. در اثر گسترده گی قلمروی ملک و حکومت و اقتدار فوق العاده داشته ، از این آیه چنانچه در بعضی از تفاسیر معاصر آمده اجمالاً استفاده میشود که آزمایش سلیمان به وسیله جسد بی روحی که بر تخت او در برابر چشمانش قرار گرفت ، این امر موجب تنبیه سلیمان شد توبه کرده است . اما این جسد چی بوده و جزئیات این قضیه چگونه بود ، قرآن مجید شرح بیشتر نداده است ، از این رو مفسران و محدثان اخبار و داستان های مختلفی در تفسیر این دو آیه ذکر کرده است یکی از داستان ها داستانی انگشتی اسرار آمیز سلیمان - علیه السلام - است که گویا تمامی قدرت و حکومت او وابسته به آن بوده است ، به طوری که وقتی یکی از شیاطین ، آنرا را از وی ربود شیطان به جای او بر سریر سلطنت نشست. بسیاری از مفسرین این افسانه را در تفسیر آیه ﴿ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۚ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي ۗ ۝۳۵ ﴾¹ « و شکی نیست که ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او کالبدی را انداختیم ، سپس (به توبه و استغفار به سوی الله) رجوع کرد. سلیمان گفت: ای پروردگرم! مرا بیامرز و برایم حکومتی عطا کن که بعد از من کسی را نسزد، وحقا که تو بسیار بخشایشگر هستی. » « سوره ص نقل و در واقع ، این دو آیه را با این قصه تفسیر کرده اند. در اینجا موضوع خاتم سلیمان و داستان ربوده شدن آن بررسی شده و اثبات میشود که این داستان از اسرائیلیات است و به آیه هیچ ارتباط ندارد در اینجا داستان یاد شده از منابع نقل کرده و سپس به نقد آن میپردازیم :

¹ سوره ص / 34-35.

1- صنعانی¹ - رحمه الله - در تفسیر آیه: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا﴾²

«وشکی نیست که ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او کالبدی را انداختیم ، سپس (به توبه و استغفار به سوی الله) رجوع کرد.» می نویسد به مدت چهل شب شیطان بر تخت سلیمان نشسته بود تا آن که خداوند ملک اش را بر او باز گشتاند صنعانی تفصیل قضیه را از طریق معمر و از قتاده چنین نقل میکند:

سلیمان به شیاطین گفت : من ماموریت یافته ام که مسجدی (بیت المقدس) بنا کنم ولی نباید در ساختن آن صدای کلنگ یا اره شنیده شود ، شیاطین به او گفتند : که در دریا شیاطینی است که اگر او را به چنگ آوری او این کار را به تو یاد میدهد ، آن شیطان هر هفته یک بار به چشمه ای میرفت و از آن آب میخورد. شیاطین رفتند و آب آن چشمه را کشیدند و بجایش شراب پر کردند. آن شیطان آمد تا آب بخورد و متوجه بوی مخصوص آن شد و آب نخورد و رفت و دچار تشنگی شد باز رفت سر انجام او روزی آمد و سر راه در آن فرو برد و از آن شراب نوشید و مست شد ، او را دستگیر کردند و نزد سلیمان بردند ، سلیمان انگشتر خود را به او نشان داد و او تسلیم شد زیرا ملک سلیمان در انگشتر او نهفته بود ، سلیمان به او گفت من ماموریت یافته ام مسجدی بسازم که در ساختن آن ، صدای کلنگ و اره شنیده نشود، آن گاه شیطان به شیاطین دستور داد که شیشه بسازند ، سپس شیشه را از آنان گرفت و در آشیانه دهدد قطعه الماس آورد ، روی تخم های آن نهاد ، دهدد وقتی آمد که وی تخم هایش بشین شیشه مانع شده و آن پرنده پرید و رفت ، شیطان گفت : ببینید دهدد چی آورده هر چه آورده از آن بگیرد ، آنگاه دیدند که قطعه الماس را آورد و آن را روی شیشه گذاشت و شیشه را با آن شکافت. الماس را از دهدد گرفتند و در بنای بیت المقدس سنگ ها را با آن می بریدند. سلیمان پس از آن که با بعضی از همسران اش در حال حیض ، آمیزش کرد بود، به حمام رفت و انگشتری خود را از انگشت در آورد و در گوشه گذاشت . آن شیطان که همراه سلیمان بود ، انگشتر را برداشت و در دریا افگند و خود به صورت سلیمان درآمد ، وقت سلیمان - علیه السلام - از حمام برآمد ملک خود را از دست داد و از آن زمان سلیمان - علیه السلام - به مدت چهل روز شیطان به تخت حضرت سلیمان می نشست و حکومت میکرد. اصحاب سلیمان به او بد بین شدند و گفتند که سلیمان دچار فتنه شده اند زیرا آن شیطان در اقامه نماز

¹ ابوبکر عبدالرازق بن همام بن نافع الحمیری الیمانی صنعانی علم در علم حدیث بوده است در صنعا پایتخت یمن زنده گی میکرد در طول زنده گی خود به فراگیری به علوم اسلامی به مکه، مدینه، سوریه، عراق، وی تحت آموزش محققان بسیاری قرار گرفت. نقلًا عن الاعلام الزرکلی، ج6، ص 16.

² سورة ص / 34.

سستی میکرد و به سایر امور دینی بی اعتنای میکرد در میان اصحاب سلیمان مردی بود که از نظر قدرت و توانای شبیه عمر بن خطاب بود، آن مرد گفت: من در این باره با سلیمان صحبت میکنم و خبرش را برای شما میآورم. آنگاه نزد شیطان رفت و به او گفت: یا نبی الله! گاهی در شب سرد، جنابت بر ما عارض میشود و تا هنگام طلوع خورشید غسل نمیکنیم و نماز نمیخوانیم، آیا اشکالی دارد؟ او پاسخ داد: مشکل نیست. آن مرد نزد اصحاب سلیمان رفت و قضیه را تعریف کرد. از طرف دیگر که سلیمان که ملکش را از دست داده بود در بیابان، آواره و سرگردان شد تا آن که به زنی پناه برد و آن زن برای او ماهی پخت سلیمان انگشتری را در شکم ماهی که آن را بلعیده بود یافت و در انگشت خود کرد در این هنگام همه از پرنده گان انس و جن برای او سجده کردند، و تسلیم او شدند خداوند ملکش را برایش باز گشتاند¹ و در این هنگام گفت: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي﴾² «پرور دگارا! مرا بیامرز ببخش و برای من پادشاهی ببخش که هیچ کس را پس از من سزاوارا هیچ نباشد.»

2- طبری - رحمه الله - در جامع البیان در تفسیر دو آیه یاد شده، قصه ربوده شدن

انگشتر حضرت سلیمان را توسط شیطان به شکل های مختلف «اماد اصل قضیه مشابه» از روایان مختلف، مانند سدی، ضحاک، و مجاهد آورده و سپس از طریق سعید از قتاده، داستان ساختن بیت المقدس و استمداد از شیطان را، به همان که از تفسیر صنعانی نقل کردیم، آورده است اما در این نقل پناه بردن به یک زن نیامده است ولی تصریح شد وقتی شیطان انگشتر را در دریا افکند، یک ماهی آن را بلعید، و بعد سلیمان آن را در شکم ماهی یافت. ولی در پایان تصریح شده است:³ این که خداوند میفرماید: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى

كُرْسِيِّهِ جَسَدًا﴾⁴ «و سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی بیفگندیم» طبری در تاریخ

خود، داستان مفصلی، شبیه این افسانه از «وهب بن منبه» نقل کرده که در تفسیر آیه یاد شده، وارد برخی کتاب های تفسیر شده است، و عبدالوهاب نجار، مؤلف قصص انبیا ناقلان

1. صنعانی، عبدالرازق، تفسیر القرآن، ج 3، ص 280، ناشر: مکتبه الرشید، ریاض.، طبعه 1: 1413ق، تحقیق: مصطفی مسلم محمد.

2. سورة ص / 35.

3. الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان، ج 23، ص 101.

4. سورة ص / 34.

آن را ظاهرگرایانی نامیده که هیچ ابایی ندارند که هرچه از حکایت مجهول، به خیالشان می رسد، وارد تفسیر کتاب خدا کنند.¹

خلاصه داستان وهب بن منبه² چنین است: گزارش شهری بنام صیدون در یک جزیره به سلیمان رسید، او بالشکریانش به سمت آن شهر حرکت کرد و او وارد شهر شد و پس از قتل پادشاه آن دیار دختر او که از زیباترین زنان بوده به همسری خود در آورد. او مسلمان شد و سلیمان به او علاقه پیدا کرد گرچه سلیمان او را بسیار دوست میداشت، اما جراده چندان علاقه به او نداشت و از او دلخور بود و بسیار گریه میکرد سلیمان دستور داد مجسمه پدر او را ساختند. آن زن لباس مثل لباس پدرش به او پوشاند، و به مدت چهل روز هر صبح با کنیزان خود نزد آن میرفت و آن را سجده میکرد. آصف وزیر سلیمان این امر را برای او گزارش داد. سلیمان آن مجسمه را شکست و آن زن را عقوبت کرد سپس به جای خلوتی رفت از پرستش مجسمه در خانه او به درگاه خداوند توبه کرد. از طرف دیگر سلیمان کنیزی بنام امینه داشت و هر وقت برای تطهیر و یا آمیزش با یکی از زنهایش میرفت، انگشتر خود را که ملکش در آن وابسته بود نزد او میگذاشت. روزی انگشتر را نزد امینه گذاشت، شیطانی که در دریا به سر میبرد به شکل سلیمان نزد امینه رفت و گفت: انگشتر مرا بده انگشتر را گرفت و به انگش خود کرد و به فراز تخت سلیمان نشست. پرنده گان و انس و جن به حضور او شتافتند. قیافه سلیمان تغیر یافت³ و نزد امینه رفت و انگشتر را از او خواست، امینه او را شناخت و رد کرد سلیمان از آن روز به در خانه ها میرفت و گدایی میکرد و هر وقت که میگفت من سلیمان ام به او خاک میپاشیدند و ناسزا میگفتند و او را متهم به جنون میکردند. بعد از آن روز سلیمان برای ماهی گیری کار میکرد و هر روز و هر دو ماهی بخاطر کار اش برایش میدادند.

¹. نجار، عبدالوهاب، قصص الانبیاء، ص 324.

²: پدر وهب در زمان پیامبر اسلام مسلمان شد (ذهبی، تذکره الحفاظ ج، 1، ص 101 و وهب در سال 34 ق در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه - متولد شد. از این رو او را از نابعان شمرده اند: روایات مسند او اندک بوده و تنها در اسرائیلیات و صحف اهل کتاب اطلاعات گسترده داشته است. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج. 4، ص. 545). او به قدری به نقل مطالب کتاب های گذشته و قصه های امت ها واقوام پیشین توجه نشان میداد که از این نظر او را به کعب الاحبار تشبیه میکردند (ذهبی، شذرات الذهب ج. 1، ص. 150) او شاگردان زیادی داشت که سخنان و گزارش هایش را نقل میکردند، دو پسر بنام عبدالله و عبدالرحمن نیز جزء روایانش بود (ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج. 4، ص. 504. هم چنین عبدالمنعم بن ادریس نوه دختری وهب، مطالب واحادیث کتاب ها و اشامل داستان های مربوط به پیامبران گذشته و قضایای بنی اسرائیل بوده از طریق پدر، از وهب نقل کرده است (محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج، 7، ص، 361). وهب در سال 110 یا 114 ق درگذشت.

³. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، ج 1، ص 258.

چهل روز « به تعداد روزهایی که در دربار او بت پرستش شد » به این منوال گذشت . آصف و بزرگان بنی اسرائیل حکمرانی شیطان را ناروا دیدند و به قضیه بد گمان شدند . آصف در این باره از همسران سلیمان جستجو کرد. آنان گفتند : در ایام حیض با ما آمیزش میکند و غسل جنابت انجام نمیدهد . آنگاه شیطان به دریا پرید و انگشتی را در آب افکند و یک ماهی آن را بلعید و آن ماهی بخاطر کار سلیمان به دست سلیمان رسید و وقتی شکم آن ماهی را شکافت انگشتی خود را در آن یافت و آن را به انگشت خود کرد و در پیشگاه خداوند به سجده افتید و دریافت که آنچه برای او پیش آمده به علت پرستش بت در خانه او بوده است او از آن روز، ملک و حکومت خود را باز یافت و آن شیطان را دستگیر کرد و او را درون یک سنگ گذاشت و به آب انداخت¹

3-نسبت این دروغ ها به رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- مشکل دیگری است زمانیکه میبینیم برخی راویان خطاهای را که مطرح کرده است همه اسرائیلیات را به رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- نسبت دادن امام سیوطی - رحمه الله - فی الدر المنثور²: والطبرانی در الاوسط وابن مردویه به سند ضعیف از ابی هریره گفت: رسول -صلی الله علیه وسلم- فرمود:

« ولد لسليمان ولد ، فقال للشياطين تواریه من الموت ، قالوا: نذهب به الى المشرق ، فقال : يصل اليه الموت ، قالوا فالى المغرب ، قال : يصل اليه الموت ، الى البحار ، قال : يصل اليه الموت ، قالوا : نضعه بين السماء والارض ، قال : نعم . ونزل عليه الملك الموت فقال : انى امرت بقبض نسمة طلبتها فى البحار وطلبتها فى تخوم الارض ، فلم اصبها ، فبين انا قاعد اصبتها فقبضتها ، وجاء جسد حتى وقع على كرسى سليمان .»³

1. الطبري ، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك ، ج 1 ، ص 259.

2. جلال الدين السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، الدر المنثور، ج 7 ص 188.

3-الطبراني ، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي ، المهجم الاوسط، شماره حديث (5960) ج 6 ، ص 112، شماره حديث الناشر: دار الحرمين - القاهرة عدد الأجزاء: 10المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد. فذكره. وعزاه في (الدر المنثور) 12: 576 إلى ابن مردويه. الحكم على الإسناد: ضعيف، لحال يحيى بن كثير، وهو أبو النضر صاحب البصري. متفق على ضعفه.

در تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ فتننا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلٰى كُرْسِيِّهٖ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ﴾¹ « و شکی نیست که ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او کالبدی را انداختیم ، سپس (به توبه و استغفار به سوی الله) رجوع کرد.» از ابی هریره روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود سلیمان - علیه السلام - را پسری به دنیا آمد به شیاطین و جنیبات در مورد مرگ اش گفت ، گفتند او را بطرف مشرق میبریم سلیمان - علیه السلام - گفت مرگ اش در همان جاء میرسد، گفتند: پس بطرف مغرب میبریمش گفت در همانجا هم میرسد گفتند که در بحر میبریمش گفت در آنجا هم میرسد گفتند : میگذاریم اش در بین زمین و آسمان گفت درست است بردش بعد ملک الموت نزدش آمد و گفت مامور شدیم که روح اش را قبض کنیم او را در مشرق و مغرب و بحر طلب کردم. و حالا روح اش را قبض کردم جسدش هم در کرسی سلیمان واقع شد.

4- سیوطی² - رحمه الله - در تفسیر الدر المنثور میگوید: النسائی و ابن جریر و ابن ابی حاتم با سند قوی از ابن عباس روایت کرده است در تفسیر آیه مربوط به فتنه سلیمان و افکنده شدن جسد بروی تخت او، داستان هایی شبیه آنچه طبری و علی بن ابراهیم قمی آورده از راویان و مفسران مختلف نقل کرده که ما تنها آنچه را از ابن عباس نقل کرده میاوریم : سلیمان خواست برای تطهیر برود ، انگشتر خود را به جراده که از محبوبترین زنانش بود سپرد، شیطان به صورت سلیمان نزد او رفت و انگشتر را از او گرفت و وقتی آن را در انگشت خود کرد جن انس و شیاطین از او اطاعت کردند. هنگامی که سلیمان برگشت به جراده گفت : انگشتر را بیاور او گفت آن را برای سلیمان دادم گفت : من سلیمانم گفت : دروغ گفתי ، تو سلیمان نیستی ! سلیمان نزد هر کس میرفت و میگفت که من سلیمانم او را تکذیب میکردند ، حتی کودکان او را سنگ باران میکردند. او وقتی این صحنه را دید فهمید که این امر از ناحیه خدای عزوجل است از آن روز شیطان بر مردم حکومت میکرد. هنگامی که خداوند متعال خواست ملک و حکومت سلیمان را برای او باز گرداند ، نفرت و مخالفت آن شیطان را در دل مردم افکند ، مردم گروهی را نزد زنان سلیمان فرستادن و به آنها گفتند : تازه گی چیزی از سلیمان مشاهده می کنید؟ آنها گفتند: بلی او هنگام حیض با ما آمیزش میکند در حال که قبلا این

¹سورة ص / 34.

²حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی از عالمان اهل سنت آثار بسیار در حدیث تاریخ و تفسیر و علوم دیگر دارد، وی تفسیر در تفسیر مهم الدر المنثور فی التفسیر بالمتثور و نیز جامع ترین کتاب در باره علوم قرآنی به نام الإقتان فی علوم القرآن است. نقلا عن الاعلام الزرکلی، ج 3، ص 301.

کار را نمیکرد. هنگام که شیطان متوجه شد که نقشه او فاش شده فهمید که کار او تمام است . مردم سحر و مکرهایی نوشتند و آن را زیر تخت سلیمان پنهان کردند ، سپس آنها را در آورد و برای مردم خواندند و گفتند: با این کار سلیمان آشکار میشود و بر مردم چیره می گردد ، اما مردم سلیمان را کافر شمردند و به این کار ادامه دادند . شیطان انگشتر را برد و در دریا افکند و یک ماهی آن را گرفت و بلعید. سلیمان در ساحل دریا کار میکرد ، مردی آمد و آن ماهی را که انگشتر در شکم آن بود خرید و از سلیمان خواست تا آن را تامل او ببرد وقت آن مرد به منزل رسید آن ماهی را به سلیمان داد. سلیمان آن را گرفت و شکمش را شگافت ، ناگهان آن انگشتر را در آن مشاهده کرد، و آن را به انگشت خود کرد و به دنبال آن انس جن و شیاطین به اطاعت او درآمدند و سلیمان به حال اول برگشت . شیطان فرار کرد و به یکی از جزایر دریا پناه برد سلیمان مامورانی را در طلب او فرستاد ، اما شیطان بسیار با هوش بود و آنها نمیتوانست که به آنها دسترسی پیدا کند تا آنکه او را خفته یافتند او از خواب بیدار شد و از جا پرید اما هرچه حرکت میکرد آن سقف هم با او حرکت میکرد ، آنگاه او را دستگیر کردند و به بند کشیدند و نزد سلیمان بردند به دستور سلیمان دل یک سنگ را تراشیدند و او را در آن داخل کردند و دهانه آن را با مس بستند و آنگاه سنگ را در دریا انداختند.¹

تفسیر صحیح که قرآن کریم در سوره ص آیه 34 در مورد امتحان حضرت سلیمان – علیه السلام- بیان میکند ﴿ وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۚ ﴾² « و شکی نیست که ما سلیمان را آزمودیم و به تخت او کالبدی را انداختیم، سپس (توبه و استغفار) رجوع کرد.

این آزمایش عبارت از ترک « ان شاء الله » در سخنی است که سلیمان – علیه السلام - گفته بود، و همین مطلب در صحیحین در حدیثی نیز بیان شده است، « عن النبي صلى الله عليه و سلم قال سليمان بن داود لأطوفن الليلة على سبعين امرأة تحمل كل امرأة فارسا يجاهد في سبيل الله فقال له صاحبه إن شاء الله فلم يقل ولم تحمل شيئا إلا واحدا ساقطا أحد شقيه . فقال النبي صلى الله عليه و سلم (لو قالها لجاهدوا في سبيل الله) »³ و مضمون حدیث از این

¹ . جلال الدین سیوطی سیوطی ، عبد الرحمن بن أبي بكر، الدر المنثور ، ج 7 ، ص 179، الناشر: دار الفكر بيروت ،

² . سوره ص / 34-35.

³ . صحیح البخاری ، کتاب : الانبياء، باب قول الله تعالى و هبنا لداود سليمان، شماره حدیث (3242) ج 3، ص 1260.

قرار است سلیمان - علیه السلام - همسران فراوان داشت، سوگند یاد کرد که با همسران اش آمیزش خواهد کرد تا از هرکدام شان فرزندی تولد شود که در آینده در راه الله تعالی جهاد کنند، ولی سلیمان - علیه السلام - « ان شاء الله » گفتن را فراموش کرد، پس آمیزش صورت گرفت، در نتیجه جز یک خانم هیچ یک از خانم های دیگر بار دار نشدند، و آن خانمی که بار دار بود از او یک پاره گوشت بیجان تولد شد، که آن را آورده بر کرسی سلیمان - علیه السلام - پیش رویش گذاشته شد، در آن زمان سلیمان - علیه السلام - به خطا اش پی برد ﴿

تَمَّ أَنْابٌ ﴿¹﴾ «پس

(او توبه و استغفار نمودوبه سوی الله - جل جلاله - رجوع کرد»

در صحیح روایت شده است که اگر سلیمان - علیه السلام - « ان شاء الله » میگفت، همه در راه الله جهاد میکردند.

بعضی از مفسرین گفته اند: مرا از این آزمایش مرض مزمن بود که عائد حال او گردیده بود و مراد از « جسد » جسم ضعیف خود او بود گویا که جان نداشت، او گرفته شده و به کرسی انداخته شد ﴿ تَمَّ أَنْابٌ ﴿²﴾ « باز به صحت رجوع کرد. »³

با توجه به روایات که در مورد حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان شده گفته میتوانیم که همه اینها از جمله اسرائیلیات است ، با امتحان حضرت سلیمان - علیه السلام هیچ مطابقت ندارد ، و اسرائیلیات که در مورد حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان شده با چیزی که قرآن کریم در مورد حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان میکند هیچ مطابقت ندارد.

مطلب سوم : نقد و بررسی روایات اسرائیلی :

1- زمخشری رحمه الله- : پس از نقل داستان گم شدن خاتم حضرت سلیمان - علیه السلام - آن را رد میکند و میگوید : علمایی که دقت نظر کردند این داستان ها را قبول نکرده . گفته اند از داستان های باطل یهودی است و شیاطین هرگز توان چنین کارهای تصرفاتی را ندارند

¹ .سوره ص/ 34.

² .همان.

³ .بدخشانی ، الشیخ اکرام الدین بدخشانی ، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج 7، ص 245.

و اینکه خداوند شیاطین را بربنده گانش مسلط سازد ، به طورکه احکام او را تغییر دهد و با همسرانش درحالت حیض آمیزش کند امرقبیح است .¹

پاره کند و خانه های آنها را ویران نماید چون چنین چیزدرباره علما باطل است به طریقه اولی درمورد بزرگان انبیا نیر باطل است .

3-چگونه با حکمت و احسان خداوند متعال سازگاراست که شیطان را برهمسران سلیمان - علیه السلام - مسلط سازد؟ شکی نیست که این امر باطل است .

4- اگر بگویم که سلیمان - علیه السلام - به آن زن اجازه داد که آن مجسمه را پرستش کند معنای آن کفرسلیمان - علیه السلام - است ، و اگرپرستش آن زن بدون اجازه و خبر و آگاهی حضرت سلیمان - علیه السلام - بوده آن زن گناه کاراست نه حضرت سلیمان - علیه السلام - پس چگونه خداوند حضرت سلیمان - علیه السلام - را به عملی مواخذه میکند که او انجام نداده است؟²

2- فخررازی³ - رحمه الله - : در تفسیر آیه یاد شده پس از نقل تعدادی از داستان های که بعضی از آنها را نقل کردیم میگوید: اهل تحقیق به چند دلیل این سخنان را رد کرده اند:

1- اگرشیطان بتواند از نظر جسم و صورت ظاهری به صورت انبیاء مجسم شود هیچ اعتماد به هیچ یک از شرایع باقی نمی ماند ، زیرا دراین صورت شاید کسانی که مردم آنها را به صورت محمد- صلی الله علیه وسلم - و عیسی و موسی - علیهم السلام - دیده اند خود آنها نبوت نبوده اند بلکه شیاطین بوده اند که برای گمراه سازی مردم به شکل آن ها مجسم شده بودند ، و معلوم است که این معنا ، پایه و اساس باطل است .

2- اگرشیطان بتواند با پیامبر خدا ، سلیمان - علیه السلام - چنین رفتار کند حتما میتواند با همه علما و زهاد نیزاین گونه عمل کند بنا براین میتوان آنها را به قتل برساند کتاب های آنها را

¹ زمخشری ، محمودبن عمر ، تفسیرکشاف ج.3. ص.328-329

² فخرالرازی ، محمد بن عمر ، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) ج 26 ، ص 182.

³ ابو عبدالله محمدبن عمر بن حسین بن حسن تیمی بکری طبرستانی رازی فقیه ، متکلم ، فیلسوف ، مفسر ، حکیم مسلمان که در سال 544ق در ری زاده شده و در سال 606ق در هرات درگذشت آثار بسیاری در علوم نقلی و علوم عقلی دارد از جمله تفسیرکبیر (مفاتیح الغیب) الاربعین فی اصول الدین ، اساس التقدیس ، اسرار التنزیل و انوار التاویل ، اسرار النجوم ، و غیره... نقلا عن اعلام الزرکلی ، ج4 ، ص 16.

3- ابو حیان¹ اندلسی - رحمه الله - نیز در تفسیر آیه مورد بحث ، با اشاره با بعضی از داستان

هایی که در تفسیر آن مطرح شده مینویسد : مفسران در تفسیر این آزمایش که برای سلیمان پیش آمده ، و افکنده شدن بر تخت او اقولی نقل کرده اند که لازم است انبیا را از آن تبرئه کرد، نقل این گونه مطالب در باره انبیا جایز نیست . اینها از قصه های مجهول یهود و زنادقه است . خداوند بیان نکرده است که آن و آزمایش و جسدی که خدا بر تخت سلیمان افکند چه بوده است . بعضی از امور که ذکر کرده اند عقلا محال است مانند مجسم شدن شیطان به شکل پیامبر به طوری که مردم خیال کنند که او پیغمبر است . اگر چنین چیزی ممکن باشد اطمینان به نبوت چیزی حاصل نمیشود . این سخنان یهود و زنادقه است از خداوند میخواهیم که ذهن ها و عقل ها ما را مصون بدارد.²

-این حدیث موضوع دروغین ساختگی بر پیامبر خدا است از عمل الذنادقه است و اشتباه بعضی روای ها است یحیی بن کثیر روایت قابل اعتماد میکند که از جمله حدیث ایشان نیست این گفته ها مناسب مقام حضرت سلیمان - علیه السلام - نیست امام السیوطی موافق است کتاب « اللالی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه » در مورد وضع حدیث و عصمت پیامبران هیچ شک باقیمیمانند از جمله حدیث ساخته و دورغ است که به پیامبر خدا نسبت میدهند و از جمله اسرائیلیات بنی اسرائیل میباشد.

با توجه به گفته های مفسرین میتوانم گفت اسرائیلیات که در مورد حضرت سلیمان - بیان شده همه آنها خلاف مقام نبوت است، نقل این گونه مطالب در باره انبیا جایز نیست بعضی از امور که ذکر کرده اند عقلا محال است مانند مجسم شدن شیطان به شکل پیامبر به طوری که مردم خیال کنند که او پیغمبر است. اگر چنین چیزی ممکن باشد اطمینان به نبوت چیزی حاصل نمیشود .

4- طوسی - رحمه الله -³: در تفسیر دو آیه مورد بحث نخست خلاصه نخست خلاصه داستان را در چند جمله از ابن عباس و مجاهد و سدی به صورت مشابه نقل میکند و سپس می افزاید

3. محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان، از مهم ترین مفسرین قرآن اهل سنت و ادیبان زبان عربی در عصر خود بود، مهم ترین آثار او البحر المحيط فی تفسیر القرآن، لغات القرآن، اعراب القرآن، و غیره. نقل عن علام الزرکلی، ج 7، ص 152.

1. الأندلسی، أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف، البحر المحيط، ج 7، ص 381، الناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: 1420 هـ، المحقق: صدقی محمد جمیل.

3. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی مشهور به شیخ طوسی از فقیهان، محدثان، در مقدمه تفسیر التبیان تالیف شیخ طوسی از 48 کتاب وی نام برده است شیخ طوسی در تمام علوم اسلامی و قرآنی، در فقه و اصول و کلام و رجال و تفسیر متبحر نظر بود

: آنچه گفتیم چیزی است که مفسران گفته اند ، اما مفسران اهل حق و کسانی که پیامبران و خدایی تعالی را از قبایح منزّه دانسته اند میگویند : امکان ندارد که خداوند به جنی اجازه دهد که به شکل پیامبر مجسم شود این امر بعید است ، همچنین نبوت به انگشتر وابسته نمیشود و خداوند نبوت را از پیامبر سلب نمی کند در آیه ، هیچ یک از اینها مطرح نشده خداوند متعال در آیه فرموده که بر تخت سلیمان - علیه السلام - جسدی افکنده شد.¹

5- آلوسی رحمه الله: گفته است داستان جراده را نسائی ، طبری ، و ابن ابی حاتم با سند قوی از ابن عباس نسبت داده شده ، به معنای صحت آن نمیباشد حدیث مورد اشاره آلوسی را سیوطی در تفسیر الدر المنثور آورده است او از طریق عبدالرزاق و ابن المنذر از ابن عباس نقل میکند که گفت : چهار آیه در کتاب خدا است که من آن را نفهمیدم و از کعب الاحبار² پرسیدم ، وی آن گاه یکی از چهار آیه مورد نظر خود را همین آیه مورد بحث ذکر کرد و گفت : از کعب از معنای ﴿وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا﴾³ « و بر تخت او جسدی را انداختیم . »

پرسیدم ، گفت شیطان خاتم حضرت سلیمان - علیه السلام - که ملکش در آن بود ربود و آن را در دریا افکند و در شکم یک ماهی قرار گرفت سلیمان - علیه السلام - آواره بود تا آنکه آن ماهی رابه آن دادند ، و آن را پخت و انگشتر را یافت و به ملک و حکومت خود برگشت رد پای کعب الاحبار و راوی مشهور اسرائیلیات و وهب بن منبه از روایان یهودی الاصل ریشه این داستان به آنها برمیگردد از جمله یکی از روایان داستان « جراده » کعب است .⁴

مطلب چهارم: روایات اسرائیلی در مورد اسپها حضرت سلیمان - علیه السلام -

یکی از نعمت های خداوند متعال برای حضرت سلیمان - علیه السلام - اسپهای اصیل و نجیب بود که خداوند به او عطا کرده بود و هر چند یکبار از جلوش رژه میرفتند و از آنها بازدید به عمل می آورد . روزی سلیمان - علیه السلام - دستورداد تا اسپها را به حضورش بیاورند. آنها را حاضر کردند ، به حالت شادی رو به حاضران کرد و گفت : من این اسپها را دوست

نقلا عن اعلام الزرکلی، ج 6، ص 84.

¹ طوسی ، محمد بن حسن ، التنبیان ، ج 8 ، ص 562، ناشر : دارحیاء التراث العربی ، بیروت . چاپ اول : 1414ق.
² ابواسحاق کعب بن ماته حمیری معروف به کعب الاحبار از قبیله ذی رعین و از تابعین بوده است ، در اوایل خلافت عمر - رضی الله عنه - به اسلام گروید ، و وارد مدینه شد ، کعب پس از گرویدن به اسلام باصحاب پیامبر مصاحبت داشته و برای آنها از کتب اسرائیلی و اخبار امت های گذشته نقل کرده . نقلا عن اعلام الزرکلی ، ج 5، ص 228.
³ سوره ص / 34.
⁴ آلوسی ، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی، تاریخ الامم والملوک ، ج 12، 199.

دارم¹ چون به وسیله آنها خداوند را به یاد میاورم و به بالابردن شأن دین او میپردازم. من اینها را بخاطر دنیا دوست نمی‌دارم. سپس رژه اسبها شروع شد. و از جلوسلیمان - علیه السلام - به حرکت درآمدند تا اینکه همه آنها از نظر پنهان گردید. ولی سلیمان - علیه السلام - از شدت علاقه به آنها از دیدن آنها سیر نشد. دستور داد بار دیگر آنها را از جلوش بگذرانند. سلیمان - علیه السلام - به عنوان عشق و محبت، بر سر و گردن و ساقها آنها دست میکشید البته عوامل متعدد باعث شده بود که سلیمان - علیه السلام - تا این اندازه به اسبهایش توجه و علاقه نشان دهد:

1- احترام و اهمیت دادن به این حیوان که در آن زمان از بزرگترین وسایل برای دفع دشمن و پیروزی بر آن محسوب می شد.

2- سلیمان - علیه السلام - میخواست نشان دهد که او شخصا بر کارهای سیاسی و حکومتی نظارت مینماید و اکثر امور را خود شخصا اداره میکند.

3- سلیمان - علیه السلام - از همه به اوضاع اسبها و عیبها و بیماریهای آنها آگاه بود و آنها را امتحان میکرد تا بداند کدام یک عیب یا بیماری دارد و به موقع به رفع آن اقدام کند. به این آیات توجه فرماید: ﴿إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ۝۳۱ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۝۳۱ رُدُّهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ۝۳۳﴾²

بیاد آور زمانی را که به وقت عصر اسپان «جید» و تیز رفتار به حضورش عرضه شد. پس گفت: من این اسپان را بخاطر ذکر پروردگارم «که جهاد است» سخت دوست میدارم» و به سوی آنها نگرست «تا آنگاه که از نظرش در زیر گرد و غبار پنهان شدند.» گفت «این اسپان را بسوی من باز گردانید، پس آنها را نوازش کرد و به ساقها و گردنهای اسبها دست میکشید.»

¹. طباره، عقیف عبدالفتاح، داستان پیامبران در قرآن، ص 434، ناشر: احسان، سال چاپ: 1384، مترجم ابوبکر حسن زاده.

﴿ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴾¹ « بیاد آور زمانی را که به وقت عصر

اسپان (جید) و تیز رفتار به حضورش عرضه شد. »

امام فخر رازی - رحمه الله - گفته است: اسب ها به دو صفت توصیف شده اند: اول، صفت « صفون » که بیانگر خوبی و برتری اسب است. دوم: « جیاد » یعنی تندرو و چابک . منظور این است که در حالت ایستادن و حرکت به خوبی و کمال موصوفند در وقت ایستادن آرام و ساکن

در جای خود توقف میکنند و در موقع حرکت سریع و تندرو می باشند.²

در این هنگام سلیمان - علیه السلام - علاقه شدیدش را به اسپان را ابراز داشت: ﴿ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ ﴾³ « پس گفت: من این اسپان را بخاطر ذکر پروردگارم (که جهاد است) سخت دوست میدارم. » نه به خاطر علاقه به دنیا و یا به خاطر تماشای محض .

پس سلیمان - علیه السلام - این صحنه جالب نمایش اسپان و مسابقه دوش آنها را تماشا میکرد

﴿ حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴾⁴ « و به سوی آنها می نگریمت » تا آنگاه که از انظارش در زیر

گرد و غبار پنهان شدند. « این حجاب گرد و غباری است که در اثنای مسابقه فضا را می پوشاند، وبدان سان اسپان دیده نمی شدند، و یا اینکه آن اسپان آن قدر سریع می دویدند که در لحظات کمی از انظار مردم پنهان شدند. هرگاه سلیمان - علیه السلام - این صحنه جالب را تماشا کرد، خواست تا بار دیگر بازگشت آن اسپان را نیز تماشا کند، بنا بر آن فرمود:

﴿ رُدُّوْهَا عَلَيَّ ﴾ « این اسپان را بسوی من باز گردانید » پس از فرمان او اطاعت کردند،

اسپان را باز گردانید. بعد از تماشا این دومین صحنه رضایت بخش: ﴿ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ

1.-سورة ص /31-33

2. همان .

1. الرازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن، مفاتيح الغيب (تفسير كبير) ج 26، ص 244..

3. سورة ص / 32.

4. همان

وَالْأَعْنَاقِ¹ پس (سلیمان - علیه السلام- آن اسپان را نوازش کرد و) به ساقها وگردنهای

اسپان دست میکشید» که اسپ طبعاً از این حالت راحت حاصل می کند.²

اجمال و اختصار گویی در این آیه نیز زمینه و میدان را برای جعلان و افسانه سازان فراهم آورده تا عقاید خرافاتی خویش را در قالب تفسیر آیه بیان کنند و متأسفانه از این تفاسیر غلط اسرائیلی در برخی تفاسیر و حتی برخی ترجمه های قرآنی نیز راه یافته .

1- همچنین ابن زید³ - رحمه الله - گفته است که آنها اسبهایی بودند که شیطان برای حضرت سلیمان- علیه السلام- از چراگاههای دریا خارج میکرد.⁴

2- اکنون به تفسیر دیگری که جمعی از مفسران ذکر کرده اند ، می پردازیم و از همه مشهورتر این است که : ضمیر در جمله های « تَوَارَتْ » و « بِالْحِجَابِ » هر دو به « شمس » یعنی خورشید باز میگردد که در عبارت مذکور نیست ، ولی از تغییر به « عشی » « عصرگاهان » در آیات مورد بحث میتوان از آن استفاده کرد. به این ترتیب مفهوم آیت چنین میشود: سلیمان غرق تماشا اسبها بود که خورشید سر به افق مغرب نهاد و در حجاب پنهان شد ! سلیمان که بخاطر از دست رفتن نمازش سخت خشم گین شده بود، صدازد: ای فرشتگان پروردگار! خورشید را برای من باز گردانید، این تقاضای سلیمان انجام یافت و « رد شمس » شد یعنی خورشید بار دیگر به افق بازگشت ، سلیمان وضوگرفت منظور از مسح کردن در ساق و گردن ، برنامه وضویی بوده که در آئین سلیمان وجود داشت ، البته گاهی مسح در لغت عرب به معنی شستن نیز آمده است سپس نماز خود را بجای آورد.⁵

¹. سوره ص/ 33.

². بدخشانی ، الشیخ محمد اکرام الدین ، ازهر البیان فی تفسیر الکلام الرحمن ، ج 7 ، ص 244-245.

1. عبدالرحمن بن زید بن اسلم عالم دین آراء و روایات زیادی در تفسیر طبری دارد برایش ابن زید میگویند.
<http://ar.m.wikipedia.org>.

2. طبری ، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، ج 23، ص 100.

3 . طبرسی ، ابوعلی فضل بن حسن ، مجمع البیان ، ج 8 ، ص 206-208، ناشر: مکتبة المعارف طبعه : 1379ق.

3- ابن مسعود¹ - رحمه الله - درباره آیه ﴿ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴾² « تا آنگاه که از انظارش در زیر گرد و غبار پنهان شد » گفته است ، خورشید در پشت یاقوت سبز پنهان شد ، پس آسمان به سبب آن سبز شد.³

4- وَأَخْرَجَ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ وَالْإِسْمَاعِيلِيِّ فِي مُعْجَمِهِ وَابْنُ مَرْدَوَيْهِ بِسَنَدٍ حَسَنٍ عَنْ أَبِي بَنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قَوْلِهِ ﴿فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ قَالَ: قَطَعَ سَوْقَهَا وَأَعْنَاقَهَا بِالسَّيْفِ -همچنین السیوطی حدیث مرفوع رابه حواله معجم الطبرانی و اسماعیلی و ابن مردویه⁴ نقل کرده است که منظور از تفسیر « مسح » یعنی قطع کردن گردن و پاها اسبان به نقل از ابی بن کعب⁵ به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نسبت داده است.⁶

5- در برخی از تفاسیر به نقل از مقاتل ، کلبی و حسن بصری آمده است : سلیمان نماز اول خودش را خواند و بر تخت تکیه زد ، و مصروف دیدن اسب ها بود و تعداد اسب ها هزار بود و نصد تن از آنها را بر وی عرضه کردند . سلیمان چنان غرق در مشاهده اسب ها شده بود که وقتی به خود آمد خورشید غروب کرده و نماز وی قضا شده بود از این امر بسیار خشمگین شد و دستور برگرداند اسب ها را کرد و همه را از دم تیغ گذراند.⁷

⁴ عبدالله بن مسعود از نخستین مسلمانان و مهاجران حبشه راوی حدیث قاری و مفسر قرآن کریم ، او از اصحاب مشهور پیامبر صلی الله علیه وسلم - ابن مسعود آیات قرآن کریم را از حافظه بر شاگردان املا میکرد و آنان قرائت آن را می نوشتند. نقل عن اعلام الزرکلی، ج 4، ص 137.
² سورة ص/31.
³ الطبری ، محمد بن جریر، تفسیر الطبری ، ج 21، ص 194 .

1. ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه بن فورک معروف به ابن مردویه از محدثان اهل سنت در اصفهان به دنیا آمد و در همانجا به تحصیل پرداخت برای جمع آوری حدیث به بصره ، کوفه ، و بغداد، سفر کرد. برخی از آثار او تفسیر القرآن، تاریخ اسبها میباشد. نقل عن اعلام الزرکلی، ج 1، ص 261.
2. ابی پسر کعب نام کامل: ابی بن کعب بن قیس بن عبید خزرجی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وسلم - و از جمله انصار است. او در پیمان عقبه، با محمد - صلی الله علیه وسلم - بیعت کرد و پیغمبر او را برای کتابت قرآن کریم برگزید و در یثرب تمام قرآن را حفظ کرد. نقل عن اعلام الزرکلی، ج 3، ص 315.
⁶ جلال الدین السیوطی ، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور ، ج 5، ص 309.
4. البغوی ، أبو محمد الحسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر القرآن ، ج 1، ص 68، الناشر : دار طيبة للنشر والتوزیع ، الطبعة الرابعة ، 1417 هـ - 1997 م، لمحقق : حقه و خرج أحادیثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضمیریة - سلیمان مسلم الحرش .

6- در برخی از تفاسیر آمده است : از آنجا که پی کردن اسبها بخاطر خشنودی خدا بود در عوض خداوند به او پاداش داد از جمله مرکب سریعتر از او در اختیارش گذاشت یعنی باد را مسخر کرد.¹

با توجه با روایات که در مورد قصه اسبهای حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان شده گفته میتوانیم که همه اینها روایات اسرائیلی است و خلاف مقام نبوت میباشد. آیات قرآنکریم حضرت - سلیمان - علیه السلام - را بنده شکرگزاری معرفی میکند که همیشه شکر نعمت های که خداوند متعال برایش نصیب کرد هیچ وقت مغرور نشد که باعث از بین بردن نعمت های که خداوند متعال برایش نصیب کرده شود بلکه همیشه شکر گزار بود .

مطلب پنجم : نقد و بررسی روایات اسرائیلی و حدیث :

1- در متن آیه کلمه شمس ذکر نشده که ضمیر: «ردوها» را بتوان به آن برگرداند بلکه این ضمیر به «الصَّافِنَاتُ» بر میگردد وقتی این مرجع صریح در آیات وجود دارد ما نمیتوانیم از کلمه «العَشِيَّةُ» مفهوم شمس را استخراج کنیم و ضمیر را به آن برگردانیم.²

2- این گفتار به دو سبب مورد تعجب است : 1- اینکه قبلاً تذکری از آفتاب نشده است تا ضمیر «تَوَارَتْ» به سوی آفتاب راجع شود. 2- اینکه در برابر قضا نماز، ذبح نمودن، اسپان که هم عمده ترین وسیله جهاد است و هم مال بیت المال، شایسته مقام سلیمان نیست. پس راجع این است که ضمیر «تَوَارَتْ» به سوی «الصَّافِنَاتُ الْجَيَّادُ» راجع است ، و مقصود از «مسحاً بالسوقِ والأعناق» مالیدن ساقها و گردنها است که نشان نوازش اسپان است . همین قول را امام طبری و گروهی زیادی از مفسرین ترجیح داده اند.³

¹ بن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج 4، ص 24 .

² فخرالدین الرازی، أبو عبد الله محمد، مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر) ج 26، ص 390 .
³ بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج 7، ص 244 .

3- مضمون این احادیث با توصیف که قرآن از حضرت سلیمان-علیه السلام- به عمل آورده است، سازگار نیست خداوند از حضرت سلیمان - علیه السلام - به عنوان « نعم العبد » یاد کرده است و او را یکی از بهترین بنده گان خود یاد کرده است ، حال چگونه ممکن است که چنین بنده ای، اینگونه دچار تقصیر بزرگی شده به جهت دل مشغولی به امور دنیوی ، از فریضه الهی غافل شود و در انجام آن سستی ورزد چه اینکه برفرض قبول این مسئله که به جهت غفلت از وقت ، نماز حضرت سلیمان -علیه السلام- قضا شد. پذیرش این مطلب که وی بخاطر این امر تمام اسپان بی گناه را سر برید ، بسیار دشوار به نظر میرسد چرا که انجام چنین کاری غیر معقول از انسان عادی پذیرفته شده نیست چه رسد به پیامبر که خداوند آن را در قرآن کریم مورد ستایش قرار داده او را واجد ویژه گی های مانند علم و حکمت دانسته است.

4- علامه هیثمی¹-رحمه الله - پس از نقل این حدیث در مجمع الزوائد، مینویسد که آن را طبرانی در اوسط روایت کرده است ، و در آن راوی بنام سعید بن بشیر است که شعبه و غیره او را ثقه گفته اند. و ابن معین و غیره او را ضعیف قرار داده اند ، و بقیه رجال سند همه ثقه میباشد.²

به سبب این حدیث مرفوع ، این تفسیر کاملاً تقویه میشود، اما عموماً بر این شبهه وارد میباشد، که اسپ ها نعمت خداوند بوده ، و ضایع کردن آن به این شکل مناسب شان یک پیغمبر نمیباشد، اما مفسرین در این مورد چنین میگویند این اسپها ملکیت شخصی حضرت سلیمان -علیه السلام بود ، و در شریعت او قربانی اسپ مانند گاو و گوسفند و شتر جایز بود ، بنا بر این او اسپ ها را ضایع نکرده بلکه آنها را قربانی کرده ، چنان که با قربانی کردن گاو و گوسفند ، آنها ضایع نمی گردد ، بلکه این یک شعبه از عبادت است ، چنانچه در اینجا هم به صورت عبادت قربانی

کردن اسپها به این شکل مناسب شان یک پیغمبر نمیباشد، درحالیکه قرآن کریم حضرت سلیمان-علیه السلام-را مورد ستایش قرار داده و او را واجد ویژه گی های مانند علم و حکمت دانسته.³

5-افسانه بودن روایاتی که به اسپهای بالدار و بیرون آمدن آنها از چرا گاه ها دریا و پنهان شدن خورشید پشت یاقوت سبزرنگ اشاره میکند ، ناگفته پیداست و شکی بر جعل بودن آن

¹. ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان بن ابی بکر بن عمر بن صالح وی در ماه رجب سال 725 هـ ق در مصر دیده به جهان گشود تمام عمر را در فراگیری علم حدیث و تالیف و تصنیف صرف نمود. <https://ahlesonnat.com>
⁴. الهیثمی ، نور الدین علی ، مجمع الزوائد ، ج 7 ، ص 99 ، الناشر : دار الفكر ، بیروت - 1412 هـ عدد الأجزاء : 10

وجود ندارد که بخواهیم دلیلی ارائه دهیم علامه طباطبایی نیز در این باره میفرماید : این مفسرین در اعراف گویی شان آنقدر تندروی کرده اند که روایت کردند که آن اسپها بیست هزار همه دارای بال بوده اند نظیر آن روایتی که در ذیل آیه ﴿ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴾¹ « در زیر گرد و غبار پنهان شدند» آورده اند که آن حجاب از یاقوت سبز بود و از سبزی آن آسمان سبز میشد غافل از این که آسمان اصلاً سبز نیست.²

6- آلوسی - رحمه الله - و غیره این داستان را رد نموده ، و گفته اند که ضمیر « ردها » به اسپها برمیگردد ، نه به خورشید، و این رد نمودن به این خاطر نیست که العیاذ بالله خدا توان اعاده آن را نداشته باشد ، از همین جاست که این داستان از روی دلایل قرآن و حدیث ثابت نیست.³

با توجه به آنچه که در مورد رد آن اسرائیلیات وارده شد در اسپهای حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان صورت گرفت میتوان گفت : که ضایع کردن اسپ ها به این شکل مناسب شانیک پیغمبر نمیشد ، در حالیکه قرآن کریم حضرت سلیمان - علیه السلام- را مورد ستایش قرار داده و او را واجد ویژه گی های مانند علم و حکمت دانسته است .

¹سوره ص/ 31.

²طباطبایی ، علامه سید محمدحسین طباطبایی ، تفسیر المیزان، ج 17 ، ص 207. ناشر : دار الکتب الاسلامیه ، طبعه : 1360 ه .
⁴آلوسی ، شهاب الدین محمود، روح المعانی ، ج 12، ص 185.

فصل سوم

درس ها و اندرز های گرفته شده از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام -

این فصل شامل چهارمبحث میباشد:

مبحث اول - درسهای تربیتی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام -

مبحث دوم - درس های اجتماعی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام -

مبحث سوم - درس های سیاسی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام -

مبحث چهارم - درس های اقتصادی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام -

فصل سوم

درسها و اندرز های گرفته شده از قصه سلیمان - علیه السلام -

مبحث اول: درسهای تربیوی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان- علیه السلام-

قصه های قرآنی به هدف درس و اندرز، پند و نصیحت در قرآن کریم ذکر گردیده است و قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - هم چنان شامل درس و اندرزهای میباشد، انسان های که پند پذیر است با شنیدن و خواندن این قصه پند میگیرند، در آیاتی که درسی های تربیتی از قصه حضرت سلیمان - علیه السلام- ذکر گردیده نشان دهنده عقیده راسخ ، تواضع ، فروتنی، و همت بلند حضرت سلیمان - علیه السلام - در طلب رضای خداوند - جل جلاله - میباشد.

مطلب اول: پایداری عقیده در مقابل تطمیع مالی :

این حقیقت که تطمیع مالی توان ایجاد تزلزل در عقیده صحیح و درست را ندارد، از سخنان سلیمان-علیه السلام- به نماینده گان بلقیس که حامل هدایای فراوان برای او بودند برای ما آشکار میشود: ﴿ اَتْمُدُونِنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ ﴾¹ « شما مرا کمک مالی میکنید؟ سرمایه که الله برایم داده است بسی بهتر از چیزهایی است که به شما داده است، « که آیا مرا به آوردن مال یاری میدهید درحالی که خداوند - جل جلاله - آنچه را از نبوت و نعمتهای مادی و معنوی که به من بخشیده ، بهتر است از آن نعمت های است که به شما داده است؟

منظور سلیمان- علیه السلام- تفضیل و ترجیح نعمتهای معنوی خدا برایش داده بر نعمتهای مادی است که خداوند به آنان اعطا کرده است. چرا که سلیمان- علیه السلام- نگفت که آنچه به من داده شده بیشتر از نعمتهای شما است بلکه گفت: ﴿ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ ﴾² «بهرتر از چیزهایی است که به شما داده است» که معنی آن برتری از لحاظ مادی آنها خیلی موهمتر و با ارزش تر است. از ابتداء آفرینش مردم شیفته مال و ثروت بودند و در تمام تلاشها و حرکت های شان به جمع مال و ثروت چشم دوخته اند بلقیس گمان کرد که سلیمان هم مانند سایر مردم تحت تاثیر تطمیع مالی قرار میگیرد.

به همین جهت هدایای برای او فرستاد تا بدین جهت هدایایی به نزد او فرستاده تا بدین وسیله ماهیت حقیقت سلیمان را شناسایی کند و آثاری که این هدایا به نفس او به وجود میآورد ملاحظه کند.³

آیا این هدایا او را به سکوت و چشم پوشی از دعوت بسوی خدا میکشاند و از جنگی او را بدان تهدید کرده است صرف نظر مینماید یا خیر؟ ولی بلقیس در این باره جز این کلمات چیزی دیگری نصیبش نشد: ﴿ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ ﴾⁴ « سرمایه که الله برایم داده است بسی بهتر از چیزهایی است که به شما داده است، « اینها کلمات هستند که سلیمان آنها را به زبان آورد. تا قانون وقاعده باشد برای آینده گان. هر انسان مصلح، هر رهبر و هر قاضی، این کلمات را در آن هنگام بازگو کند که اهل باطل به پیشنهاد رشوه و تطمیع مالی میخوانند آنان را از اجرایی حق باز دارند و از ادامه فساد و جنایات آنها سکوت کنند.

¹. سوره النمل / 36.

². سوره النمل / 36.

³ طباره ، عفیف عبدالفتاح ، داستان پیامبران در قرآن ، ص 453

⁴. سوره النمل / 36.

کلماتی که سلیمان به اعلان آنها پرداخت، از ارزشها بسیار والا، تمسک به حق و دوری و بیزاری از فریفته شدن و تحت تاثیر قرار گرفتن تمام چیزهای دنیوی که انسان را فریب می دهند از قبیل جاه و مال و مقامهای عالی، برخوردار می باشد. هدیه بلقیس به سلیمان درحقیقت چیزی جز رشوه ای نبود که بلقیس میخواست به وسیله آن بر سلیمان اثر بگذارد تا کاری به کار او نداشته باشد و بگذارد به حکومت بت پرستانه خود ادامه دهد. اما سلیمان هدیه بلقیس را برگرداند و به نمایندگان او گفت: ﴿بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾¹. « بلکه این شما هستید که اگر هدیه ای برایتان آوردند شاد می شوید. » پس معلوم است که سلیمان به مظاهر دنیوی و چیزهای فریبنده، آن شاد نمی شود و رزق و برق آنها بر او اثر نمی گذارد، سلیمان در تلاش برای رسیدن به حقیقتی است بسیار عظیم و والا که با هیچ یک از ارزشها مادی قابل مقایسه نیست.²

با توجه به آیات قرآن کریم و آنچه که برای ما میآموزد اینکه هیچ مال و ثروت در برابر دین قابل مقایسه نیست تمسک به حق و دوری و بیزاری از فریفته شدن و تحت تاثیر قرار گرفتن تمام چیزهای دنیوی که انسان را فریب می دهند از قبیل جاه و مال و مقامهای عالی، و اینکه هیچ گاه در برابر دین معامله صورت نگیرد.

مطلب دوم: درسی در تواضع:

داستان سلیمان با بلقیس، درس تواضع و فروتنی را به اشخاص عالم و فروتنی را به اشخاص عالم و دانشمند می آموزد و آنان را به اخلاص امر میکند و از خود بزرگ بینی و غرور به علمی که به آن بخشیده است بر حذر میدارد. این حقیقت به هنگام مراجعت همد از غیبت خود از سلیمان- علیه السلام- و اخبار که به سلیمان میدهد برای ما روشن میشود: ﴿أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ﴾³ « به چیزی آگاهی و احاطه پیدا کرده ام که توبه آن آگاهی نداری و از سر زمین سبا خبر یقین برایت آورده ام. » سلیمانی که پیامبر خدا است و خداوند جل جلاله - برایش حکمت و علوم فراوانی را به او بخشیده است، از چیزی بی اطلاع است که همد بدان عالم و آشنایی دارد این پرنده کوچک و ضعیف به نحوی با این

¹.سورة النمل / 36.

². طباره، عقیف عبدالفتاح، داستان پیامبران در قرآن، ص 454.

عالم بزرگوار سخن میگوید که آشکار به عرض اندام در برابر سلیمان می پردازد : « چیزهای را میدانم که تو آنها را نمیدانی این درس بزرگ است برای ایمان داران که هر اندازه عالم باشد ، بدون شک بعضی ضعیف ترین مخلوقات را میبایند که در برخی جهات از آنان عالم تر باشند. اما عکسعمل سلیمان در برابر هدهد و سخنان آن چی بود ؟ آیا غرور و خود خواهی به اومسلط شد ؟ آیا کبر و غرور و خشونت که از خصوصیات شاهان و حکام است ، سلیمان راو ادار به مجازات هدهد به این سخنان جسارت آمیز کرد؟ هرگز! پاسخ سلیمان جز این کلمات نبود:

﴿سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۲۲﴾¹ ، « تحقیق میکنیم ببینیم که از زمره راستگویان

هستی یا دروغگویان.» پاسخی است که اعتراف به قبول علم از هدهد و بررسی در باره روشن شدن حقایق، سلیمان هیچ مانعی در نفس خود برای پذیرش آگاهی و خبر از هدهد این پرنده کوچک و ضعیف ندید.² درحالیکه او پیامبری است که در علم و معرفت در مقام بالایی قرار دارد. او کسی است که خداوند در تعریف او میفرماید : ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا

وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۱۵﴾³ « به تحقیق که ما برای سلیمان

و داوود علم فراوان بخشیدیم ، و آنان به شکرانه این نعمات بزرگ گفتند : سپاس و ستایش تنها سزاوار خداوند است که ما را بر بسیاری از بنده گان مومن تفضیل داده و برتری بخشیده است.» این آیه دلیل به شرافت و فضیلت علم و بزرگواری اهل علم است و تذکری است به علماء در برابر فضیلت و نعمت علم، مانند داوود و سلیمان به حمد و سپاس پروردگار بپردازند و بدانند که نعمات که برای آنها بخشیده است با هیچ چیزی قابل مقایسه نیست و هیچ چیز ارزش آن را ندارد. داوود و سلیمان که میگویند: خداوند ما را به بسیاری از بنده گان خود برتری داده است، بدین معنی است که بعضی از بنده گان خداوند هستند که علم شان از داوود و سلیمان بیشتر و بر این دو پیامبر برتری دارند . این موضوع توجه

¹. سورة النمل / 22.

³. طباره ، عقیف عبدالفتاح ، داستان پیامبران در قرآن (مع الانبیاء فی القرآن کریم)، ص -256454، نشر ، احسان ، تهران . چاپ 3: 1384، ترجمه : ابوبکر حسن زاده.

³. سورة النمل / 15.

علم را به این موضوع جلب مینماید که باید فروتن و متواضع باشند و بدانند که میان بنده گان خداوند اشخاص عالم تر از آنان فراوانند.¹

با توجه به آیات قرآن کریم آنچه که در مورد حضرت سلیمان - علیه السلام - بیان صورت گرفت میتوان گفت : که حضرت سلیمان - علیه السلام - با وجود که خداوند متعال علم و دانش فراوان برایش نصیب کرده بود ، و پادشاه ای بوده که لشکر اش شامل انس ، جن ، و پرنده گان ، بود اما یک شخص متواضع بود، درس های که برای ما میآموزد این است که انسان نباید در مقابل مال دنیا و حکومت های کوچک مغرور و متکبر شود و این را باید بداند که هر قدر از توانائی بالا برخوردار باشد باید متواضع و فروتن باشد و بداند که میان بنده گان خداوند متعال اشخاص بالاتر از آنان وجود دارد.

مطلب سوم : همت بلند در طلب رضای خداوند - جل جلاله -

در این آیه حضرت سلیمان- علیه السلام- از الله متعال درخواست سه چیز را میکند. ﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ١٩﴾² «پروردگارا! مرا توفیق عطا کن تا همواره سپاس گزاری نعمتی باشم که تو بر من و بر پدر و مادرم انعام کرده ای، و اینکه عمل شایسته انجام دهم که تو از آن خوشنود شوی، و مرا در پرتو رحمت بی پایان خود در زمره بنده گان نیکت در آر.»

1- الهام گرفتن از خداوند متعال- اینکه خداوند متعال او را رهنمای کند تا نعمتی که خداوند به او و پدرش و مادرش بخشیده سپاسگزاری کند.

2- او را به هر کار خیر که خداوند متعال دوست دارد و از آن خشنود میشود یاری کند.

²سورة النمل /19.

3- اینکه او را با بنده گان صالح خود وارد بهشت کند.

امام رازی - رحمه الله - در تفسیر این آیه گفت : حقیقت کلمه ﴿ أَوْزِعْنِي ﴾¹ « مرا توفیق عطا کن.» نشان دهندهمت بلند، قوت، اراده محکم حضرت سلیمان - علیه السلام- در طلب رضای خداوند -جل جلاله - میباشد.

« أَوْزِعْنِي » مرا توفیق عطاکن به طوری که همیشه سپاسگزاری کنم این نشان دهنده آموزه دینی ما است. اما در قول الله متعال ﴿ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ ﴾² به توجه به کلام حق تعالی: « بر من و بر پدر و مادرم ،» زیرا او نعمتهای خداوند متعال بر پدر و مادرش را نعمتی برای خود میدانست و معنی قول الله متعال : ﴿ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ ﴾³ « تا عمل شایسته انجام دهم که تو از آن خوشنود شوی » تقاضای کمک برای قدردانی کارهای خوب. و پس از آن گفت:

﴿ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴾⁴ « و مرا در پرتو رحمت بی پایان خود در زمره بنده گان نیکت در آر.» هنگامی که او در دنیا درخواست کمک به کار های خوب کرد ، در آخرت خواست او از الله متعال این بود که او را از جمله صالحین بگرداند.

وقول الله متعال- ﴿ بِرَحْمَتِكَ ﴾ « در پرتو رحمت بی پایان خود » این نشان میدهد که داخل شدن به بهشت با رحمت و لطف الله متعال است نه عمل بنده و بدانید که سلیمان - علیه السلام - ابتدا آنچه را که میتواند وسیله برای پاداش آخرت باشد ، خواست ، سپس دوباره پاداش آخرت را جویا شد.⁵

¹ همان.

² همان .

³ همان .

⁴سوره النمل / 19.

²الرازي ، أبو عبد الله محمد بن عمر ، مفاتيح الغيب ، ج24، ص 550. و الزمخشري ، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الكشاف. ج3،

ص357.

سید قطب میگوید: این ندا نزدیک و مستقیم و متصل ﴿أَوْزِعْنِي﴾ « مرا الهام کن » مرا ملازم شکرخود گردان، چنان کن که دائماً سپاسگزار تو باشم و آنها را هیچ وقت فراموش نکنم . سراسر وجودم را جمع و جور گردان اندامهایم و افکار و زبان و دل درون و خاطره ها و چیزهای را که بر دل من میگذرند ، و کلمات و جمله ها ، و کارها و گرایشها و رویکرد های مرا جمع و جور گردان هستی مرا به طورکل جمع و جورگردان توانای های و نیروهایم را همه و همه جمع و جور فرما آغاز آنها را به پایان آنها ، و پایان آنها را به آغاز آنها ملحق گردان تا همه آنها به شکر و نعمت تو بپردازند ، نعمتی که بر من و پدر و مادر ارزانی و ارمغان داشته ای اینها مدلول لغوی کلمه . ﴿أَوْزِعْنِي﴾ « مرا الهام کن » است. این تعبیر اشاره به نعمتی دارد که در آن لحظه دل سلیمان را لمس کرد و نوع تاثیر او را، و نیرو توجه او را و لرزش و تکان وجدان او را به تصویر میکشد، در آن حال و احوال که سلیمان احساس میکند که خداوند همه نعمت را به او بخشیده است و پی میبرد که ید الله برسر او و بر سر پدر . مادرش کشیده شده است و ایشان را غرق لطف خود نموده است ، و احساس میکند که نعمت و رحمت به چه اندازه آنان را در برگرفته است.¹

با توجه به ترجمه و تفاسیر آیات که در مورد همت بلند حضرت سلیمان - علیه السلام - در طلب رضای خداوند متعال بیان صورت گرفت میتوان گفت : که آن حضرت - علیه السلام - در جمیع حالت درخواست طلب رضای خداوند - جل جلاله - را میکرد، و هیچ چیزی بالاتر از طلب رضای خداوند - جل جلاله - برایش با ارزش نبود درس های که ما از آن میاموزیم این است که با ارزش ترین امر در زنده گی انسان طلب رضای خداوند متعال در جمیع حالات است.

مبحث دوم: درس های اجتماعی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان- علیه السلام:
قرآن کریم کتاب هدایت برای بشریت است دعوت مردم به توحید پروردگار و وظیفه هر یک از افراد پیر و جوان که در جامعه اسلامی زنده گی میکنند به اندازه توانش واجب است به ویژه در امور مربوط به ایمان که اساس همه اعمال نیک افراد یک اجتماع میباشد.

¹ قطب ، سید ، فی الضلال القرآن ، ج 5 ، ص 2636.

مطلب اول: حرص حضرت سلیمان - علیه السلام - به داخل شدن مردم به دین حق:

﴿ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلِّفُهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۲۸ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ۲۹ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۳۰ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ ۳۱ ﴾¹ « این نامه مرا ببر، و آنرا بسوی ایشان بیفگن، سپس از آنها یکطرف شو،

و ببین آنها به یکدیگر چی میگویند؟ (ملکه سبا) گفت: ای اراکین دولت! نامه پر ارزشی بسوی من افکنده شده است، این نامه از سوی سلیمان است. و عنوانش «بسم الله الرحمن الرحيم» است. (و در نامه نوشته شده است) در برابر من سرکشی مکنید، و مسلمان شده به حضور من بیائید. « پیامبر خدا حضرت سلیمان - علیه السلام - وقتی که در مورد شرک و کفر قوم سبا دانست، نامه بسوی آنها فرستاد که آن نامه آنها را به داخل شدن به دین خداوند - جل جلاله - دعوت میکرد این همان کاری شایسته است، که رهبر، مسول، دعوت کننده یا کسیکه مسولیت کنترل رعیت را دارد باید انجام دهد، افراد که تمام این وسایل ممکن را در اختیار دارند و به جستجوی از بین بردن انکار مردم از دین حق هستند مطابق قانونی که در جامعه تعیین شده عمل نموده و مردم را به دین حق دعوت کنند، پیامبر خدا حضرت سلیمان - علیه السلام - به خاطر دعوت قوم سبا به دین حق از نامه استفاده کرد، آن درس که ما از آن میگیریم این است که برای رهبر، مسول، یا دعوت کننده، واجب است از وسایل موجود که در اختیار دارد برای هدایت مردم به دین حق استفاده کند و مردم را از راه شرک به خداوند - جل جلاله منع کند، امروز وسایل بیشتر در دسترس است مانند: 1- کتاب رهنما، 2- تلویزیون، 3- پیام 4- پست الکترونیک، 5- تلفون، و غیره... مهم این است که دعوت کننده زمانیکه میخواهد افراد یک اجتماع را به دین حق دعوت کند از وسایل که در اختیار دارد بخاطر دعوت مردم از آن استفاده کند.²

با توجه به آیات قرآن کریم که در مورد دعوت مردم به دین حق بیان شده گفته میتوان که بخاطر دعوت افراد که در یک جامعه زنده گی میکند به دین حق میتوان از وسایل چون نامه، تلفون، پست الکترونکی، و غیره.... در شرایط فعلی باید از تمام وسایل که در اختیار داریم در رساندن دین حق از آن استفاده نمایم.

¹.سورة النمل / 28-31.

².ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر، التحرير والتنوير، ج 19، ص 268.

مطلب دوم : تعامل بلقیس و قومش در برابر دعوت سلیمان - علیه السلام-

وقتی که پیام رسان های ملکه سبا با هدایا همراه شدند، تا سلیمان - علیه السلام - را بواسطه هدایا از هدف واقعی اش که دخول و فرمانبرداری ملکه سبا و قومش از اسلام بود دور کند، این ناشی از هوشیاری و زیرکی ملکه سبا بود، الله متعال میفرماید: ﴿ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ ۝۳۶﴾¹ « پس هرگاه (هیأت اعزامی ملکه) با آن هدیه به پیش سلیمان آمد (سلیمان) گفت : آیا شما مرا کمک مالی میکنید؟ سرمایه که الله برایم داده است، بهتر از چیزهایی است که به شما داده است، بلکه شما به هدیه خویش خوشحال میشوید.»

ابن عاشور- رحمه الله - گفت : حضرت سلیمان از پذیرفتن هدایا بخاطر انکار و رزید که ملکه این هدایا را بعد از اینکه نامه سلیمان به او رسید فرستاد، تا او در مورد جواب آنچه که در نامه نوشته شده بود سکوت کند، از قول ﴿ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ ﴾ « مسلمان شده به حضور من بیائید.» به اساس این به او مشخص شد که آنها از فرستاد این هدیه قصد داشتند که توسط این هدیه حضرت سلیمان - علیه السلام- را از تلاش برای آنچه که نامه نوشته شده بود منحرف کند، بناً هدایا رشوه بود تا اینکه حضرت سلیمان- علیه السلام- را از لشکرکشی به مملکت سبا منصرف کنند. حضرت سلیمان - علیه السلام - خطاب به هیأت اعزامی ملکه با آن هدایا که پیش سلیمان آمده بودند ، گفت آیا شما مرا کمک مالی میکنید، سرمایه را که الله برایم داده است بهتر از هر چیزی است که برای شما داده است با این هدایا به سوی ایشان بازگرد، و برایشان بگو که ما با لشکر بسوی شان میایم ، زمانیکه یک پیامبر پیام به مملکت دیگر به هدف تبلیغ و دعوت قوم به دین حق میفرستد، زیرا ارسال هدایا سکوت برای پاسخ در مقابل نامه که به دین حق او و قومش دعوت شده میباشد نیاز به تلاش دارد تا سلیمان - علیه السلام - را از سوال کردن آنچه که او از انجام این کار خواسته منحرف کند. و به او مال بدهد این امر مستلزم آن است که آنها این نیاز را با چنین پولها در نظر بگیرد، تا اونسبت به آنچه که او به آن هدایت میشود مطمئن شود.

¹.سورة النمل/ 36.

درسی که برای ما میدهد این است که اگر دعوت کننده است، یا رهبر است، یا مفتی است، یا مسول است، این را باید بداند و درک کند، با حاکمان دنیای فانی در مورد دعوت مردم به دین حق با پول معامله نکنند.¹

سعدی² - رحمه الله - گفت: ﴿فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ﴾³ «سرمايه که الله براي داده است، بهتر از چيزهائي است که به شما داده است»، يعني من از آن خوشحال نميشوم خداوند من را در اين باره غني ساخته است و برکات بيشتري بر من داده است. ﴿بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾⁴ «بلکه شما خود به هديه خود شاد ميشويد» بخاطر محبت خود به دنيا، و کمبود آنچه در دست شما است در رابطه با آنچه خدا به من داده است.⁵

آيه قرآن کریم آنچه را که برای ما درس میدهد این است که رهبر مسلمان منحيث یک رهبر واقعی بخاطر رساندن دین حق باید از تمام توانائی خود در هدايت مردم بسوی توحيد دین حق استفاده کند و پایداری نمائید قسم که مال و متاع دنيا حضرت سلیمان - علیه السلام- را از راه دعوت به سوی دین حق باز نداشت بلکه با همت بلند به دعوت قوم سبا ادامه داده و موفق شد.

مطلب سوم: پایداری همت بلند حضرت سلیمان- علیه السلام- در برابر انکار ملکه سبا و قومش:

﴿ارْجِعِ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾⁶ «(با این هدایای خود) بسوی ایشان باز گرد(وبه ایشان باز گرد (و به ایشان بگو) که ما با لشکر قوی بسوی آنها می آئیم که توان مقابله با آنها را ندارند، و آنها را از سر زمین شان با ذلت

1. زیدان ، د. عبدالکریم ، المستفاده من قصص القرآن للدعوة والدعاة ، ج 1 ، 440 ، الناشر: مؤسسة الرسالة ، البطعة الاولى 1419هـ - 1998.

2. شیخ عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله از مفسران و دانشمندان حنبلی که در شهر «عنیزة» از توابع نجد به دنیا آمد مفسر در رشته قرأت، فقه، حدیث، علوم عربی و تفسیر از اساتید فراوان بهره برده است، مفسر هدف خود از تألیف نشر علم و دعوت به حق توصیف نموده است، بخشی از مولفات را رایگان در اختیار دیگران قرار می داد. نقلًا عن اعلام الزرکلی، ج 7، ص 109.

3. سوره النمل / 36.

4. همان .

5. سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص 603.

بیرون میکنیم در حالیکه خوار و حقیر اند» این آیات همت بلند حضرت سلیمان - علیه السلام - در برابر انکار ملکه و قومش از دین حق و اعتقاد بلند او را در ثابت قدم بودن اش در برابر دعوت را نشان میدهد ، جایکه حسادت نسبت به دین خدا افزایش میابد، و او از شاهان که وسوسه شده اند یا دلسرد شده اند نیست، زیرا ما همت بلند حضرت سلیمان- علیه السلام - را در این موضوع میبینیم، چون خواست حضرت سلیمان- علیه السلام- رسیدن به ایمان و دعوت به سوی حق است.¹

با توجه به آیت قرآن کریم که در مورد همت بلند و ثبات در راه حق بیان شده میتوان گفت که حضرت سلیمان - علیه السلام - هدف دعوت اش رساندن دین حق بود و در این راه همت بلند و ثبات داشت زمانیکه حضرت سلیمان - علیه السلام- قصد آنها را فهمید که هدف از فرستادن هدیه یا رشوه آنها این است که حضرت سلیمان - علیه السلام- آنها را به حال خود شان بگذارد یا ترک کند. حضرت سلیمان- علیه السلام- آنها را به عذاب درد ناک در صورت عدم پاسخ دادن و قبول نکردن دعوت تهدید کرد، و گفت: ما با لشکرهای به سوی آنها میایم که توان مقابله با آن را ندارید، و آنها را از سرزمین شان با ذلت بیرون میکنم². ﴿ اَرْجِعْ

إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴾³ (با این هدایای خود) بسوی ایشان باز گردد(و به ایشان بگو) که ما با لشکری های بسوی آنها می آئیم که توان مقابله به آنها را ندارند، و آنها را از سر زمین شان با ذلت بیرون میکنیم در حالیکه خوار و حقیر اند.»

دکتر عبدالکریم زیدان⁴ - رحمه الله - میگوید: حضرت سلیمان- علیه السلام - بلقیس و قومش را که اگر تسلیم نشوند و دعوت را نپذیرند و مسلمان نشوند به جنگ تهدید کرد، ما با لشکرقوی به سوی آنها میایم، کسانیکه دعوت را نمیپذیرند اگر قوت موجود باشد، باید به

¹. سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، تیسیر الکریم الرحمن، ص، 544.

². ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر، التحریر والتتویر، ج 19، ص 268،

³. سورة النمل / 37.

زور و قوت از بین برود،¹ این امر امکان پذیراست برای مسولان، که مسول مسائل، نظارت، مراقبت نرخ ها، کالاها، رعایت آداب ، کارها، که یکی از مناصب حکومت ها در دولت اسلامی بوده است، اگر انکار از بین نرود مگر با زور و قوت پس باید در از بین بردن آن از زور و قوت استفاده شود، کسانی که حق را قبول نمیکنند انکارشان از بین برده نمی شود مگر با خشونت شدید پس باید از خشونت شدید کار گرفته شود، آنها چی کسانی هستند؟ 1- جادوگران 2- فاسدان 3- رهنان 4- فروشندگان موادمخدر، اینها فقط با زور و قوت از بین میروند. ما از خداوند متعال نعمت و سخاوت های را میخواهیم تا برای ما دین حق را بفهمند و برای ما آنچه را که از آن بهرمنده میثویم بیآموزد، و بهرمنده میثویم از آنچه که آموخته ایم .

با توجه به آیه قرآن کریم و آنچه را که برای ما درس میدهد این است هر فرد که در اجتماع وظیفه دعوت را دارند باید همت بلند و ثبات داشته باشند، افراد هم در اجتماع وجود دارد که دعوت را نمی پذیرند پس در صورت داشتن قدرت باید از آن استفاده صورت گیرد اما هیچ وقت از راه دعوت منصرف نشود.

مبحث سوم: درس های سیاسی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان-علیه السلام-

قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – از جمله قصه است که در قرآن کریم ذکر گردیده است و دارای درس های و عبرتهای سیاسی میباشد.

مطلب اول : تدبیر بهتر در امور دولت :

﴿ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ ﴾² « سلیمان(در علم و نبوت و کتاب) وارث (پدرش) داود شد »

سلیمان - علیه السلام- از داود -علیه السلام- ایمان، اخلاق، دولت مستحکم و پادشاهی یکپارچه به ارث برد آن را حفظ و تقویت کرد و مساحت آن دولت اسلامی را گسترش داد، وزمینه های دیگر را برای آن در نظر گرفت، و در آن احکام الهی را تطبیق کرد، و خداوند – جل جلاله – آنها را برکت داد مملکت اسرائیلی در عهد داود-علیه السلام- پس از آن در عهد

¹. زیدان ، د. عبدالکریم ، الاستفادة من القصص القرآن للدعوة والدعاة ، ج 1 ، ص 440.

سلیمان-علیه السلام- در جایگاه بلند و عالی به دلیل تطبیق احکام الهی رسید، بعد از وفات حضرت سلیمان-علیه السلام- کشور اسرائیل شروع به ضعیف شدن کرد، به دلیل اینکه مردم از رضایت خداوند - جل جلاله - دور شدند و در مسیر نافرمانی او گام برداشتند این دولت به دلیل بی اعتقادی یهودیان به خداوند متعال نابود شد.¹

حضرت سلیمان - علیه السلام - نظام خوب و اراده محکم که در امور دولت داشت خود عساکر و سربازان را بررسی کرد ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾² « همه آنان با هم محلق و در نزد هم نگاه داشته شدند » ﴿وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۲۰ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾³ « سلیمان جویا حال پرند گان شد، پس گفت: مرا چه شده است که هدهد را نمیبینم یا از غایب شده گان است؟ سوگند یاد میکنم که او را کیفر شدید خواهم داد یا سرش را میبرم یا برایم کدام حجت روشنی ارائه میدارد.»

در این صحنه شخصیت حضرت سلیمان-علیه السلام- به عنوان حاکم یک دولت ظاهر میشود.

در این آیه بسیاری از پندها و موعظه ها و حکم ها برای ما روشن میشود.

قاطعیت حضرت سلیمان که در رأس رهبر یک دولت قرار دارد ظاهر میشود، وقت که برای سلیمان - علیه السلام - آشکار شد که هدهد غائب است او را تهدید کرد. ﴿لَأُعَذِّبَنَّهُ﴾⁴ « او را کیفری شدید خواهم داد» بنابراین اگر عدم حضور هدهد جدی گرفته نشود سابقه بدی برای بقئیه سربازان خواهد شد، به همین دلیل میبینیم که سلیمان، پادشاه دوراندیش، به تهدید سرباز خلاف کار خود میپردازد، ارتش در حال آماده باش است و غایب بودن یکی از سربازانش در چنین شرایطی خیانت بزرگ محسوب میشود. بنابر این ممکن است به آن احتیاج داشته باشد برای یک موضوع موهم و خطرناک، وعدم وجود هدهد ممکن است

¹. الخالدی، صلاح عبدالفتاح، القصص القرآنی، عرض وقائع وتحلیل واحداث ، ج3، ص 482.

². سورة النمل/17.

⁴. سورة النمل/ 20-21.

⁴. سورة النمل / 21.

منجر به آسیب شود. این آیه نظام که سلیمان- علیه السلام - برای عساکر خود وضع کرده بود بیان میکند.¹

سید قطب - رحمه الله - گفت: ﴿ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ ﴾² « جویای حال پرنده گان شد » سلیمان- علیه

السلام - در این صورت باید دور اندیشی کرد تا هرج و مرج رخ ندهد، اگر دور اندیشی نشود سابقه بدی برای بقیئه لشکر خواهد شد به همین خاطر میبینیم که سلیمان - علیه السلام - به تهدید سرباز غائب میپردازد ﴿ لَأَعَذَّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

﴿³

« سوگند یاد میکنم که او را کیفری شدید خواهم داد، یا سرش را میبرم یا حتماً برایم کدام حجت روشنی ارائه میدارد» سلیمان - علیه السلام - پادشاه ظالم نیست بلکه او پیغمبر است او که هنوز حجت و دلیل هدهد غائب را نشنیده پس باید در باره او پیش از شنیدن سخن او و روشن شدن عذر او حکم نهائی را انجام ندهد از اینجا نشانه پغمبر و عدالت او آشکار میگردد یعنی باید دلیل و حجت قوی داشته باشد تا از عذاب در امان بماند.⁴ منتظر میماند و قبل از صدور حکم صبر میکند، بنابراین شاید هدهد غایب عذر داشته باشد، به همین دلیل است که سلیمان پس از آن گفت: « أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ »⁵ یا برایم کدام حجت روشنی ارائه میدارد، در اینصورت او از عذاب و تهدید من در امان خواهد بود اگر قاضی منصف باشد این قضاوت مناسب است . و سلیمان- علیه السلام- که به عدالت مشهور است از او انتظار نمی رود که باهدهد یا پایین تر از آن یا بالاتر از آن جز انصاف و قبل از اثبات جرم مجازات قبل از شنیدن استدلال مقصر اش کند.

دولت باید قوانینی داشته باشد تا بتواند امور را کنترل کند، تا افرادی که مجازات میشوند مجازات شوند، عدالت بهتر انجام شود، لازم است که به تدریج در مورد مجازات تصمیم گیری شود، این اصل عدالت است، به همین دلیل سلیمان- علیه السلام- با یک باره گی تصمیم خود را قطعی نکرد، بلکه منتظر ماند، مجازات وقتی انجام شود که خطا ثابت شود، مجازات به اندازه گناه بستگی دارد.

1. قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج 5، ص 2632.

2. سورة النمل/20.

3. سورة النمل/20-21.

4. قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج 4، ص 1007.

5. سورة النمل/20.

درآیه نشانه از قاعده حقوقی وجود دارد: (متهم تازمان اثبات جرمش بی گناه است) حاکم نباید سریع قضاوت کند بلکه منتظر بماند و استدلال شخص ستیزه گر یا نزاع کننده را بشنود.

—هدف سلیمان- علیه السلام- از تهدید همد به شکنجه یا کشتن، ترساندن کسانی بود که گمان میشد که نظام را نقص کنند، و از رهبر سرپیچی کند، این موضوع بی رحمی نیست، بلکه این استحکام و سخت گیری در انضباط برای انسجام ارتش امنیت و اعضای آن لازم است.¹

آنچه که این آیات قرآن کریم برای ما میآموزد این است که با تطبیق احکام الهی دولت اسلامی در مقام و منزلت بالای قرار میگرد، و بهترین تدبیر در امور دولت تطبیق و پیروی از احکام الهی است و یک رهبر باید در مقابل عساکر از قاطعیت برخوردار باشد.

مطلب دوم : لشکر نظامی حضرت سلیمان – علیه السلام - :

﴿ وَحَشِيرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴾² « و برای سلیمان لشکریان او از جن و انس و مرغان گرد آوری شد، پس همه آنها یکجا و نزدیک هم (بانظم و ترتیب در صفها) نگاه داشته شدند. » ﴿ يُوزَعُونَ ﴾³ « باز داشته میشدند» یعنی از بی نظمی باز داشته میشدند، و با نظم خاص در صفها حرکت میکردند، چنان که عادت ملوک است که در صحنه نمایش عساکر شان همین صحنه را می پسندند، بخش دیگر از معجزه حضرت سلیمان – علیه السلام – مسخر شدن گروه از جنیان و پرنده گان به فرمان اوست، تا آنها تحت فرمان او به کار بپردازند و مطیع دستور او باشند، آن دسته از پرنده گان را که خداوند متعال به فرمان حضرت سلیمان – علیه السلام – قرار داده بود به آنها درک و فهم خاصی فراتر از درک و فهم سائر پرنده گان هم نوع شان داده بود، این امر در داستان همد پیدا است که از احوال ملکه سبا چیزهائی را درک و فهم کرد که خردمندترین هوشیارترین و پرهیزگارترین مردمان درک و فهم میکنند این هم از جمله معجزات بود از جانب الله متعال برای حضرت سلیمان- علیه السلام – داده شده بود، خداوند گروهی از جنیان، و گروهی از پرنده گان را به فرمان او قرار داده بود همان گونه که انسانها زیر فرمان او بودند. البته همه اهل زمین لشکر سلیمان – علیه السلام – نبود چرا که ملک و مملکت او فراتر از فلسطین و لبنان و سوریه

¹. الحنبلی، ابو یعلی، الاحکام السلطانیة، ص 293، مطبعة الحلبي، القاهرة.

².سوره النمل / 17.

³.سوره النمل / 17.

و عراق نبود، به همین ترتیب همه جنیان و همه پرنده گان هم مسخر سلیمان - علیه السلام - نبوده اند بلکه از هریک از این ملت ها گروهی به زیر فرمان سلیمان - علیه السلام - بوده و دستور او را اطاعت میکرد.¹

ما از آیه قرآن کریم آنچه که میاموزیم اینکه هر دولت که اساس آن توحید و یکتا پرستی باشد و تطبیق قانون الهی در آن حکم فرما شده باشد پس از نظام خاص برخوردار میباشد.

مطلب سوم: هدهد سفیر سلیمان - علیه السلام - به مملکت سبأ-

الله متعال گفت: ﴿ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۲۷ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقَهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ

تَوَلَّ عَنْهُمْ فَإِنظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۲۸﴾² « (سلیمان) گفت: خواهیم دید که آیا راست گفته ای یا

از دروغ گویان هستی؟ این نامه مرا ببر، و آن را بسوی شان بیفگن، سپس از آنها یکطرف شو، و ببین آنها به یکدیگر چی میگویند؟ » بعد از اینکه هدهد بیانیه خود را درمورد دلیل غیبت خود و قضیه پادشاهی سبأ توضیح داد، متوجه میشویم که سلیمان - علیه السلام - در این صحنه نه باور میکند و نه او را انکار میکند، در تصدیق و تکذیب خبر عجله نمیکند، خبر بزرگی که هدهد برایش آورده آنرا دست کم نمیگیرد. احتیاط میکند تا از اعتبار آن اطمینان یابد، دقیقاً مانند پیامبر عادل، و پادشاه راسخ.³

مهمترین درس های این دوآیه را میتوان به شرح ذیل خلاصه کرد:

1-حاکم باید از صحت سخنرانی که به وی ارائه شده اطمینان حاصل کند و آن را مستقیماً نپذیرد، اما باید در باور اخبار دقت کند. سخن هدهد دو امر را در بر میگیرد:

¹ قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج 4، ص 1002.

² سورة النمل / 27-28.

³ الرازی، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی، تفسیر الفخر الرازی، ج 24، ص 193. وابن کثیر، عمادالدین ابو الفداء اسماعیل بن الخطیب القریشی دمشقی، نقلاً عن اعلام، ج 6، ص 313.

أ: او زنی را یافت که پادشاه قوم است و صاحب همه چیز است. و تاج و تخت بزرگی دارد و آنها آفتاب را سجده می‌کردند.

ب- قول الله متعال: ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾¹

« وشیطان برای ایشان اعمال (بد) شان را آراسته است، پس (به سبب این زیبا جلوه دادن شیطان) آنها را از راه، حق باز داشت پس آنها راهیاب نمی شوند».

1-دهد با ذکر اینکه شیطان اعمال (بد) شان را آراسته، میخواست ایمان و حسادت دین و اعتقاد را در قلب سلیمان-علیه السلام- تحریک کند تا او را از عزم حمله به پادشاهی آنها منحرف کند و اما پیامبران خدا چنین نیستند ، آنها از احساسات پیروی نمیکنند یا توسط احساسات هدایت نمیشوند سلیمان - علیه السلام - درس که به ما میآموزد این است وقتی که خبر را میشنویم متوقف شویم و اخبار مخبر را نپذیریم .به توجه به آنها، جدید ترین موارد را باید تعقیب کرد تا از اعتبار آنها اطمینان حاصل شود ، درسخان دهد د مورد ذکر شد: 1- تفاوت بین پیامبران در درک موضوع است.2- نگاه متعادل آنها به همه چیز، آنها به تعادل امور، بین هواداران نگاه میکنند، که به احساسات خود فکر میکنند.

2-ما از جمله های قبلی استنباط میکنیم که دولت مسلمان باید به وسایل های امنیتی توجه کند و نهایت توجه را به اخبار و اطلاعات داشته باشند تا از آنها برای خدمت به دین و آموزه توحید کار گرفته شود.

3- فرستادن نامه سلیمان -علیه السلام- به ملکه سبأ نشان دهنده ضرورت تعجیل در انجام کار خوب را نشان میدهد، به کاربردن توانایی و استفاده از امکانات های موجود در نشردعوت و اعظ با تجربه از شرایط دعوت شده در فرخوانی و پیگیری امور آنها پیش قدم شود این همان کاری بود که سلیمان -علیه السلام - انجام داد ، قسم که این وظیفه را به دهد اختصاص داد.

4-آیه بیان کننده این است که دولت اسلامی باید از مهارتهای و استعدادهایی که در وجود هر فرد از افراد جامعه نهفته است بهره منده شود، فرد مناسب را در محل مناسب استخدام نمائید ،

¹. سورة النمل /24.

این همان کاری بود که سلیمان -علیه السلام - انجام داد، زیرا تعدادی زیادی از مردم در پادشاهی او وجود داشتند اما حضرت سلیمان - علیه السلام - این کار را به همدرد سپرد.

5- در حمل کتاب توسط همدرد، تعهد و پیروی از آن با آنچه سلیمان -علیه السلام - دستور داده بود، بیانگر ضرورت شنیدن و اطاعت از حاکم و رهبر مسلمان را نشان میدهد، و واگذاری کار با توجه به ظرفیت و توانایی های فرد در حد که ممکن است.

6- رهبر مسلمانان باید نگران حمایت از دعوت به توحید باشد و تمام تلاش خود را در برقراری ارتباط با هر شخص متهم انجام دهد. چون سلیمان - علیه السلام - وقت به اخبار قوم مشرک گوش میداد، با فرستادن نامه بحث و گفتگو را با آنها آغاز کرد. ﴿ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۲۸ ﴾¹ « این نامه مرا ببر، و آنرا بسوی ایشان بیفکن، سپس از آنها یکطرف شو، و ببین آنها به یکدیگر چی میگویند.»²

7- سلیمان -علیه السلام- همدرد را بخاطر رساندن نامه به ملکه سبا انتخاب کرد ضعف و اندازه کوچک همدرد برای انجام این کار، دلیل به نشانه های دانش و خرد در آن است دلیل فرستادن نامه برای مشرکان آگاه ساختن آنها و دعوت آنها به اسلام است³، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بخاطر دعوت قیصر، کسری، پادشاه رومیان و هزاران نفر به دین اسلام نامه نوشت.⁴

آنچه که آیات قرآن کریم برای ما میآموزد این است که دولت اسلامی باید از مهارتهای و استعدادهایی که در هر فرد از افراد جامعه نهفته است بهره منده شود، استخدام فرد مناسب را در محل مناسب، این همان کاری بود که سلیمان -علیه السلام - انجام داد، که حضرت سلیمان -علیه السلام - بخاطر رساندن دین به قوم مشرک عجله کرد، به آنها نامه فرستاد و با آنها بحث و گفتگو را آغاز کرد.

مطلب چهارم : ملکه سبا با قوم خود مشورت کرد:

¹ .سورة النمل / 28.

² . آلوسی، شهاب الدین محمود، روح المعانی، ج 9، ص 193.

³ .القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد، تفسير القرطبي، ج 7، ص 178.

الله متعال میفرماید: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى

تَشْهَدُونَ ۳۲﴾¹

«ملکه گفت: ای بزرگان و اشراف! در این امر مهم، نظر خود را برایم ابراز دارید، من هیچ کاری مهمی را انجام نداده‌ام تا آنکه شما حاضر شوید (و نظر بدهید)»

1- در مشوره که بلقیس با بزرگان قوم خود کرد اشاره به اهمیت شورا در حاکمیت، و داشتن یک ستون مهم عدالت و آزادی، و یک روش مورد نیاز برای تبادل نظر، و افکار، برای رسیدن به نتیجه بهتر است.

2- مشورت در هر چیزی دولتی و خصوصی لازم است، به یک فایده قابل توجه دست میابد. مگر اینکه یک راز باشد، به ویژه در جنگ‌ها، آشتی‌ها، و مسائل عمومی.

3- به نظر میرسد که قانون در پادشاهی سبأ مشورتی بود زیرا ملکه در تصمیم‌گیری تنها نبود او در حال شرکت و مشورت با بزرگان دولت اش در این زمینه بود، ملکه در همه کارهایش با بزرگان قوم اش مشوره میکرد، و این یکی از صفات بارز فرمانروای موفق است، که در قضایا و امور دولتی مستبد الرأی نمی باشد. شاید این انتقال یک تمدن بزرگ در نظام حکومت پادشاهی سبأ بود در آن زمان که رژیم‌های فرد گرایی مطلق بودند، بنا بر این حاکم کسی است که تصمیم میگیرد اما قوم چیزی به جز تصویب و اجراء ندارند. بعد از اینکه ملکه با قوم مشورت میکند قومش عناصر قدرت را ذکر میکند دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوانی هستیم.

عناصر قدرت: حق تعالی فرمود: ﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأَوْلُو بِأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي

مَاذَا تَأْمُرِينَ ۳۳﴾² «گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوانی هستیم (و نظر ما

این است که با او می‌جنگیم) اما تصمیم، پیش‌توست، پس فکر کن چی دستور میدهی.»

1-سوره النمل / 32.

2. سورة النمل / 33.

1- در این آیه مردم دو چیز را برای ملکه خود نشان دادند: 1- یکی آن نمایش قدرت ﴿ نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ ﴾¹ « گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوانی هستیم » یعنی ما هم از آماده گی اقتصادی و نظامی برخورداریم ، و هم مردمان شجاع و غیور هستیم.

2- و دیگری ﴿ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴾² « تصمیم پیش توست، پس فکر کن چه دستور میدهی .»

2- این گفتار نشانه از عناصر قدرت، شجاعت، شهامت، وحدت صفوف و وفاداری هرملت نسبت به رهبر است. بعد از شنیدن سخنان بزرگان مملکتش، ملکه سبا رأی خود را در این باره ابراز داشت و صلح را بر جنگ ترجیح داد و مفسد جنگ را در یک جمله کوتاه چنین روشن ساخت: ﴿ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أَذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۝ ۳۴ ﴾³

« ملکه گفت: پادشاهان هنگامیکه به شهری به قصد جنگ وارد شوند. آن را به فساد و تباهی میکشانند و عزیزان آن سرزمین را خوار و ذلیل میگردانند، و پادشاهان هموار چنین میکنند »

ما از این آیات موارد ذیل را میآموزیم :

1- اینکه واعظ تاریخ ملت ها را مطالعه کند و از آن درس بگیرد، زیر تاریخ حافظ بشریت ثبت وقایع آن است و کمک میکند واقعیت موجود درک شود ، و اینکه ملکه از تاریخ آگاه و از زنده گی نامه آنها هنگام جنگ میدانست.

2- بلقیس از سخنان رهبران قوم خود، اشتیاق و گرایش آنها به جنگ را درک میکرد، اما او نمیخواست که نبردی ناگوار را رقم بزند، او به سلاح دیگری متوسل شد و در اینجا (زن) از پشت ملکه ظاهر میشود، زیرا زن متناسب با غریزه و طبیعت زنانه خود از جنگ و

¹ .سوره النمل / 33

² . همان .

³ .سوره النمل / 34-35.

ویرانی متنفر است، قبل از اینکه به سلاح قدرت و خشونت متوسل شود، به سلاح تدبیر و ظرافت متوسل

میشود سپس راه معقولی را که برای صلح سر تا سری، در نظر گرفته بود، برای اطرافیان ابراز داشت: ﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ﴾¹ « وهدیه گرانبهایی را برای آنها میفرستیم تا ببینم قاصدان با چی جوابی باز میگردند.»

3- با ارسال هدیه ، زن میخواست سلیمان-علیه السلام- و میزان جدیت او را در دعوت به اسلام امتحان کند. آیا او مرد است که واقعاً دعوت کننده به اسلام است، یا اینکه در جستجوی طلب مال دنیا است، اگر او پیامبر باشد این هدیه را نمی پذیرد بلکه قانون دین خدا را بر ما تطبیق میکند، و اگر پادشاه باشد و پیامبر نباشد این هدیه را می پذیرد و با ما روابط دوستی برقرار میکند، زیرا خاصیت هدیه این است که کینه و کدورت را از دلها دور میسازد.

4- ملکه مال داده شده به سلیمان را هدیه خواند، همچنان میبینیم که افراد فاسد را که اسم باطل را به غیر اسم حقیقی آن یاد میکنند، بخاطر نزد آنها مشروبات الکولی وجود دارد، ربا بهره منافع بانکی آنها است سرگرمی و بد حجابی برای آنها تفریح است و اختلاط بین دو جنس موانع روانی آنها را از بین میبرد، در اینجا اسم رشوه را که به سلیمان فرستاد، هدیه نام گذاری کرد.

5- هدیه، اگر هدف آن خریدن وجدان و شرف، و ضایع کردن حقوق دیگران و ساکت کردن زبان آنها از بیان حقیقت باشد، این نوع هدیه حرام است. اگر چنین کاری انجام نشده باشد ، بلکه هدف آن گسترش محبت باشد ، پس مطلوب و قابل قبول است.²

با توجه به آنچه بیان صورت گرفت میتوان گفت : با وجود ملکه سباء دارای قدرت نظامی بود اما صلح را نسبت به جنگ ترجیح داد و با فرستادن هدایا به حضرت سلیمان – علیه السلام – خواست که بدانند که قصد حضرت سلیمان – علیه السلام – چیست ؟ اگر پیغمبر باشد این هدیه را نمی پذیرد بلکه قانونی دینی خود را بالای ما تطبیق میکند اما اگر پادشاه باشد هدیه را میپذیرد و با ما روابط دوستی میکند این همه نشان دهنده یک پیامبر در مقابل رساندن دین در برابر قوم مشرک میباشد ، که دین حق را در بدل هدیه معامله نمیکند.

¹.سوره النمل / 37.

².الخالدی ، صلاح ، کنوز القرآن ، ص 196

مطلب پنجم - عمل به نظام شورا:

استبداد و خود کامگی حکام در صدور دستورات خود بدون رعایت مشورت با صاحبان علم ، آگاهی و تجربه ، اکثر اوقات باعث لطمه های شدید وارد آمدن خسارات و زیانهای جبران نا پذیر بر مصالح ملت میگردد. صفحات تاریخ پر از این گونه احکام و دستورات مستبدانه نادرست و زیان آور میباشد، و هیچ گاه حکومت مستبدی وجود نداشته است، مگر اینکه حکومت را به ویرانی و ملت ها را به ذلت و خواری کشانیده است. حکومت براساس شورا¹ نظامی است که صلاحیت و کارایی در پیشرفت و ترقی و خوشبختی ملت ها به اثبات رسانده است مسلماً نظر جماعت و همه صاحب نظران بهتر و درست تر از نظر یک فرد میباشد و عقل های متعدد قویتر و مفید تر از یکی از آنها است. قرآن کریم این درس را به ما میآموزد که از نظام شورا پیروی کنیم . داستان ملکه سبا را برای ما بیان میکند در آن موقع که او نامه تهدید آمیز سلیمان - علیه السلام - را دریافت میکند متوجه میشود که مملکتش اش تهدید به هجوم لشکر شده است، ملکه چی عکس العمل از خود نشان میدهد ؟ آیا به تنهایی به اتخاذ تصمیم روی آورد و با کسی مشورت نکرد ؟ خیر! بلکه اشراف و سران قومش را جمع کرد ، و به آنها گفت که ای بزرگان قوم ! نظر خود را در این موضوع موهم که برای ما پیش آمده است به من بگوئید ! چرا که من هیچ کاری بدون مشورت و حضور و اطلاع شما انجام نمیدهم ، این اصل که قرآن کریم آن را برای ما بیان مینماید ، به عنوان اصل و پایه نظام شوری در آمده و تمام احکام و دستورات و قوانین دنیایی متمدن براساس نظام شورا صادر میشود که با اسم های مختلف مانند مجلس سنا، مجلس شورا، مجلس ملت از آن تعبیر به عمل میاید. شورا پایه ای است که از پایه های احکام و قوانینی درست که خیر و برکت برای ملت به بار میآورد و از خطرهای زیانهای که ممکن است در اثر خود خواهی و منافع فردی و خود کامگی رهبران، دامنگیر ملت شود جلوگیری میکند. ملکه سبا اصل شورا را به وجود آورد و اسلام آن را مورد تائید و ستایش قرار داده است و به عنوان اصلی از اصول حکم و قانون اسلامی از

آن نام می برده. خداوند متعال خطاب به پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - میفرماید:

1. طباره ، عفیف عبدالفتاح ، داستان پیامبران در قرآن ، ص 453.

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾¹ «با آنان درکار های موهم مشورت کن» همچنین خداوند متعال درتوصیف و تعریف مومنانی میپردازد که احکام و قوانین خود را بر پایه شورا قرار میدهد و میفرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾² «کارهای شان به شیوه رایزنی و مشورت با یکدیگر است»

با توجه به اهمیت دادن اسلام به نظام شورا است که خداوند -جل جلاله- سوره ای از قرآن را به اسم شورا نام نهاده است.³

آنچه را که آیه های قرآن کریم برای ما در مورد شورا میآموزد اینکه شورا یک اصل موهم و اساسی است و دین مقدس اسلام تمام مسلمانان را به شورا امر میکند و از نظام شورا پیروی کنیم که این همه نشان دهنده اهمیت شورا در اسلام میباشد، با مشورت نمودن در امور انسان به نتیجه های بالایی دست پیدا میکند تمام احکام و دستورات و قوانین دنیایی متمدن براساس نظام شورا صادر است.

مبحث چهارم: درس های اقتصادی گرفته شده از قصه حضرت سلیمان -علیه السلام
قصه حضرت سلیمان - علیه السلام- از جمله قصه های قرآنی را دربرمیگیرد که دارای درس های اقتصادی است .

مطلب اول: موقف سلیمان - علیه السلام - در برابر هدیه ورشوه ملکه سباء:

الله متعال میفرماید: ﴿فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ ۝ ۳۶ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَنَخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَدْلَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝ ۳۷﴾⁴ « پس هرگاه (هیت اعزامی ملکه) با آن هدیه به پیش سلیمان آمد، (سلیمان) گفت: آیا شما مرا کمک مالی میکنید؟ سرمایه که الله برایم داده است، بسی بهتر از چیزهائی

است که به شما داده است، بلکه شما به هدیه خویش خوشحال میشوید.»

2. سورة آل عمران/159.

3. سورة الشورى /38.

1. طباره ، عفیف عبدالفتاح ، داستان پیامبران در قرآن ، ص 453.1

4. سورة النمل/ 36-37.

درس های که ما از این آیات میگیریم :

1- رد هدیه از طرف سلیمان - علیه السلام - نشانه ای از پاکدامنی، صداقت، غرور، افتخار، واستواری است که حاکم باید در مقابل وسوسه ها و معاملات برای عقب نشینی از ارزش های دنیایی و ثبات توحید باشد. اهل کفر همیشه به سعادت دنیا مشغول اند و زرق و برق دنیا به آنها خیره میشوند.

2- برتری سلیمان - علیه السلام - به فراخی مال ، یقین او از مسیر مذاکره و صلح، و از دست ندادن وقت در فرستادن نماینده گان، وی را در رویا رویی با دشمنان برای حکام مسلمانان به عنوان نمونه قرار میگیرد.

3- در پاسخ مناسب سلیمان - علیه السلام- به امیر هئیت وقت که هیات اعزامی ملکه با آن هدیه به پیش سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا شما مرا کمک مالی میکنید؟ سرمایه که الله برایم داده است، بهتر از چیزهایی است که به شما داده شده است، مال در مقابل نبوت و نزد پرور دگار هیچ ارزشی ندارد، من به مال شما خوشحال نمیشوم، بلکه شما به هدیه خویش خوشحال میشوید، درسی موهم است که حاکم مسلمانان باید قاطعیت در مسئله حق و باطل داشته باشد و شدت در برابر دشمنان خداوند - جل جلاله - و استواری در برابر نقشه آنها داشته باشد خداوند متعال فرموده: ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾¹ «یعنی هنوز در تلاش هستند با شما بجنگند که اگر بتوانند شما را به کفر و گمراهی برگردانند.»

4- حاکم باید توانایی تصمیم گیری درست را در زمان مناسب، در مکان مناسب، و دریغ نکردن از تصمیم دشوار برای غلبه بر سخت ترین شرایط داشته باشد.

5- موضوع قاطعیت سلیمان - علیه السلام- هنگام که ملکه سباء تسلیم اقتدار او شد، تاثیر مستقیم بردشمن داشت. حاکمان امور باید امور را محکم بگیرند، با خطر با قدرت و قاطعیتی که شایسته آن است مقابله کنند.

6- ملاحظه میکنیم که سلیمان - علیه السلام - بر نقطه ضعفی که بلقیس نشان داد تمرکز کرده

¹. سورة البقرة / 217.

ترس او این بود که عزیزان آن سر زمین را خوار و ذلیل میگردانند ، و سپس گفت: ﴿وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾¹ « آنها را از سرزمین شان با ذلت بیرون میکنیم در حالیکه خوار و حقیر اند » این یکی از دلایل تسلیم سریع ملکه بود. از این موقعیت اهمیت شناخت کامل دشمن و شناخت نقاط ضعف او را میآموزد تا بتواند پیروزی کاملی بر او کسب کند.²

با توجه به آیات قرآنکریم و آنچه که بیان صورت گرفت در مورد موقف سلیمان - علیه السلام - در مقابل مال که از طرف ملکه سبا بخاطر منصرف ساختن سلیمان - علیه السلام - از دین اسلام میآموزیم این است رهبر مسلمان باید از قاطعیت خاص برخوردار باشد هیچ گاه در مقابل مال و ثروت دنیا از رساندن دعوت به مردم دریغ نکنند میبینم که حضرت سلیمان - علیه السلام - در برابر دین خداوند - جل جلاله - از قاطعیت خاص برخوردار بود، به همین ترتیب حاکمان باید امور را محکم بگیرند و با خطر و با قدرت و قاطعیتی که شایسته یک رهبر مسلمان است مقابله کند.

². سورة النمل / 37.

³. آلوسی، شهاب الدین محمود ، روح المعانی ، ج 10 ، ص 201. و الصلابی ، علی محمد ، فقه التمكن في القرآن الكريم ، ص 152، الناشر: دارالبیاق ، عمان . الطبعة الاولى : 1999م.

نتیجه گیری:

حمد و ثنا الله متعال را که توفیق ترتیب و نوشتن پایان نامه ماستری را نصیب ام گردانید اگر الله متعال توفیق و یاری نمیکرد گمان نمیکردم که موفق شوم. و درود بر نبی اکرم – صلی الله علیه وسلم – بعد از حمد و درود لازم می بینم بعنوان نتیجه گیری از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام- درس ها و اندرز های آن روی نکات چندی پرداخته شود.

1- قصه های قرآنی یکی از مباحث علوم قرآنی است قرآن کریم به قصه اهمیت زیادی میدهد خداوند – جل جلاله – از قصه ها برای رساندن پیام و گاهی اتمام حجت استفاده کرده، بیش ترین مخاطبان پیامبر مردم معمولی بودند و بهترین روش برای رهنمای وقایع کردن آنها استفاده ارقصه و حکایت بود قصه های که در قرآن کریم ذکر گردیده متضمن عبرت ها، موعظه ها، و حکمت ها است قصه های که در قرآن کریم ذکر گردیده.

2- همه قصه های قرآنی واقعی هستند یکی از قصه هایی که الله متعال در قرآن کریم با روش متین و مستحکم بیان میکند، قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – است این قصه به عنوان یکی از زیبا ترین قصه های قرآنی است حضور شخصیت های غیر بشری چون جن، مورچه، باد، دانستن زبان پرنده گان، تفاوت بارزی این قصه را با سایر قصه های قرآنی نشان میدهد.

3- درس ها و اندرز های گرفته شده از قصه حضرت سلیمان – علیه السلام – در قرآن کریم به دعوت اسلامی خدمت و عقاید را مستحکم میسازد مسلمانان را به سمت درست هدایت میکند و برای مردم راه های پند و نصیحت را باز میکند.

4- سلیمان - علیه السلام- پیامبر سخاوتمند بود خداوند متعال برایش عقل سلیم داده بود که با آن امور را درک میکرد باهوش بود، قضیه های مشکل و پیچیده را حل میکرد و از نظر حکمت شهرت داشت تا اینکه آن را لقب حکیم دادند قرآن کریم سلیمان - علیه السلام - را با علم، فهم و حکمت توصیف کرده، علم از بزرگترین نعمت هاست و به هرکسی عطا گردد، برتری زیادی نسبت به مابقیه از بنده گان خداوند به او داده شده خداوند متعال نعمت های زیادی برایش داد، نبوت و پادشاهی وسیع را یکجا برایش بخشید آن را حفظ و تقویت کرد و مساحت آن دولت اسلامی را گسترش داد، در آن احکام الهی را تطبیق کرد خداوند متعال آن را برکت داد .

123

5- مملکت اسرائیلی در عهد سلیمان - علیه السلام- در جایگاه بلند و عالی به دلیل تطبیق احکام الهی رسید که نشانه عظمت و بزرگی او به شمار میرود، برای یک رهبرحق، مسله عدالت از مهم ترین ویژه گی هایی است که موجب عدالت گسترده و سلامتی جامعه شده و مردم را از دل بستگی های که موجب دوری از پرستش خداوند -جل جلاله میگردد حفظ میکند .

6- حضرت سلیمان - علیه السلام- در حال که دارای همه قدرت و مکانت بود ولی این امر هیچگاه حضرت سلیمان - علیه السلام - از دایره عدالت، شکر، عبادت و اطاعت الله متعال باز نداشت، اگرچه دارای قصرهایی بلورین عالی بود آن قصرها را برای زنده گی مرفه خود نمی خواست، بلکه یک نوع اعجاز مقام پیامبری او در شرایط آن عصر بود، تا همه را به سوی خدای یکتا و بی همتا جذب کند این محل پند عبرت است برای کسانی که فریفته و مغرور حکومت های کوچکی شده و به طغیان و سرکشی دست میزنند.

7- حضرت سلیمان- علیه السلام - به نعمت مادی و معنوی که خداوند به او و پیش از او به پدرش حضرت داوود - علیه السلام - داده بود نظر می افگند و میگویند که این از فضل و کرم خدای من است بر من نعمت داده تا ببیند سپاسگزاری یا ناسپاسی اش را میکنم در مقابل این همه نعمت های فراوان که الله متعال برای حضرت سلیمان - علیه السلام- نصیب کرده گفت: پروردگارا! به من الهام کن و توفیق ام ده تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس بگزارم .

8- نعمت هائی ارزانی شده به پدر و مادر نیز اقتضا میکند تا فرزندی برای خدای سبحان شکر گزاری کند. حق تعالی حضرت سلیمان - علیه السلام - را ستوده و می فرماید: سلیمان بنده نیکو بود او او اب بود یعنی بسیار رجوع کننده به سوی خداوند متعال با کثرت طاعت، عبادت، و انابت.

9- درس ها و اندرزهای تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، که در قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - وجود دارد همه پند و عبرت است، در بخش درس ها و اندرزهای تربیتی داستان سلیمان و بلقیس، درس تواضع و فروتنی را به اشخاص عالم و فروتنی را به اشخاص دانشمند می آموزد و آنان را به اخلاص امر میکند و از خود بزرگ بینی و غرور به علمی که به آن بخشیده است بر حذر میدارد.

124

10- در بخش درس ها و اندرزهای سیاسی که در قصه سلیمان - علیه السلام - بیان گردیده اینکه دولت اسلامی باید از مهارتهای و استعدادهایی که در وجود افراد نهفته است بهره‌مند شود، استخدام فرد مناسب در محل مناسب بهرمنند شود، این همان کاری بود که حضرت سلیمان - علیه السلام - انجام داد بخاطر رساندن دین حق به قوم مشرک عجله کرد، به آنها نامه فرستاد بحث و گفتگو را با آنها آغاز کرد .

قصه سلیمان - علیه السلام - از جمله قصه های قرآنی را در بر میگیرد که دارای درس ها و اندرز های اجتماعی میباشد و میتوان نتایج ذیل را در این مورد ذکر کرد.

11- زمانیکه حضرت سلیمان - علیه السلام - بلقیس و قومش را که اگر تسلیم نشوند و دعوت را نپذیرند و مسلمان نشوند به جنگ تهدید کرد ما با لشکر قوی به سوی آنها میایم، کسانیکه دعوت را نمی پذیرند اگر قوت موجود باشد باید به زور و قوت از بین برود.

در بخش درس ها و اندرز های اقتصادی قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - میتوان به نتایج دست یافت:

12- زمانیکه ملکه سبا برای حضرت سلیمان رشوه را به عنوان هدیه فرستاد تا موانع دعوتش به سوی دین حق شود و رد آن از طرف سلیمان - علیه السلام - نشانه از پاک دامنی، صداقت، غرور، افتخار، و استواری است که حاکم باید در مقابل وسوسه ها و معاملات برای عقب نشینی از ارزش های دنیایی و ثبات توحید باشد برتری سلیمان - علیه السلام - به

فراخی مال، یقین او از مسیر مذاکره و صلح و از دست ندادن وقت در فرستادن نماینده گان، وی را در رویا رویی با دشمنان برای حکام مسلمانان به عنوان نمونه قرار میدهد.

پیشنهادات :

از آنجایی که موضوع رساله بنده در مورد قصه حضرت سلیمان - علیه السلام - و درس ها و اندرز های گرفته شده از آن بود، در جریان مطالعه و نوشتن برایم بیشتر واضع شد ، زیرا پرداختن به تمام جنبه های درس های و اندرز های تربیتی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، از حوصله یک بحث خارج است ، و ممکن نیست تمام شبها ت وارد شده در یک رساله پاسخ گو باشد، اگر خواهر و برادر دیگری نیز در جستجو تحقیق در مورد درس ها ، در روشنی قرآنکریم باشند ، میتوانند به یک مجموعه مطالعاتی ارزشمند در مورد درس ها و اندرز گرفته شده از قرآن کریم تحقیق نمایند ، تا بتوانیم این مطالعه را در زبان ملی به مثابه یک مرجع معتبر در اختیار خواننده گان قرار دهیم ، نقاط مورد بحث میتواند در بخش های ذیل باشد :

1-تربیت اهداف تربیت و مراحل تربیت در قرآنکریم .

2-احساس مسولیت یک رهبر مسلمان در مقابل افراد که در اجتماع زنده گی میکنند در پرتو

قرآنکریم .

3-اقتصاد و مراحل رشد اقتصادی از نظر فقه اسلام .

فهرست آیات

شماره	آیات	سوره	شماره آیه	صفحه
1	إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ	آل عمران	62	12
2	إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ	النساء	163	37
4	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ.....	ابراهيم	39	29
5	أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ	مریم	58	26
6	أَوْتَيْتُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ	النمل	23	51
7	أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ	النمل	25	78
9	اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ..الى قوله تعالى أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ.	النمل	31-28	105 و 115
10	اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ	سبا	13	30
11	إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ	ص	32	80 و 97

			بِالْحِجَابِ	
12	62	آل عمران	إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ	12
92 و 79 و 23	33 - 31	ص	إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشيِّ... إلى قوله تعالى وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا... أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِنُجُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ.....	13
108	37-36	النمل	أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ	14
20	125	نحل	أَتَمِدُّونَ بِمَالِ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ	15
99	36	النمل	أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ	16
76 و 101	22	النمل	أَفْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ	17
19	1	العلق	بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ	18
100	37	النمل		19

127

30	38	آل عمران	رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ	20
29	100	الصفات	رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ	21
103	19	النمل	رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ	22
16	69	النمل	سِيرُوا فِي الْأَرْضِ	23
105	27	النمل	سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ	24
18	63	نساء	فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَعَظُهُمْ	25
108	37-36	النمل	فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتَمِدُّونَ بِمَالِ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ.	26
10	64	الهكف	فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا	27

12و1	176	اعراف	فَأَقْصِبْ قَأْصِبَ الْقَصَصِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ	28
29	49	مريم	فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ..	29
30	90	انبياء	فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى.....	30
29	101	الصفات	فَبَشِّرْهُ بِبُحَيْرَةِ حَلِيمٍ	31
71	36	ص	فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ	32
70	8-6	الحاقة	فَأَهْلَكُوا بِرِيحٍ صِرَاصٍ عَاتِيَةٍ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا.....	33
29	19	مريم	قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا	34
19	9	الزمر	قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.....	35
116	32	نمل	قَالُوا نَحْنُ أَوْلَى قُوَّةٍ وَأَوْلُو بِأَسِّ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ	36
120	33	النمل	قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعزَّةَ	37
116	32	النمل	قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي	38

128

80	36	النمل	قَالَ أُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ	39
15	42	النمل	قِيلَ أَهَكَذَا عَزَّيْشِكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ	40
15	44	النمل	قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ بِاللَّهِ	41
42و36	35	ص	قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ	42
113	28-27	النمل	قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ اذْهَبْ	43

			بِكِتَابِي	
18	57	يونس	قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ....	44
1	111	يوسف	لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ	45
54	100	البقره	نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ	46
12و9و1	3	يوسف	نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا	47
102و37و31و28	15	النمل	وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ	48
42	35	ص	وَهَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ	49
55و54و53	102	البقره	وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ	50
119	36	الشورى	وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ	51
51	16	النمل	وَأوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ	52
51	23	النمل	وَأوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ	53
60	38	ص	وَأخْرَيْنَ مُقَرَّنَيْنِ فِي الْأَصْفَادِ	54
54	93	البقره	وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ	55
121	35	النمل	وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمِ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ	56
51	12	النمل	وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيِّنًا يَدِيهِ	57
121	37	النمل	وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَدْلَلَةً وَهُمْ صَاغِرُونَ	58

129

119	159	آل عمران	وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ	59
114	24	النمل	وَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ	60
50	16	النمل	وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مِنْطِقَ الطَّيْرِ وَأوتِينَا مِنْ	61
86و83و82و79 و87و91	35-34	ص	وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ.....	62

107 و31 و28	15	النمل	وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ	63
78 و54	12	سبا	وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ.....	64
125	217	البقره	وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ	65
66	12	سبا	وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ	66
85 و52	12	سبا	وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ	67
29 و25	86-84	الانعام	وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ	68
17	105	الانعام	وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ	69
17	169	الاعراف	وَدَرَسُوا مَا فِيهِ	70
50	44	الاسراء	وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا	71
29	72	انبياء	وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا.....	72
28	84	انعام	وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ	73
114 و113	21-20	النمل	وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ.....	74
44 و28 و27	78	انبياء	وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ	75
51	81	انبياء	وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا	76
70	82	انبياء	وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ	77

33	15	النمل	وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ	78
----	----	-------	--	----

113و42و39و15	16	النمل	وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنَاطِقَ الطَّيْرِ	79
110و74و73	26-16	النمل	وَحُسْبِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ أَلَا هُوَ رَبُّ	80
80و35و34و15	19	النمل	وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ...	81
77	24	النمل	وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ ...	82
29	27	عنكبوت	وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ	83
17	13	لقمان	إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ	84
27	12-9	سبا	وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ... أَلَا هُوَ رَبُّكَ وَالسَّلِيمَانَ	85
80و37و27و23	32-30	ص	وَوَهَبْنَا لِداوُودَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ أَلَا هُوَ رَبُّكَ وَقَوْلُهُ تَعَالَى عَنِ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ	86
69	37	ص	وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ	87
21	10	الملك	وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ	88
20	55	الذريات	وَذَكَرْنَا فِي الذِّكْرِ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ	89
18	138	آل عمران	هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ	90
70	57	اعراف	هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا	91

81	41	النمل	هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي	92
----	----	-------	--------------------------	----

67	13	سبا	يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجِفَانٍ	93
18	90	نحل	يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ	94
20	57	يونس	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي	95

شماره	طرف حديث	كتاب	صفحه
1	ان ابليس يضع عرشه على الماء ...	صحيح البخارى	58
2	ان اشد الناس عذابا عند الله يوم القيامة المصرون	صحيح البخارى	68
3	ان ناقة للبراء بن عازب دخل عاظم رجل	سنن ابى داود	45
4	العجماء جرحها جبار	صحيح البخارى	46
5	اعوذ بوجهه الله العظيم الذى ليس شىء	موطا مالک	64
6	حمد سليمان ولم يلم داود	صحيح البخارى	47
7	لن يدخل احدكم الجنة	صحيح البخارى	36
8	لانورث ما تركنا صدقة	صحيح البخارى	40
9	ولد لسليمان ولد، فقال للشياطين تواريه من الموت ،	العجم الاوسط	85
10	كانت امراتان معهما ابناهما جاء الذنب	صحيح البخارى	47
11	لاطوفن اليلة على سبعين امراة	صحيح البخارى	87

شماره	اسماء	صفحه
1	ابن جوزی	13
2	ابن حجر العسقلانی	48
3	ابن حزم	46
4	ابن زید	94
5	ابن عباس	68 و 52
6	ابن عربی	69 و 46
7	ابن عبدالبر	42
8	ابن عاشور	104
9	ابن کثیر	66 و 42 و 38
10	ابن قیم جوزی	50
11	ابن مسعود	94
12	ابن مردویه	98
13	ابن کعب	94
14	ابو السعود	32
15	ابو حیان	89
16	الماوردی	45
17	المنای	41
18	آلوسی	97 و 91
19	امام البغوی	40
20	امام طبری	83 و 44 و 39 و 31
21	امام النووی	49
22	امام النسفی	38
23	بیضاوی	50
24	حسن بصری	67

25	حرام ابن محصیه	48
----	----------------	----

18	خليل بن احمد	26
9	راغب اصفهاني	27
88و76و51	زمخشري	28
25	زجاج	29
73	زحيلي	30
111و104و69و32	سيدقطب	31
86	سيوطي	32
42	صلاح عبدالفتاح الخالدي	33
90	طوسي	34
17	طبرسي	35
83	عبدالرزاق صنعاني	36
47	عمرو بن العاص	37
111	علامه السعدي	38
109	عبدالكريم	39
26	فراء	40
92و89	فخر الرازي	41
31	قيشيري	42
91	كعب الاحبار	43
10	محمد بن عثيمين	44
10	مناع القطعان	45
75	مجاهد	46
38	مكحول	47
84	وهب بن منبه	48
26	يحيي بن زيادة الكوفي	48
96	علامه هيثمي	49

قرآنكريم

- 1- آبادى، محمد شمس الحق العظيم، عون المعبود، الناشر: دارالكتب العلمية، بيروت. الطبعة الثانية: 1415هـ.
- 2- ابن الاثير، ابوالحسن على بن ابى الكرام، الكامل فى التاريخ، الناشر: دارالكتاب العربى، بيروت. الطبعة الرابعة : 140هـ-1983م.
- 3- ابن الجوزى ، عبدالرحمن بن على بن محمد. زادالمسير فى علم التفسير.الناشر :الكتب الاسلامى ،بيروت .الطبعة 3: 1404هـ.
- 5- ابن حجر السقلانى، احمدبن على ابو الفضل، فتح البارى شرح صحيح البخارى، الناشر :دارالكتب العلمية، بيروت .الطبعة 1: 1401هـ-1989م.
- 6- ابن حزم، على بن احمد، المحلى، الناشر: دار الافاق الجديدة، بيروت. تحقيق: لجنة احياء التراث العربى .
- 7- ابن انس، مالك، الموطأ، الناشر: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان، الطبعة : الاولى 1425هـ - 2004م ، عدد الأجزاء : 8
- 8- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر، التحرير والتنوير، الناشر: الدار التونسية للنشر – تونس، سنة النشر: 1984 هـ، عدد الأجزاء : 30.
- 9- ابن العربى، ابوبكر محمد بن عبدالله، احكام القرآن، الناشر: دارالكتب العلمية، بيروت الطبعة الاولى.
- 10- ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله النمري، التمهيد، الناشر: وزارة عموم الاوقاف والشؤون الاسلامية ،المغرب .1387هـ- تحقيق: مصطفى بن احمد العلوى، محمد بن الكبير البكرى .
- 11- ابن عطيه، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت. الطبعة: الأولى - 1422 هـ. المحقق: عبدالسلام عبد الشافى محمد.

- 12- ابن قيم الجوزية، اعلام الموقعين عن رب العالمين، الناشر: دارالكتب العلمية، بيروت الطبعة 2: 1414هـ-1993م . رتبه وضبطه : محمد عبدالسلام ابراهيم .
- 13- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر، تفسير قرآن العظيم، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع،
الطبعة الثانية: 1420هـ - 1999 عدد الأجزاء: 8. محقق: سامي بن محمد سلامة.
- 14- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر، قصص الانبياء ، الناشر: مطبعة دار التأليف - القاهرة
الطبعة: الأولى، 1388 هـ - 1968 م تحقيق: مصطفى عبد الواحد.
- 15- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر، البدايه والنهائيه، الناشر: مكتبة المعارف، بيروت الطبعة 6: 1405هـ-1997م.
- 16- أبو داود ، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو السجستاني، سن ابى داود، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، عدد الأجزاء: 4. تحقيق : محمد محى الدين عبدالحميد.
- 17- ابو السعود، محمد بن احمد العمادى، ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، الناشر: دار احيا التراث العربى ، بيروت .
- 18- ابوشهبة، د. محمد بن احمد، الاسرائيليات والموضوعات فى كتب التفسير، الناشر: مكتبة السنة، الطبعة الرابعة، عدد الأجزاء / 1.
19. الاندلسي، ابوحيان محمد بن يوسف بن على بن يوسف، البحر المحيط، الناشر: دارالفكر بيروت، الطبعة: 1420هـ- المحقق: صدقى محمد جميل.
- 20- البغوى ، الحسين بن مسعود ، معالم التنزيل فى تفسير القرآن ، الناشر: دارالمعرفة ، بيروت ،الطبعة الثانية : 1407هـ-1987م. تحقيق : خالد العك ، مروان سوار.
- 21- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، الجامع الصحيح المختصر، الناشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت، الطبعة الثالثة ، 1407 - 1987. عدد الأجزاء: 6. تحقيق: د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة - جامعة دمشق. عدد الأجزاء : 1.

- 22- البيضاوى، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي، تفسير البيضاوي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت. الطبعة: الأولى - 1418 هـ، المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلي.
- 23- الجصاص، احمد بن على الرازى ابوبكر، احكام القرآن، الناشر: دار احياء التراث العربى بيروت. 1405 هـ - تحقيق : محمد صادق قمحاوى .
- 24- الخالدى، د.صلاح عبدالفتاح ، عرض وقائع تحليل واحداث، الناشر: دارالقلم دمشق، الطبعة 1: 1424 هـ -1998م.
- 25- الخالدى ،د. صلاح عبدالفتاح ، كنوز القرآن ، الناشر: دارالقلم دمشق ، الطبعة 1: 1424 هـ -1998م.
- 26- السمين الحلبي، أبو العباس، شهاب الدين، أحمد بن يوسف بن عبد الدائم، الدر المصون في علوم الكتاب المكنون، الناشر: دار القلم، دمشق، عدد الأجزاء: 11.
- 27- السعدى، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله، تيسيرالكريم الرحمن فى تفسيركلام المنان، الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة الأولى: 1420 هـ -2000 م ، عدد الأجزاء 1: المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق.
- 28- الصابوني، محمد على، النبوة والانبياء، الناشر: مؤسسة مناهل العرفان مكتبة الغزالي ، دمشق، الطبعة الثالثة: 1405 هـ -1985 م .
- 29- الصابونى، محمدعلى ، صفوة التفاسير، الناشر: دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع -القاهرة، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م ، عدد الأجزاء: 1.
- 30- الصابونى، محمدعلى، مختصر تفسير ابن كثير، الناشر: دارالقرآن الكريم، بيروت - لبنان، الطبعة :السابعة 1402 هـ- 1981م.
- 31- الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، جامع البيان في تأويل القرآن ، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م ، عدد الأجزاء: 24، المحقق: أحمد محمد شاكر.
- 32-الطبرى ، محمدبن جرير ابوجعفر، تاريخ الامم والملوك ، الناشر: دارالكتب العلميه بيروت .الطبعة 1: 1407 هـ.
- 33- العثيمين، محمد بن صالح ،اصول فى التفسير، الناشر: المكتبة الاسلامية، سنة النشر: 1422-2001م. الطبعة 1.

- 34- الطبرانى، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، المعجم الاوسط، الناشر: دارالحرمين - القاهرة ، عدد الأجزاء: 10، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد , عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني.
- 35- الرازى، محمد بن عمر بن حسين القرشى المعروف بالفخر الرازى ، التفسير الكبير المسمى بمفاتيح الغيب، الناشر: دارالفكر سنة ، بيروت . الطبعة: الثالثة - 1420 هـ.
- 36- الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل ، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1407 هـ ، عدد الأجزاء: 4.
- 37- الزحيلي ، د، وهبة بن مصطفى ،التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق ، عدد الأجزاء : 30.
- 38- الزجاج ، معانى القرآن واعرابه ،إبراهيم بن السري بن سهل،معاني القرآن وإعرابه ،الناشر: عالم الكتب - بيروت ، الطبعة: الأولى 1408 هـ - 1988 م ، عدد الأجزاء: 5.
- 39- النووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف، شرح النووي ،الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، الطبعة: الثانية، 1392. عدد الأجزاء: 18.
- 40-النسفي ، أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين ،مدارك التنزيل وحقائق التأويل، الناشر: دار الكلم الطيب، بيروت ، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م ، عدد الأجزاء: 3.
- 41- الماوردي ،أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، النكت العيون ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان ، عدد الأجزاء: 6.
- 42-المباركفوري ،محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم ، تحفة الاحوذى ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت . عدد الأجزاء : 10.169
- 43-الصناعي،محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسن،سبل السلام ،الناشر:دارالحديث، عدد الأجزاء: 2.
- 44-الصنعاني ، عبالرازق بن همام ، تفسيرالصنعاني ، الناشر: مكتبة الرشد، الرياض . الطبعة 1: 1410 هـ . تحقيق : د. مصطفى مسلم محمد.
- 45-الفيروز آبادي، مجدالدين محمد بن يعقوب ،القاموس المحيط ،الناشر:دارالكتب العلمية بيروت. الطبعة 1: 2004م-1425هـ.

- 46-القرطبي ،أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري،الجامع لأحكام القرآن، الناشر: دار الكتب المصرية – القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م، عدد الأجزاء: 20. تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش.
- 47- القيشري، عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك ،لطائف الاشارات، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب – مصر، الطبعة: الثالثة.
- 48- القطعان، مناع بن خليل، مباحث فى علوم القرآن، الناشر: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، الطبعة: الطبعة الثالثة 1421هـ- 2000م. عدد الأجزاء: 1.
- 49- المظهرى، محمد ثناء الله، تفسير المظهرى، الناشر: مكتبة الرشدية، الباكستان، الطبعة: 1412 هـ .المحقق: غلام نبي التونسي.
- 50- المناووي، فيض القدير، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان الطبعة الاولى 1415 هـ - 1994 م .
- 51- الماوردى، الاحكام السلطانية ، الناشر: مطبعة الحلبي ، القايره .مصدر الكتاب : موقع الإسلام.
- 52- آلوسى، ابوالفضل محمود. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى .الناشر: دار احياء التراث العربى ، بيروت.
- 53- الهيثمى ، نور الدين علي بن أبي بكر، مجمع الزوائد ،الناشر : دار الفكر، بيروت - 1412 هـ، عدد الأجزاء : 10.
- 54- احسان، صدق سعيد، الزمان والشخصه فى الادب غادة السمان القصصي، وازرت ارشاد الاسلامى ، سال چاپ: 1363هـ ترجمه حسن سراج زاهد.
- 55- ابراهيم، مصطفى ، احمدالذيات ، حامدعبدالقادر محمد النجار، المعجم الوسيط، الناشر: الدعوه
- 56- بدخشانى ،محمداكram الدين، ازهرالبيان فى تفسيركلام الرحمن ، محل چاپ:مكتبه الاسلاميه (لاهور) پاكستان ، چاپ اول :1390هـ -2013م-
- 57- جلال الدين السيوطى ،عبد الرحمن بن أبي بكر، الدر المنثور،الناشر: دار الفكر، بيروت، عدد الأجزاء: 8.
- 58- حبنكه الميدانى، عبدالرحمن حسن ، معارج التفكيرودقائق تفسير، الناشر: دارالقلم – دمشق
- 59- ديوبندى، مولانا مفتى محمد شفيح عثمانى ، تفسير معارف القرآن ،ناشر: مكتبه حقانيه محله جنگى پشاور ،چاپ اول : 1389.
- 60- راغب اصفهانى، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، الناشر: دار المعرفة ، مكان النشر: لبنان عدد الأجزاء 1.

- 61- زيدان، د. عبدالكريم، الاستفادة من القصص القرآن، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الاولى : 1419هـ-1998م.
- 62- سالم ، محمد عدنان ، وسليمان محمد وهبي ، معجم كلمات القرآن العظيم ، الناشر: دارالفكر المعاصر، بيروت. الطبعة 1: 1418هـ-1997م.
- 63- ستارى، جلال، تحقيق در قصه سليمان وبلقيس، نشر: مركز تهران ، سال چاپ: 1381هـ.
- 64- سلوم، همام حسن يوسف، سليمان – عليه السلام – فى القرآن الكريم .
- 65- شلبى، محمود، حياة سليمان، طبعة 1: 1400هـ-1981م.
- 66- صادقى، مير، عناصر داستان، قدس رضوى ، مشهد، سال چاپ: 1371.
- 67- طباطبائى ، محمدحسين ، الميزان فى تفسير القرآن ، الناشر: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات ، بيروت .الطبعة 2: 1393هـ-1973م.
- 68- طباره ، عفيف عبدالفتاح ، داستان پیامبران در قرآن ، نشر: احسان ، چاپ سوم : 1384، مترجم : ابوبكر حسن زاده .
- 69- طبرسى، ابو على فضل بن حسن، مجمع البيان، الناشر: مكتبة المعارف تهران ، 1379ق.
- 70- طوسى ، ابو جعفر محمد بن حسن ، التبيان ، الناشر: دار احياء التراث العربى ،بيروت.
- 71- طالب، احمد، السرد القصصى وجماليات المكان، مجلة الموقف، الناشر: اتحاد الكتاب العرب، دمشق ، - الطبعة الثانى 2004، اعداد 403.
- 72- عباس ، فضل حسن، القصص القرآنى ايجاه ونفحاته ، الناشر: دار الفرقان عمان .الطبعة 1: 1407هـ-1987م.
- 73- قطب ، سيد ، فى ظلال القرآن ، مصدر الكتاب : موقع التفاسير.
- 74- قریشی، سيد على اكبر، قاموس القرآن ، الناشر: دارالكتب الاسلامية ،تهران ،تاريخ انتشار، 1381هـ ش.
- 75- ملازمى، مولانا محمد عمر سربازى، منرالحكيم تقاریرمثن العظیم معروف به (تبيين الفرقان)، ناشر: شيخ الاسلام جام .
- 76- مجمع الكناس فى الشرق الادنى ، قاموس الكتاب المقدس ، الطبعة 2: تحرير، د. بطرس عبدالملك ، د. الكسندر طمس ، ابراهيم مطر.

77- نجار ، عبدالوهاب ، قصص الانبياء ، الناشر: دارالعلم للجميع .بلا.

141

78- هروى ، عبدالرؤف مخلص، تفسير انوار القرآن ، منبع : سايت عقيدته ، تاريخ انتشار:حوت 1394ش جمادى الاول 1437هـ.

79- شبكه الالوكه اسلاميه وفكريه وثقافيه تحت الاشراف الدكتور سعد حميد، الفوائد التربويه من قصه سليمان – عليه السلام – فى القرآن الكريم .

80- الكتاب المقدس، سفر الاخبار الايام الاصحاح الثانى، جمعيات الكتاب المتحده 1966م.

81- كتاب اول ملوك و پادشاهان.

Abstract

The subject of the research that the story of Prophet Sulayman (as) in the Holy Quran is lessons and wanders; in terms of content, including such things as introducing the details of the subject such as the story, its lessons and wanders, explaining the story of Sulayman (as) . In the Holy Quran and the expression of lessons and advice taken from it, it is obvious that the expression of lessons and advice explains the main purpose of the chapters of the Holy Quran, so this issue is very important can be the importance of the subject and its goals can be briefly enumerated as follows:

1- Since it belongs to the Holy Quran -

2- In this way, the lessons and teachings mentioned in the surahs of Naml, Saba, PBUH, the Prophets, in the Holy Quran are clarified.

3- By knowing the lessons and advices of the Holy Quran, a solution to the problems of the day can be found. The research method is inductive and thematic methods have been used in the science of interpretation as follows:

4_Through knowing the lessons, advices and chapters of the Holy Quran is a solution to problems found. The research method is inductive and thematic methods have been used in the science of interpretation as follows:

1- Summarizing verses that are relevant to a topic and reviewing lessons and teachings analytically using the sayings and theories of scholars and commentators.

2- Mentioning sayings conceptually and quoting some texts in a concise and concise manner. 3- Quoting the translation of verses from the two commentaries of "Anwar Al-Quran" and Azhar al-

Bayyan in Tafsir Al-Kalam Al Rahman.

The Dari translation of the subject includes important results such as:

1: Understand of stories, knowing the lessons, advices and effectiveness of the Holy Quran concept

2- The narration of the story of Sulayman (as), which includes a judiciary that is effective in reforming belief, practice and social ethics.

143

3- Understanding the educational, social, political, and economic lessons and advice mentioned in the story of Sulayman (as).

Keywords: stories, lessons, advice, the importance of Wonders lesson, lessons and wanders taken from the story of Solayman (as) - in the Holy Quran.

Conclusion: which includes important results of the topic and suggestions.

List of references: Introducing the sources and references of the subject that has been used in the research.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Tafser & Hadith



Islamic Amart of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

The story of Hazrat Suleman -its lesson and advice

A Master's thesis

Student: Muzhgan " Taib "

Supervisor: Dr. Abdul Bari " Humaidi "

Year: 2018



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Amart Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

The story of Hazrat Suleman -its lesson and advice

A Master's thesis

Student:Muzhgan " Taib "

Supervisor: Dr.Abdul Bari "Humaidi "